

ویژنامه تبیین در میدان

شماره دوازدهم - سال ۱۴۰۴



وظائف و محتوای تبیینی مبلغان در شرایط جنگی

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه
معاونت فرهنگی تبلیغی مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه

تبیین در میدان

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛
ویژه نامه دوازدهم

مرکز پژوهش های تبلیغ-مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ با همکاری
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه؛ اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات
اسلامی و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

ویژه نامه دوازدهم:

تبیین در میدان

ضمیمه ماهنامه سفیر امین؛

مرکز پژوهش‌های تبلیغ-مجمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبردی محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

هیئت تحریریه:

محمود مقدمی، مصطفی آزادیان، نصرالله درویشی،
علیرضا زنگوئی، رضا زندوکیلی، محمدرضا نیکوکلام.

صفحه آرایی: محمدی فرد

چاپ: بهار ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

به جای سرمقاله

بازخوانی یک راهبرد در بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ۵

نکات امید آفرین

حجت الاسلام والمسلمین محسن عباسی ولدی ۱۲

چند نکته برای تأمل و تفکر

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان ۱۸

ملت شکست ناپذیر!

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسین راجی ۲۲

تحلیل وقایع اخیر در پرتو آیات قرآن و واقعۀ اُحد

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی ۲۸

مصارف صلح آمیز صنعت هسته‌ای

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود نبویان ۳۶

سرخط جامع عملیات روانی

مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه‌های علمیه ۴۶

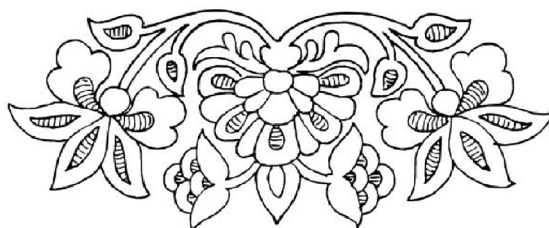
مرجفون؛ لرزه‌اندازان بر امنیت روانی جامعه

نشریه خط حزب الله ۵۶

نقش خطابه و شعر در جنگ

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نیکوکلان ۶۲

پاسخ به شبهات ۷۱



بازخوانی یک راهبرد در بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله

مقام معظم رهبری حفظه الله در آستانه سیزدهم آبان ماه، روز دانش آموز و روز ملی مبارزه با استکبار سال ۱۴۰۱ بیاناتی دارند که به عنوان یک راهبرد باید بازخوانی شود. در اینجا بخشهایی از این بیانات را به تفکر و تأمل بیشتر می‌نشینیم.

خیلی خوش آمدید عزیزان من، جوانان ما، نوجوانان ما! و حسینیه را صفا بخشیدید. دل‌های پاک شما، جانهای سرشار از شوق شما، هر جایی که باشید، هر محیطی را که در آن حضور پیدا کنید، نورانی می‌کند و صفا می‌بخشد....

سیاستمداران آمریکا با کمال ریاکاری و بی‌شرمی می‌گویند ما طرفدار ملت ایرانیم! می‌شنوید دیگر از قول اینها در خبرها و در فضای مجازی و جاهای دیگر؛ می‌گویند ما طرفدار ملت ایرانیم؛ خب این ادعا بشدت بی‌شرمانه است. سؤال من از آمریکایی‌ها این است که شما در این چهار دهه‌ای که از انقلاب گذشته، چه کار می‌توانستید علیه ملت ایران بکنید که نکردید؟ هر کاری نکرده‌اند، چون نمی‌توانستند....

هر کاری توانستند کردند: در اول انقلاب از گروه‌های تجزیه طلب حمایت کردند؛ از کودتای پایگاه شهید نوژه در همدان حمایت کردند؛ آمریکایی‌ها از تروریسم کور منافقین که چند هزار نفر را در کوچه و بازار کشور به شهادت رساندند حمایت کردند، پشتیبانی کردند؛ از صدام وحشی، در جنگ هشتساله همه جوره حمایت کردند؛ تسلیحات دادند، اطلاعات دادند، کمک کردند، عربها را وادار کردند به پول دادن. اطلاعاتی وجود دارد - که حالا من خیلی به این یقین ندارم اما ظاهراً اطلاعات متقنی است - که حتی شروع جنگ با تحریک آمریکایی‌ها بود و آنها صدام را وادار کردند که جنگ هشتساله را شروع کند. هواپیمای مسافری ما را بر روی آسمان خلیج فارس سرنگون کردند، نزدیک



سیصد نفر که داخل این هواپیمای مسافربری [بودند] کشتند، بعد هم اظهار تأسف نکردند. به آن ژنرال جنایتکاری که به آن هواپیما شلیک کرده بود، جایزه دادند، نشان به او دادند؛ شما با ملت ایران این کارها را کردید...

از اوایل انقلاب ملت ایران را تحریم کردند؛ این اواخر و در این چند سال اخیر شدیدترین تحریمها را که خودشان گفتند هرگز در طول تاریخ هیچ ملّتی این جور تحریم نشده، علیه ایران اعمال کردید؛ در فتنه‌ی سال ۸۸ صریحاً از فتنه‌گرها حمایت کردید؛ قبل از آن اوباما به من نامه نوشته بود که بیاید با هم همکاری کنیم، ما با شما دوستیم، به تعبیر ما قسم و آیه که ما قصد سرنگون کردن شما را نداریم، اما تا فتنه ۸۸ شروع شد، شروع کردند حمایت کردن به امید اینکه شاید این فتنه بتواند به نتیجه برسد، ملت ایران را به زانو در بیاورد، بساط جمهوری اسلامی را جمع کند؛ شما با ملت ایران این جوری عمل کردید.

شما آمریکایی‌ها صریحاً اعلام کردید که سردار رشید ما، شهید سلیمانی را کشتید؛ کشتید و به آن افتخار کردید؛ [خودتان] گفتید دستور داده‌اید. شهید سلیمانی صرفاً قهرمان ملّی نبود، قهرمان منطقه بود...

شما میلیاردها دلار از اموال این ملت را در کشورهای مختلف حبس کردید که اگر این پولها در اختیار دولت خدومی مثل دولت کنونی قرار داشت، خیلی کارهای خوب میتوانست با آنها انجام بدهد؛ [اما] اینها را حبس کردند، نگه داشتند، غیر از آن مقداری که از اوّل انقلاب در خود آمریکا حبس شد در بیشتر حوادث ضدّ ایرانی جای پای آمریکا را میشود دید؛ آن وقت اینها ادّعا میکنند که ما دلسوز ملت ایرانیم!

خب آمریکای امروز همان آمریکای دیروز است. آمریکای امروز همان آمریکای بیست و هشتم مرداد است، همان آمریکای کمک‌کننده به صدام است، همان آمریکای طول سالهای گذشته است، با یکی دو فرق مهم؛ یکی دو تفاوت کرده که ما باید توجّه به این تفاوت‌ها داشته باشیم: یکی این است که روشهای

دشمنی پیچیده تر شده؛ ما به این باید توجه کنیم. دشمنی ها همان دشمنی ها است، منتها شیوه اعمال دشمنی ها فرق کرده، پیچیده شده، باز کردن گره ها به آسانی نیست؛ باید دقت کرد، باید هوشیار بود. البته ما به بچه های خودمان، جوانهای خودمان، دست اندرکاران خودمان اعتماد داریم، و می دانیم می توانند [گره ها را] باز کنند ولی بالاخره پیچیده است. این یک تفاوت.

دوم اینکه آن روز - روز بیست و هشتم مرداد و امثال اینها - و حتی تا اوایل انقلاب، آمریکا قدرت مسلط جهان بود، [ولی] امروز نیست؛ این یک فرق مهم است. امروز، آمریکا قدرت مسلط جهان نیست؛ بسیاری از تحلیلگران سیاسی دنیا معتقدند که آمریکا دارد رو به افول می رود، ذره ذره دارد آب می شود. این را نه اینکه ما بگوییم؛ البته عقیده ما هم همین است اما تحلیلگران سیاسی دنیا هم این را دارند می گویند. نشانه هایش هم واضح است؛ مشکلات داخلی آمریکا بی سابقه است؛ هم مشکلات اقتصادی شان، هم مشکلات اجتماعی شان، هم مشکلات اخلاقی شان در داخل آمریکا؛ اختلافاتشان، دودستگی های خونینشان، خطاهای محاسباتی شان در مسائل دنیا.

اینها بیست سال قبل مثلاً به افغانستان حمله کردند - آن وقت طالبان سر کار بودند - برای اینکه طالبان را ریشه کن کنند حمله کردند، خرج کردند، جنایت کردند، کشته دادند، چقدر کشتند، و امثال اینها، بیست سال در افغانستان ماندند، بعد از بیست سال افغانستان را تقدیم طالبان کردند آمدند بیرون! معنای این چیست؟ معنای این، خطای محاسباتی است دیگر. پیدا است دستگاه محاسباتی آمریکا دستگاه منظم، مرتب و دقیقی نیست دیگر. بد می فهمند مسائل را. بد می فهمند، و بر اساس آن هم بد عمل می کنند. یا به عراق حمله کردند، ناکام ماندند...

به نظر من یکی از نشانه های انحطاط آمریکا، بر سر کار آمدن کسانی مثل رئیس جمهور فعلی و رئیس جمهور قبلی است. یک کشور سیصد میلیونی، سیصد و خرده ای میلیون، خودشان را می کشند، یک رئیس جمهور سر کار



می آورند مثل ترامپ، که همه دنیا او را دیوانه دانستند... این دلیل انحطاط یک ملت است؛ این دلیل انحطاط یک تمدن است. خب، این مربوط به آمریکا.

خیلی از قدرتهای غربی دیگر هم از این جهات شبیه آمریکایند؛ حالا نمی خواهیم اسم بیاوریم، بعضی از قدرتهای دیگر غربی هم در این زمینه مثل آمریکایند؛ در رسانه هایشان آموزش تخریب می دهند، آموزش اغتشاش می دهند، درست کردن کوکتل مولوتف یاد می دهند، درست کردن بمب دستی یاد می دهند. اینها دلیل چیست؟ بحث این نیست که اینها با این کار جنایت می کنند، خب بله، جنایت است اما انحطاط است، پستی است؛ این نشاندهنده میزان انحطاط اخلاقی یک دولت، یک مجموعه حکومتی است که رادیویش این جوری عمل می کند...

جوان امروزی اهل تحلیل است؛ این خیلی نکته مهمی است، این خیلی قابل توجه است. بچه های ما و جوان های ما حرف دارند و این خاصیت انقلاب اسلامی است؛ این را عرض بکنم: این خاصیت انقلاب اسلامی است. اگر چنانچه انقلاب اسلامی نبود، جوانهای ما این قدر سرگرم بیهوده کاری ها و شهوت رانی ها بودند که اصلاً یادشان نمی آمد به مسائل اساسی کشور فکر کنند؛ آن روز این جوری بود...

خب، حالا این یک حقیقتی است؛ این حقیقت را همچنان که ما می فهمیم، دشمن هم می فهمد؛ دشمن هم می فهمد که چشم و گوش جوان امروز باز است، حواسش جمع است، هوشمند است، قابل تحلیل است؛ چه کار می کند؟ دشمن که بیکار نمی ماند؛ دشمن برای اینکه این حالت جوان ما را خنثی کند، شروع می کند محتوای ذهنی برای جوان درست کردن؛ این حجم عظیم دروغ ها در شبکه های مجازی به خاطر این است...

من در یکی دو سخنرانی قبلی گفتم که علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا می‌کند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ این یک سؤال مهم است. حالا این نظم جدیدی که بنده عرض می‌کنم که نظم کنونی به نظم جدید تغییر پیدا خواهد [کرد]، چیست؟ نمی‌شود دقیق گفت، نمی‌شود بدقت گفت که نظم این چنینی است اما می‌شود یک خطوطی را ترسیم کرد. یک خطوط اساسی‌ای هست که مطمئناً این خطوط اساسی در این نظم جدید هست.

خط اساسی اول عبارت است از انزوای آمریکا؛

آمریکا در نظم جدید جهانی منزوی خواهد بود. برخلاف آنچه ده بیست سال پیش بوش پدر گفت که امروز تنها قدرت مسلط دنیا آمریکا است؛ بعد از قضیه حمله عراق به کویت و ورود آمریکایی‌ها و متلاشی کردن حمله عراقی‌ها، [بوش پدر] با غرور تمام - به این مضمون - گفت که امروز همه‌کاری دنیا آمریکا است؛ در این نظم جدیدی که من می‌گویم نه، آمریکا دیگر جایگاه مهمی ندارد و منزوی است.

۹

خب، پس یکی اینکه آمریکا مجبور میشود دست و پایش را از جهان جمع کند. الان آمریکایی‌ها در بسیاری از مناطق دنیا پایگاه دارند؛ در منطقه‌ی ما، در اروپا، در آسیا، پایگاه‌های نظامی با جمعیت‌های زیاد، پولش را هم از خود آن کشور بیچاره‌ای که در آنجا پایگاه هست می‌گیرند؛ هزینه‌هایش را او باید تأمین کند و آمریکایی‌ها بخورند و آقایی کنند! این دیگر تمام میشود؛ دست و پای آمریکا از حضور در سراسر جهان جمع خواهد شد. این، آن خط اصلی اول، از خطوط اساسی نظم جدید آینده‌ی جهان.



خط اساسی دوّم؛ انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتّی علمی، از غرب به آسیا

امروز قدرت‌های غربی هم اقتدار سیاسی دارند، هم اقتدار علمی دارند، هم اقتدار فرهنگی دارند، هم اقتدار اقتصادی دارند؛ یعنی خیلی چیزها دارند، البته تعبیر درست‌ترش این است که بگوییم داشتند، و دارند آرام‌آرام از دست می‌دهند؛ ولی خب [اینها را] سالها داشتند دیگر؛ دو سه قرن غربی‌ها این جوری عمل کردند. در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد. آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی؛ ما در آسیاییم. خب این هم نقطه‌ی بعدی.

نقطه‌ی سوّم، [یعنی] آن خط اساسی سوّم: فکر مقاومت و جبهه مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.

چون اروپایی‌ها از وقتی که انقلاب صنعتی شد و جلو افتادند و استعمار را شروع کردند، مردم دنیا را و کشورهای دنیا را عادت دادند به اینکه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی دو حصّه متقابل حتمی دنیا است؛ یعنی دنیا تقسیم میشود به دولتهای سلطه‌گر، و قدرتها و دولتها و کشورهای سلطه‌پذیر؛ این [وضع] بوده و این نظام سلطه چند قرن ادامه پیدا کرده. همه قبول داشتند که بایستی سلطه قدرتهای غربی را قبول کنند، حتّی فرهنگ آنها را قبول کنند، حتّی نامگذاری آنها را قبول کنند...

خب، حالا در این دنیای جدید ایران چه کاره است؟ ایران کجا قرار می‌گیرد؟ جایگاه کشور عزیز ما کجا است؟ این، آن چیزی است که باید شما روی آن فکر کنید؛ این، آن چیزی است که باید شما خودتان را برایش آماده کنید؛ این آن چیزی است که جوان ایرانی می‌تواند انجام بدهد. ما می‌توانیم در این نظم

جدید یک جایگاه برجسته‌ای داشته باشیم؛ می‌توانیم. چرا؟ برای خاطر اینکه کشور ما یک خصوصیات برجسته‌ای دارد که خیلی از کشورهای دیگر ندارند.

اولاً نیروی انسانی؛ ما نیروی انسانی بسیار خوبی داریم؛ یعنی هوش و استعداد جوان ایرانی از متوسط هوش و استعداد دنیا بالاتر است؛ این هست...

امتیاز دوم، نیروهای طبیعت، طبیعت کشور؛ ما در کشور منابعی داریم که تنوع منابع طبیعی در کشور ما جزو کم‌نظیرترین تنوع‌ها در دنیا است... بنابراین کشور ما، هم از لحاظ نیروی انسانی امتیاز دارد، هم از لحاظ نیروهای طبیعی امتیاز دارد، هم از لحاظ موقعیت جغرافیایی؛ ما چهارراه ارتباطات شرق و غرب و شمال و جنوبیم.

از همه این چند امتیاز مهم‌تر، **منطق حکومتی و تمدنی** ما است که همان جمهوری اسلامی است. ما جمع کردیم بین جمهوری و بین اسلامی؛ جمع کردیم بین حضور مردم و آراء مردم و معارف الهی؛ جمع بین این دو کار آسانی نیست، [ولی] ما این کار را به توفیق الهی انجام دادیم. البته نقصهایی داریم. من هیچ وقت ادعا نمی‌کنم در این زمینه‌ها نقص نداریم؛ نه، نقصهایی داریم اما حرف، منطق، یک منطق جدیدی است در دنیا. خب، این راجع به این مسائل...

عزیزان من! مطمئن باشید اگر من وظیفه خودم را انجام بدهم، شما وظیفه خودتان را انجام بدهید، دستگاه‌های مختلف وظایف خودشان را انجام بدهند، هر کدام هر جا هستیم، هر جا ایستاده‌ایم، وظیفه‌ی خودمان را بشناسیم و انجام بدهیم، تمام مشکلات کشور برطرف خواهد شد و کشور به آن آرزوی نهایی خودش خواهد رسید.

نکات امید آفرین



حجت الاسلام والمسلمین محسن عباسی ولدی

نکته اول: خطاب به کسانی که ترسیده‌اند

خطابم به کسانی است که ترسیده‌اند و قدری خودشان را باخته‌اند. مگر در اینکه ما حق هستیم و اسرائیل کودک‌کش باطل است، تردیدی هست؟! به نظر شما حتی یک کلمه هم نیازی هست که من با شما صحبت کنم تا یقینتان به باطل بودن اسرائیل غاصب بیشتر شود؟ بعید می‌دانم. اگر ما با خدا باشیم، باید یقین داشته باشیم که خدا با ماست. یک بار دیگر این جمله را مرور کنید: خدا با ماست! کدام خدا؟ همان خدایی که **﴿عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾** (بر هر چیزی تواناست)؛ همان خدایی که **﴿بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾** (به هر چیزی داناست)؛ همان خدایی که **﴿لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾** (همهٔ سربازان آسمان‌ها و زمین از آن اوست). خدا با ماست و از ما دفاع می‌کند، چون خودش فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾**. خدای موسی **﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾**، خدای ابراهیم **﴿عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾**، خدای محمد **﴿صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ﴾** با ماست. خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند. البته اینکه خدا با ماست، به این معنا نیست که ما نباید هزینه بدهیم. برای اینکه ثابت کنیم با خدا هستیم، باید هزینه بدهیم. هزینه دادن برای خدا، جان دادن در راه خداست. این جان دادن نشانهٔ صداقت است که جبههٔ حق همیشه برای اثبات با خدا بودنش همراه خودش داشته است. در این شک نکنید که طبق آیاتِ مُتَقَنِّ و روایاتِ مستند، پیروزی نهایی با جبههٔ حق است. خدا پشت جبههٔ حق را خالی نمی‌کند.

نکته دوم: خطاب به کسانی که احساس شکست می کنند

خطابم به کسانی است که احساس می کنند ما شکست خورده ایم و شروع کرده اند به چراچرا کردن: چرانتوانستیم پیش بینی کنیم؟! چرانتوانستیم رهگیری کنیم؟! چرا...؟! چرا...؟! چرا...؟! قبول کنید که الآن در این وضعیت، وقت انتشار این چراچراها نیست. قبول کنیم که ما در حال جنگ هستیم. جنگ بالا و پایین دارد. در یک جنگ، گاهی شما دست برتر را داری و گاهی دشمن. اگر توقع دارید در جنگ هیچ وقت پایین نیایید و همیشه بالا باشید، جنگ را نفهمیده اید. جنگ اگر جنگ اُحد هم باشد و فرمانده مستقیم جنگ، پیامبر خدا ﷺ باشد، سربازان هم اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ابوذر و مقداد و عمار باشند، باز هم ممکن است در یک مقطع پایین بیایند. بالا و پایین جنگ طبیعت جنگ است. برای قبول شکست یا اعلام پیروزی، باید تا آخر جنگ ایستاد. با این تعداد شهیدی که فلسطینی ها داده اند و این همه ویرانی ای که به بار آمده است، خود اسرائیل غاصب هنوز اعلام پیروزی نکرده است. چرا؟ چون جنگ هنوز تمام نشده.

نکته سوم: خطاب به کسانی که نگران خالی شدن جبهه اند

خطابم به کسانی است که با از دست دادن امثال شهید سلامی و شهید باقری و دانشمندان هسته ای، احساس می کنند دست ما از نیروها دارد خالی می شود و جبهه مان تهی. اولاً اتکای ما نه به آدم هاست و نه به تجهیزاتمان؛ اتکای ما به خداست. ما دهه شصت را فراموش نمی کنیم که در عرض چند ماه، استوانه های انقلاب را از دست داده ایم: شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید باهنر، فرماندهان ارشد نظامی مان و...؛ اما محکم تر از قبل ایستادیم و خدا ورق را به نفع ما برگرداند. ثانیاً شهید سلامی، شهید باقری، شهید رشید، شهید حاجی زاده و شهدای ما (علیهم السلام) از رویش های انقلاب اسلامی به حساب می آیند. انقلاب اسلامی به قدری رویش داشته که با این شهادت ها نمی لرزد و محکم تر از قبل به راهش ادامه می دهد. ثالثاً یقین داشته باشیم که اگر در مسیر سنت «نصرت الهی» قرار بگیریم، خدا فراتر از خیال



جهانیان ما را نصرت می‌کند. طبق خطبه قاصعه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اختلاف در میان امت، یکی از عواملی است که باعث می‌شود نصرت الهی از امت اسلامی دریغ شود. پس مراقب باشیم از هر حرف و حرکت اختلاف برانگیزی پرهیز کنیم.

نکته چهارم: خطاب به کسانی که به دنبال اثبات خودشان اند

خطابم به کسانی است که با استناد به این اتفاق، می‌خواهند ادعاهای گذشته خودشان را اثبات می‌کنند. برادرم، خواهرم، خواست به موقعیتی که در آن هستیم باشد. تو داری خودت را اثبات می‌کنی؛ اما به قیمتی که دارد پرداخت می‌شود توجه نمی‌کنی! قیمتش بی‌اعتماد شدن مردم به ارکان نظامی و امنیتی و سیاسی ماست. بیا و قبول کن که تو از خیلی چیزها خبر نداری. با این تحلیل‌های ناقص، از آب گل‌آلود به نفع خودت ماهی می‌گیری؛ ولی این آب را به ضرر مردم مسموم می‌کنی. باور کن امروز وقت این کارها نیست. من در سینه‌ام حرف‌هایی دارم که با خودم مبارزه می‌کنم تا نگویم. دلیل اصلی نگفتن این حرف‌ها، حفظ انسجام و پرهیز از اختلاف افکنی است. تو هم صبوری کن. وقت برای اثبات خودت هست. امروز این کشور نیازمند انسجام است. یادمان نرود که دو روز پیش رهبرمان فرمود انسجام ملی، امروز از همیشه لازم‌تر است. خیلی محترمانه از شما درخواست می‌کنم که به این انسجام لطمه نزنید. یکی از الطاف خفیه پشت این حمله، یک دلی و یک صدایی همه مردم است.

سنت‌های الهی و ایستادگی

سنت نصرت الهی بارها اتفاق افتاده است؛ ولی مشکل دشمن آن است که سرّ این امیدواری را نمی‌تواند بفهمد. نمی‌تواند تشخیص بدهد که چرا جمهوری اسلامی هر بار از زیر بار این همه فشار می‌تواند بلند شود، بایستد، سینه سپر کند و راه خودش را ادامه بدهد. این را نمی‌فهمند! نتوانستند بفهمند که در عالم بشر،

غیر از محاسبات و مناسبات سیاسی، محاسبات و مناسبات دیگری هم وجود دارد که آن‌ها قادر به فهم آن نیستند: سنت‌های الهی. ما در سالِ شصت در مقابل این همه حادثه و شدت عمل، توانستیم روی پای خودمان بایستیم و دشمن را ناامید کنیم. امروز هم می‌توانیم. خدای سالِ شصت همان خدای امسال است. خدای دوران‌های سختی و گوناگون یکی است. سنت‌های الهی هم سر جای خود. سعی کنیم خودمان را مصداق سنت‌های الهی در راه پیشرفت قرار بدهیم.

نکته پنجم: خطاب به همه مردم

خطابم به کسانی است که می‌گویند خب ما الآن چه کار کنیم. حواستان باشد که حتماً نیروهای نظامی و امنیتی و سیاسی ما مشغول انجام وظیفه‌شان هستند. ما مردم باید چه کار کنیم؟

۱. آرامش خودمان را حفظ کنیم و حواسمان باشد که تنها راه آرامش، یاد خداست؛

۲. این آرامش را به اطرافیانمان منتقل کنیم؛

۳. از گفت‌وگوهایی که به جای امید، یأس و بدبینی در دل خودمان و دیگران ایجاد می‌کند، پرهیز کنیم؛

۴. کسانی را که یأس و بدبینی ایجاد می‌کنند، نهی از منکر کنیم؛

۵. دعا کنیم. دعا را دست‌کم نگیریم و به توصیه رهبران عمل کنیم. سوره فتح، دعای چهاردهم صحیفه سجادیه و دعای توسل را بخوانیم؛

۶. حتماً به تدابیر حکیمانهٔ سکان‌دار نظام و کشورمان، رهبر عزیزمان حفظه الله، اعتماد کنیم. دقت کنید که ایشان در پیام حماسی‌شان به مناسبت این حمله و در احکامی که برای جانشینان این شهدا نوشتند، حتی کلمه «تسلیت» را هم استفاده نکردند. این یعنی «مردم، مقاوم باشید!» این یعنی روح حماسه در وجودتان ضعیف نشود! این یعنی ما با این شهادت‌ها متزلزل نمی‌شویم.

در پایان، دلم نمی‌آید احساس غبطهٔ خودم نسبت به شهدای دیشب را ابراز نکنم. خوش به حالشان! عمری در راه خدا سربازی کردند و شب جمعه‌ای در ماه ذی‌الحجه، به دست شقی‌ترین رژیم زمانه به شهادت رسیدند. شهادت گوارای وجودشان.

اشاره به سخنرانی رهبر معظم انقلاب حفظه الله

مقام معظم رهبری حفظه الله در هفتم تیر ۱۴۰۱ یک سخنرانی داشتند که دو بخش بود. بخش اولش مطالب خیلی مهمی دربارهٔ سنت‌های الهی دارد که همهٔ ما به شدت نیاز داریم.

شرایط سخت دههٔ شصت

اولاً در آن روزها جنگِ تحمیلی در سخت‌ترین و بدترین شرایط خودش بود: رژیم صدام نیروهای خودش را تا نزدیک شهرهای بزرگ ما در جنوب و غرب آورده بود، بعضی از شهرها را تصرف کرده بودند، نیروها تا نزدیک بعضی شهرها مثل اهواز و دزفول و شهرهای غربی آمده بودند. نیروهای دشمن سلطه داشتند. نیروهایمان ناآماده و امکاناتمان در نهایتِ ضعف، و امکانات دشمن بسیار فراوان. این مربوط به جنگ در داخل کشور بود. در خود تهران، جنگ داخلی بود. منافقین به خیابان‌ها ریخته بودند و با هر چه دستشان می‌آمد، به جان مردم و پاسداران کمیده و پاسداران سپاه افتاده بودند. از نظر سیاسی هم که یک هفته قبل از هفت تیر، رئیس‌جمهور وقت، عدم کفایتش در مجلس احراز و برکنار شده بود؛ یعنی کشور بدون رئیس‌جمهور بود. در چنین شرایطی، کشور یک استوانه مثل شهید بهشتی را از دست داد. حدود دو ماه بعدش، رئیس‌جمهور جدید و نخست‌وزیر را با هم در یک جلسه شهید کردند: شهید رجایی و شهید باهنر رحمتهما الله را. جوان‌های امروز شاید یادشان نباشد.

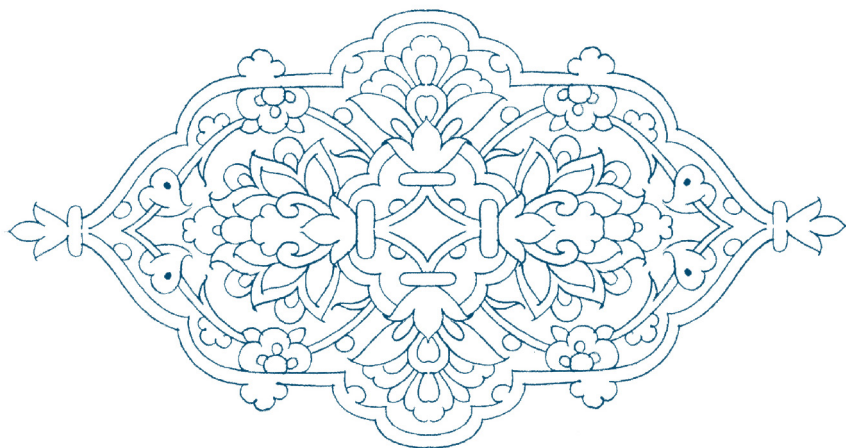
حدود دو ماه بعد، در فاصلهٔ کوتاه، چند نفر از فرماندهان ارشد جنگ، از ارتش و سپاه، در حادثهٔ هواپیما به شهادت رسیدند: شهید فلاحی، شهید فکوری، شهید کلاهدوز و... یعنی در کمتر از سه ماه، این همه حادثه تلخ و این همه ضربهٔ مخرب!



کدام کشور را سراغ دارید که بتواند در مقابل این همه حوادث بایستد و از پانیتد؟! امام علیه السلام مثل کوه دماوند سربلند ایستاد، مردم ایستادند، مسئولان دلسوز انقلابی ایستادند و اوضاع را ۱۸۰ درجه به نفع خودشان برگرداندند: جنگ را از باخت پی در پی به برد پی در پی تبدیل کردند، منافقین را از سطح خیابان ها جمع کردند، ارتش و سپاه را روزه روزه روز منظم تر و مرتب تر کردند و کشور را به روال عادی و جاری انداختند.

نتیجه گیری

نکته ای که در این ماجرا هست آن است که وقتی این حوادث اتفاق می افتاد، چه در شهادت شهید بهشتی، چه در حوادث بعدی، دشمنان ذوق می کردند، سر شوق می آمدند و امیدوار می شدند که دیگر بساط این نظام انقلابی جمع شده. ولی ناامید شدند. آن روز ناامید شدند. در این چهار دهه هم بارها این ناامیدی تکرار شده است. دشمن در یک مقطع به یک ضعف یا کمبود در نظام جمهوری اسلامی امید بست و بعد ناامید شد. امروز دیگر فرقی ندارد که اصلاح طلبید یا اصول گرا، طرف دار چپید یا راست. نگاهی به صحنه بیندازید. همه دارند یک صدا فریاد دفاع از تمامیت ارضی و انتقام سر می دهند. این هم گرایی یک سرمایه است. هر کسی به هر بهانه ای به این انسجام و هم گرایی لطمه بزند، شک نکنید که سرباز مفت و رایگان اسرائیل غاصب است.



چند نکته برای تأمل و تفکر



حجت الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان

چند نکته برای تأمل و تفکر در این لحظات بسیار حساس تاریخ اسلام و تاریخ بشر

امتحان الهی در همه حال

اگر در وضعیت راحتی باشیم، در امتحان خدا هستیم. اگر در وضعیت سختی باشیم، باز در امتحان خدا هستیم. اگر خطاها و کوتاهی‌هایی کرده باشیم که زندگی مان را سخت کرده، باز در امتحان خدا هستیم. اگر هم هیچ خطایی نکرده باشیم و دچار سختی باشیم، باز در امتحان الهی هستیم. وقتی گفته می‌شود خدا دارد آزمون و امتحان می‌گیرد، معنایش این نیست که به دیگر عوامل مؤثر توجه نکنیم. البته ویژگی امتحان هرامتی در هر برهه از تاریخ متفاوت است.

ویژگی‌های امتحانات آخرالزمانی

یکی از ویژگی‌های زمان ما این است که ان شاء الله در آخرالزمان هستیم. دلایل زیادی این را ثابت می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این است که امتحان‌های آخرالزمان کوتاه‌مدت هستند. هرچه به ظهور حضرت نزدیک‌تر می‌شود (که این نزدیکی ممکن است چند ماه، چند سال یا چند دهه باشد)، این امتحانات با صدر اسلام متفاوت‌تر می‌شوند. در صدر اسلام، پانصد سال غربت امیرالمؤمنین علیه السلام برطرف نمی‌شود و بر موقعیت‌های سخن به حضرت توهین می‌کنند. اما امام صادق علیه السلام

درباره آخرالزمان می‌فرمایند:

«لَا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبِيرُ الْمُتَافِقِينَ»؛ از فتنه‌های آخرالزمان ناراحت نباشید! زیرا این فتنه‌ها منافقان را زود رسوا می‌کند. «پس ما اگر در آخرالزمان هستیم، از خدا امتحانات و فتنه‌ها را تمنا کنیم؛ چون انسان در این امتحانات و درگیری‌ها و سختی‌ها قرار می‌گیرد، ولی پیروزمندانه و سربلند خارج می‌شود. جامعه مؤمنین هم سربلند خارج می‌شوند.»

فراگیری امتحانات آخرالزمان

دقت کنید! امتحانات آخرالزمان احدی را از دایره امتحان خارج نمی‌کنند. در آخرالزمان، گروه بی تفاوت وجود ندارد: یا با حقی یا با باطل. اما در آخرالزمان تک تک ما امتحان می‌شویم. این اجتماع باشکوه امروز شما، در رسانه‌های منطقه و غرب انعکاس عجیبی داشته است. ساده نگیرید! بگویید: یا امیرالمؤمنین! من به اندازه یک قدم، یک پرچم تکان دادن، یا فرزند بغل کردن و به میدان آمدن، به شیعینان کمک کردم. خدا به کم قانع است! به یک قدم در راه خودش، به یک فریاد برای دفاع از حق قانع است. دیده‌اید که تاکنون چطور نصرتش را پی در پی برای ما فرستاده است!

هشدار به همراهی با دشمن

همه مواظب باشند! کسی در دلش ذره‌ای با دشمن همراهی کند، خدا معاقبش می‌کند و این دیر نیست! اما اگر کسی طرفدار حق و مظلومان عالم و ایران اسلامی مظلوم مقتدر باشد، خدا برکت این حق طلبی را در قلبش قرار می‌دهد.

درست است که نیروهای مسلح ما اسلحه و دقت و درایتی دارند که جهان را متعجب کرده، ولی وقتی امیرالمؤمنین بی بدیل و بی نظیر، در نبرد می جنگید، رسول خدا ﷺ پشت سرش دعا و ذکر می گفت تا خدا کمکش کند. نمی گفت چون جنگ در راه خداست و امیرالمؤمنین علیه السلام عزیز خداست، حتماً یکدیگر را کمک می کنند و هوای هم را دارند و ما فقط تماشا کنیم. کسی تصور نکند که ما باید شاهد و نظاره گر باشیم. والله دعای شما تأثیرش از موشک ها و قدرتی که داریم و از قدرت دشمن بیشتر است. مساجدی که در این شب ها برنامه های خود را تغییر ندهند، محل غفلت هستند. دعا به این معنا نیست که امت اسلامی ضعیف است. در غزوۀ حنین، مؤمنین به تعداد زیادشان مغرور شدند و شکست خوردند. رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام هم بودند. خدا فرمود: چرا به من اتکا نکردید؟! چرا توسل را کنار گذاشتید؟! مؤمنین دست از غرور برداشتند، تضرع کردند و پیروز شدند!

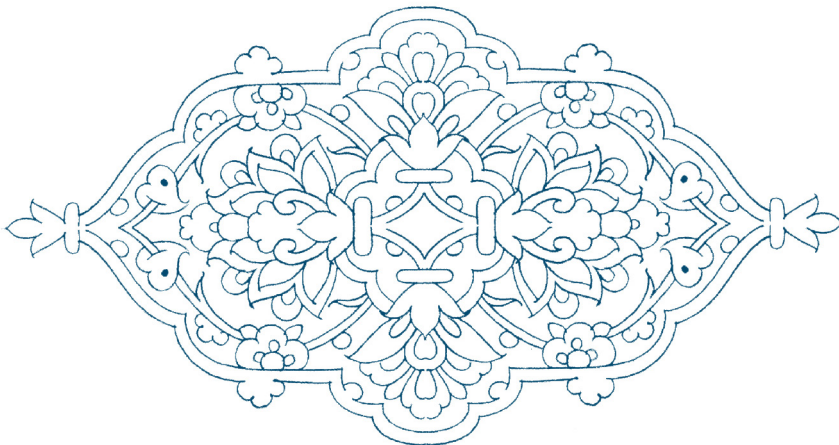
دعا برای ظهور

این دعاهایی که شما برای رزمندگان و پیروزی شان می کنید، فقط پشتیبان موشک ها نیست؛ با این دعاها راه ظهور حجت بن الحسن علیه السلام، ارواحنا له الفدا، را باز می کنیم. دست از دعا برندارید!

حماقت دشمن و اقتدار شهدا

دشمنان ما احمق تر از آنی هستند که نشان می دهند. خداوند در قرآن می فرماید: ﴿إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ﴾. بیست نفر از شما بر دویست نفر غلبه می کنند. چرا؟ چون شما اسلحه بیشتر دارید؟ چون شما ایمان دارید؟ چون من خدا شما را کمک می کنم؟ این ها همه درست است؛ ولی می فرماید شما بر

آن‌ها غلبه می‌کنید، حتی اگر ده برابر شما باشند، به دلیل اینکه آن‌ها نفهم و نادان و بی‌شعورند: ﴿بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾. همین صهیونیست‌ها اگر بدون ترور فرماندهان ما حمله می‌کردند، در افکار عمومی جهان جلوتر بودند؛ ولی حماقتشان دست ما را برای ریشه‌کن کردنشان باز گذاشت. شهادت شهدای بزرگ ما ذره‌ای بوی شکست نمی‌دهد و از اقتدارمان کم نمی‌کند. ما ایمان داریم که شهدا در عالم بالا قدرتمندتر ما را کمک می‌کنند. جدای از اینکه این‌ها لیاقت این راه را داشتند و قربانی راه پیروزی مسلمین شدند، یقین داریم قدرتمان افزوده می‌شود.



ملت شکست ناپذیر!



حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسین راجی

غصه آری؛ تأسف خیر!

در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام مالک اشتر شخصیتی فوق العاده برای ایشان بود. این فرماندهان عزیز «مالک» های انقلاب ما بودند. این ها کسانی بودند که بیش از چهل سال در خط مقدم جبهه ها حضور داشتند و آرزوی شهادت در دلشان بود. خوشا به سعادتشان که به این آرزو رسیدند. از خدا می خواهیم عاقبت ما را نیز پس از عمری جهاد، به شهادت در آغوش مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم کند.

ما از فقدان این عزیزان غصه می خوریم؛ اما تأسف نمی خوریم. آن ها به آرزوی خود رسیدند و ان شاء الله ما نیز به آن ها ملحق خواهیم شد. نبودشان قطعاً خسارت بزرگی برای جهان اسلام است؛ اما خداوند در قرآن می فرماید: ﴿مَا تَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسَخْهَا تَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾. یعنی اگر آیه ای را نسخ کنیم، بهترش یا ماندش را می آوریم.

سطح درگیری بالاست

اولین نکته این است که سطح درگیری به صورت وحشتناکی بالاست. این جنگ، به تعبیر رهبر معظم انقلاب علیه السلام، یک «جنگ وجودی» است. نتانياهو در سازمان ملل گفت: «ما برای بقای خودمان می جنگیم.» یعنی این جنگ برای بقای رژیم صهیونیستی و از این طرف، برای جمهوری اسلامی است. تصور اینکه فقط چند نفر از یک طرف یا طرف دیگر کشته شوند، اشتباه است. این جنگ برای موجودیتِ دو طرف است و به همین دلیل سطح درگیری بسیار بالاست.

وقتی خرمشهر سقوط کرد، کسی نمی دانست چگونه این خبر را به امام خمینی علیه السلام بگوید. وقتی یکی کنار گوش ایشان گفت «آقا، خرمشهر سقوط کرد»، امام علیه السلام در حالی که دست هایشان را برای تکبیرة الاحرام بالا برده بودند، فرمودند: «جنگ است دیگر! این هم طبیعت جنگ است!»

حالا هم که درگیری در بالاترین سطح خود قرار دارد، چنین اتفاقاتی طبیعی است و در آینده نیز رخ خواهد داد.

ضرورت تبیین مقاومت

این جنگ ضرورت تبیین مقاومت را نشان می دهد. ما باید ملت عزیزمان را برای مقاومت آماده کنیم. هرچه سطح درگیری بالاتر رود، مقاومت مردم باید بیشتر شود. ضروری است که مردم و عزیزانمان را برای این مقاومت آماده کنیم.

ما قوی هستیم

نکته اساسی تر این است که ما در زمینه نظامی و تجهیزات بسیار قوی هستیم؛ اما باید توجه کنیم که ما تازه پانزده، بیست یا سی سال است که این مسیر را آغاز کرده ایم. در مقابل ما کشورهایی مثل آمریکا قرار دارند که جنگ جهانی دوم را مدیریت می کردند و خودشان را ابرقدرت می دانند.



از طرف دیگر، رژیم غاصب صهیونیستی پیچیده‌ترین تجهیزات را از آمریکا دریافت کرده و خودش هم آن‌ها را مونتاژ می‌کند. ما با این سابقه کوتاه، در مقابل تمام ابرقدرت‌های دنیا ایستاده‌ایم و مهم‌ترین چالش آن‌ها شده‌ایم! چند سال پیش، مجری از نتانیا هو پرسید: «بزرگ‌ترین چالش دوران مسئولیتتان چه بوده؟» او گفت: «ایران! ایران! ایران!»

ضعف دشمن

آن‌ها در مقابل یمن و حماس نتوانستند پیروز شوند. آمریکا با آن قدرت عظیمش، در برابر جوانان پابره‌نه یمن نتوانست مقاومت کند. رژیم صهیونیستی هم نتوانست حماس را نابود کند. از طرف دیگر، اسرائیل چیزی برای از دست دادن ندارد. این جنگ برای بقای آن‌هاست؛ پس تا جایی که بتواند، انتحار می‌کند. مطمئن باشید در روزهای آینده جنایات مختلفی مرتکب خواهد شد. البته هوشیاری عزیزان ما این را خنثی می‌کند؛ اما یک دیوانه وقتی در باتلاق گرفتار شده، هر کاری ممکن است انجام دهد. رژیم صهیونیستی اکنون در چنین وضعیتی است.

ضربات ما

از طرف دیگر، ما هم ضربه زده‌ایم. ضربه اطلاعاتی بسیار قدرتمندی در هفته اخیر وارد کرده‌ایم. برخی می‌پرسند: «چطور آن‌ها فرماندهان ما را می‌کشند، اما ما نمی‌توانیم فرماندهان آن‌ها را بکشیم؟!» خب ما اطلاعات کمی از آن‌ها داشتیم. نقاط کور، نقاط پدافندی، مراکز موشکی و هسته‌ای آن‌ها برای ما مشخص نبود. با این ضربه اطلاعاتی، بخش عمده‌ای از این اطلاعات برای ما روشن شده است. به همین دلیل، اسرائیل فوری سعی کرد در این زمینه پیش‌دستی کند؛ اما ما ضربه زده‌ایم و همچنان ضربه می‌زنیم!

جنگ پارتیزانی

مدل آرایش جنگی ایران کاملاً خاص است. گزارشی از شخصی به نام امانوئل بلین، استاد دانشگاه جورج تاون، منتشر شده با عنوان «آیت‌الله خامنه‌ای و

ژئوپلیتیک قدرت‌های میانی». او اقدامات رهبر انقلاب علیه السلام را با اقدامات جانسی کالاهون، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در دهه ۱۹۳۰ که کارهای بزرگی انجام داد، مقایسه می‌کند. خلاصه گزارش این است که آن‌ها چگونه در برابر بریتانیا ایستادند. آن‌ها کشورهای دیگر مثل کوبا و برزیل را مجهز کردند تا بریتانیا به جای آمریکا با آن‌ها بجنگد. چون نمی‌توانستند در برابر نیروی دریایی قدرتمند بریتانیا مقاومت کنند، پارتیزانی عمل کردند.

این استاد می‌گوید ایران هم همین کار را کرده است. البته او از محور مقاومت به عنوان نیروهای نیابتی ایران یاد می‌کند، که البته این تعبیر دقیق نیست. او می‌گوید ایران توانسته موشک‌های بالستیک تولید کند و در دریا به صورت پارتیزانی می‌جنگد. این تفاوت‌ها را مطرح می‌کند و می‌گوید ایران پشت سرهم ضربه می‌زند.

نقش بر آب

نکته مهم‌تر این است که ایران پیچیده‌ترین نقشه رژیم صهیونیستی را نقش بر آب کرده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی نقشه‌هایی داشتند. نقشه آن‌ها «از نیل تا فرات» بود که با شکست مواجه شد. بعد از آن، طرح‌هایی مثل طرح ریچارد پل و پل ولفوویتز برای خاورمیانه جدید مطرح شد که قرار بود ایران تجزیه شود.

ژنرال وسلی کلارک، ژنرال چهارستاره ارتش آمریکا، می‌گوید: «بعد از یازده سپتامبر به ما دستور داده شد که در پنج سال به هفت کشور حمله کنیم: عراق، سوریه، لبنان، سودان، سومالی، لیبی و در آخر ایران». وقتی از او پرسیدند چرا موفق نشدند، گفت: «چون ایران نقشه ما را متوجه شده بود». ایران پیچیده‌ترین نقشه‌های رژیم صهیونیستی را خنثی کرده و ضربه سنگینی به آن‌ها زده است.

پس این طور نیست که فقط آن‌ها ضربه بزنند؛ ایران هم نقشه «خاورمیانه جدید» و هم نقشه «از نیل تا فرات» را نابود کرده است.

اسرائیل برای نابودی ایران و به آتش کشیدن منطقه برنامه‌ریزی کرده بود. بخشی از این نقشه‌ها را ایران خنثی کرد و بخشی دیگر به آشوب فعلی منطقه منجر شده است.

ما این تنش را شروع نکردیم. آن‌ها اسماعیل هنیه را در خاک ایران به شهادت رساندند. پیش از آن، فرماندهان نظامی ما را در سفارت و کنسولگری مان در سوریه، که خاک ما محسوب می‌شود، شهید کردند. دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کردند و به آن افتخار می‌کنند. آن‌ها شروع‌کننده بودند، نه ما. مطمئن باشید سیلی سختی خواهند خورد.

خدا را نمی‌شود کشت

ما چیزی داریم که دشمن ندارد: نصرت الهی. رهبر معظم انقلاب علیه السلام بیش از هشتاد بار آیه **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾** را استفاده فرموده‌اند. هر کس دین خدا را یاری کند، خدا او را یاری می‌کند.

خدا نوح علیه السلام را در کشتی، ابراهیم علیه السلام را در دل آتش، موسی علیه السلام را در بن بست، عیسی علیه السلام را از صلیب و پیامبر صلی الله علیه و آله را در غار با تار عنکبوت چگونه نجات داد؟! همان خدای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله خدای جمهوری اسلامی است. او می‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد و تاکنون بارها این را به ما نشان داده است.

چه کسی فکر می‌کرد در جنگ پیروز شویم؟! وقتی دستمان خالی بود و دنیا علیه ما بود، خدا این جبهه را یاری کرد. در دهه شصت وقتی عالی‌ترین مقاماتمان مثل بهشتی و مطهری و مفتاح و باهنر و رجایی و متفکرانمان یکی پس از دیگری به شهادت می‌رسیدند، خدا این دین را یاری کرد. اینجا هم خدا یاری خواهد کرد، به شرطی که تلاش کنیم و از آرمان‌هایمان دست نکشیم.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام سه ماه پیش در دیدار دانش‌آموزان فرمودند: «حمزه سیدالشهدا در جنگ احد به شهادت رسید؛ اما مهم‌ترین پیروزی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آن اتفاق افتاد، به شرطی که تلاش کنیم و آرمانمان را فراموش نکنیم.»

اول) مراقب جنگ روانی دشمن باشیم. دشمن می‌خواهد وانمود کند که حامی ایران است. نتانياهو می‌گوید: «ایران دنبال جنگ و سلاح است.» ما باید برای مردم اثبات کنیم که رژیم صهیونیستی به ایران و ایرانی هیچ اهمیتی نمی‌دهد. در طرح عودینون و خاورمیانه جدید، قرار بود ایران نابود شود. در همین ماجراها، مردم عادی و دانشمندان هسته‌ای ما که برای درمان سرطان کار می‌کردند، به شهادت رسیدند. این چه حامی مردم ایران است؟!

دوم) مراقب تفرقه باشیم. دشمن به شدت به دنبال ایجاد تفرقه بین مردم، بین چپ و راست، اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و حتی بین بچه‌های حزب‌اللهی است. باید از این جریان مراقبت کنیم.

سوم) ما باید فریاد بزنیم و انتقام را مطالبه کنیم. رهبر انقلاب حفظه الله فرمودند: «سوخت موشک‌های انتقام، مردم هستند.» مطالبه انتقام به این نیست که چند نفر بگویند انتقام می‌خواهیم! فریاد انتقام یعنی بخش بزرگی از مردم آن را بخواهند. این با تبیین اتفاق می‌افتد.

باید با مردم گفت‌وگو کنیم و نشان دهیم چرا رژیم صهیونیستی دشمن ایران و بشر است. اگر این‌ها برای مردم روشن شود، حتی اگر انتقام به مشکلات اقتصادی منجر شود، مردم همراهی خواهند کرد؛ همان‌طور که تاکنون همراهی کرده‌اند. باید خودمان و مردم را برای یک جنگ تمام‌عیار آماده کنیم تا اگر روزی رخ داد، ملت آماده باشد. این فریاد انتقام سوخت موشک‌هاست تا فرماندهانمان بتوانند کارشان را به بهترین شکل انجام دهند.

تحلیل وقایع اخیر در پرتو آیات قرآن و واقعه اُحد



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی

بعد از جنگ اُحد، شکستی بر مسلمانان وارد شد به طوری که فرمانده اصلی مسلمانان، حمزه سیدالشهدا علیه السلام، به شهادت رسید. بخشی از سوره آل عمران به بیان و تحلیل آن واقعه می پردازد، با این تابلوی بلند: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ یعنی حق ندارید سست شوید و حق ندارید محزون باشید. وقتی حمزه و هفتاد نفر از مؤمنان آن دوره که تعدادشان نیز کم بود، به شهادت می رسند، قرآن می فرماید: حق ندارید سست شوید! ﴿وَلَا تَهِنُوا﴾ نهی است؛ حق ندارید سست شوید. حق ندارید محزون باشید: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛ شما دست برتر را دارید اگر به خدا متکی باشید؛ زیرا خداوند علو ذاتی دارد و هر کس به هر میزانی که به خدا منسوب باشد، از آن علو و اعتلای الهی بهره مند است. اگر ما باور داریم که این کشور ما در تمام عالم به عنوان کشور امیرالمؤمنین علیه السلام معروف است، اگر ما خود را لایق نمی دانیم که شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام بدانیم، اما محب امیرالمؤمنین علیه السلام که هستیم! حتی اگر محب ایشان هم نباشیم، دشمنان ما ما را به عنوان محب امیرالمؤمنین علیه السلام می شناسند و به جرم محبت امیرالمؤمنین علیه السلام با ما مقابله می کنند. همین خود، یک بهره مندی از ارتباط با امیرالمؤمنین علیه السلام است. ما باور داریم که امیرالمؤمنین علیه السلام اسدالله الغالب و حیدر کرار است. شوخی با امیرالمؤمنین علیه السلام معنا ندارد، آن هم در ایام غدیریه؛ ایامی که به تعبیر قرآن، امروز دشمنان ناامید شدند: ﴿الْيَوْمَ بَيَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ﴾.

استمرار راه فرماندهان؛ تبدیل ستارگان به خورشیدها

این ظاهر اولیه را نبینید که چند تن از فرماندهان و دانشمندان ما را به شهادت رساندند! ما باید بدانیم که این خورشیدهایی که در مملکت ما فرماندهان ما بودند، اگر دشمنان ما از ما گرفتند، جانشینان و زیردستان این‌ها که تحت تعلیمات مقام معظم رهبری حفظه الله بوده‌اند و هر کدام یک فرمانده لایق محسوب می‌شوند، ستاره‌هایی هستند که خورشید خواهند شد.

از شهادت فرزندان رشید کشورمان، فرماندهانمان، ما سست نمی‌شویم. البته غصه دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی خطبه می‌خواند و می‌دید اطرافش یاران وفادارش به شهادت رسیده‌اند، غصه شهادت آن‌ها را داشت و می‌فرمود: «أَيْنَ عَمَّار؟!»

ما می‌دانیم که دل رهبرمان پر از خون است از اینکه وفادارانش را از او گرفتند: شهید نصرالله را، شهید سلیمانی را، شهید باقری را، شهید سلامی را و برخی دیگر را. اما می‌دانیم که امروز مانند زمان امیرالمؤمنین علیه السلام نیست که وقتی سرداران حضرت را از ایشان گرفتند، مالک اشتر را از ایشان گرفتند، وقتی می‌بیند مالک نیست، بفرماید: «کاش در میان شما یک نفر مثل مالک بود!» امروز آن‌گونه نیست. امروز الحمدلله فرزندان رشید و ایمانی ما، این ستاره‌ها، به لطف خدای سبحان، خورشید خواهند شد.

تمثیل قرآنی رویش و استحکام جبهه ایمان

می‌بینیم که هر یک از این‌ها چگونه درخشیدند و خواهند درخشید. قرآن صفات اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله را با این تعبیر بیان می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾؛ یعنی این‌ها روزها شیرند و شب‌ها شب‌زنده‌دار. شبشان به احیا و روزشان به قیام در راه خدا می‌گذرد. در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ﴾. این خصوصیات اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله در تورات است. اما ﴿وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ﴾؛ یعنی خصوصیت یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله در انجیل مثل یک دانه‌ای است که



کاشته می شود، رشد می کند و وقتی جوانه می زند، اطرافش هم جوانه های متعددی زده می شود که این جوانه در میان جوانه های مختلف قرار می گیرد. چقدر مثل الهی در قرآن در توصیف اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله، که امروز مصداق تام آن در کشور ما الحمد لله به برکت رهبری آقا خویشاوند ایجاد شده است، زیباست. جوانه اصلی، بار را بر دوش جوانه های فرعی قرار می دهد، وزارت را بر عهده آن ها می گذارد تا رشد کنند، مسئولیت پذیر باشند و این ها نیز با هم رشد الهی کنند. یک دانه نیست که دشمن فکر کند اگر یکی از این ها را بزند، کار تمام است؛ بلکه مجموعه ای از جوانه هاست. این تعبیر قرآن چقدر زیباست: «فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ». این وقتی روی پای خودش می ایستد، جوانه های دیگر هم در کنارش استغلاظ و غلظت و قوت پیدا می کنند و با هم رشد می کنند. وقتی با هم رشد کردند، «فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ». یعنی حالا روی پایش می ایستد، به طوری که هر جوانه ای از این جوانه ها زده شود، جوانه های دیگر جایگزین می شوند. شما گیاهانی را که در بیابان هایی که آفت ها و بادهای شدید وجود دارد، دیده اید که به صورت کپه ای درمی آیند که اگر یک شاخه از آن را بزنید، به جایش ده ها جوانه از آن شاخه درمی آید. هر کدام از این فرماندهان را، از این مؤمنان را که آن ها بزنند، ده ها جوانه از پای او می جوشد: «فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ». این روی پای خود می ایستد به طوری که دشمن ناامید می شود و می بیند که اگر یکی را بزند، دو تا را بزند، ده تا را بزند، هر چند تایش را که بزند، این پا جوش ها و جوانه های جدید آن چنان محکم ایستاده اند که این گیاه از پا نمی افتد: «فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ». در این حالت است که «يُعْجِبُ الزُّرَّاعُ»؛ مؤمنان خوشحال می شوند وقتی می بینند دست تعدی دشمن هر چقدر در اینجا فعال می شود، قدرت ایمانی مؤمنان آشکارتر می شود. تازه مؤمنان اینجا جان می گیرند، تازه این درخت تناورتر می شود. لذا می فرماید: «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ». غیظ کفار درمی آید؛ آن ها به خشم می آیند و می بینند پیش بینی هایشان در اینکه چند فرمانده ما را بزنند، کاملاً برعکس از آب درآمد. اگر این ها به شهادت رسیدند، ده ها فرمانده قوی از میدان جوشیدند که این ها تازه هم جوان تر هستند و هم قدرتمندتر.

مقام معظم رهبری عَفْوَةُ سال‌ها فرماندهان را خطاب قرار می‌دادند: «مراقب باشید اطرافتان هر کدام چند نفر مثل خودتان را پرورش دهید که هر زمان نبودید، جای شما چند نفر باشد.» فرماندهان هم بر این باور بودند و تبعیت می‌کردند. ما امروز حق نداریم ناامید شویم، حق نداریم سست شویم: ﴿وَلَا تَهِنُوا﴾، حق نداریم محزون باشیم: ﴿وَلَا تَحْزَنُوا﴾. باید امروز دندان‌ها را به هم بفشاریم؛ همچنان که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود وقتی وارد میدان جنگ می‌شوید، دندان‌هایتان را بر هم بفشارید، نگاه به عقبه دشمن کنید، آن فرماندهی اصلی را از دست ندهید. غیظ و کینه و احساس خشم، شما را وادار نکند که فقط با لایه‌های ظاهری دشمن درگیر و مشغول شوید؛ برنامه‌ریزی کنید و دشمن را با عقبه‌اش مورد حمله و هدف قرار دهید. شما را با ظواهر درگیر نکنند که فقط بخواهید دلتان خنک شود؛ بلکه باید طراحی اساسی در کار باشد، باید قدرت فرماندهی آن‌ها را ما حتماً زیر و رو کنیم. این برنامه دقیق می‌خواهد. تا به حال نیز بوده است. البته اجرای آن، بیش از این را می‌طلبد.

تجدید بیعت و اعلام آمادگی

ما باید به آقا اعلام کنیم که ای رهبر فرزانه، ای رهبر ایمانی، ای رهبر آزاده، آماده‌ایم، آماده! امروز شعار اصلی ما باید آمادگی برای دفاع باشد. نیاییم امر و نهی کنیم که چرا این کار نمی‌شود، چرا آن کار نمی‌شود. دشمن دنبال مأیوس‌سازی ماست، دنبال ایجاد توقعی است که آن توقع ما را به یأس برساند. جنگ یک کار نظامی سنگین و سختی است، برنامه‌ریزی دقیق می‌خواهد. این‌گونه نیست که در هر لحظه‌ای هر کاری بشود انجام داد. حتماً باید غافلگیرانه باشد، حتماً باید طوری باشد که دشمن رودست بخورد. جنگ است؛ شوخی ندارد؛ آن هم جنگ با رژیمی که آمریکا و تمام کشورهای غربی، با تمام قدرت اطلاعاتی خود، از آن پشتیبانی می‌کنند. اما ما خدا را داریم. ما به این باور داریم که ﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱ همه لشکر آسمان و زمین در خدمت خداست، جُند خداست و ما



چون خود را مطیع خدا می دانیم، خدای سبحان وعده داده که قطعاً این ها را در اختیار مؤمنان قرار خواهد داد. اما مراقب باشیم که ما دستور تعیین نمی کنیم؛ ما از رهبری پشتیبانی می کنیم. تمام وجود ما امروز باید اطاعت از رهبری باشد. تمام وجود ما باید امروز پشتیبانی از فرماندهانمان باشد. به آن ها دل گرمی بدهیم که هر طور تصمیم بگیرید، هر جور عمل کنید تحت فرماندهی آقا، ما پشتیبان شما هستیم. ما شما را به تعجیل در کار وادار نمی کنیم که شتاب زده و غیرواقعی شود. ما پشتیبانی خود را اعلام می کنیم که با بهترین برنامه، با بهترین دستورالعمل، تحت رهبری آقا، شما عمل کنید. امروز دیگر هیچ کسی در کشور جرئت ندارد که بگوید «نه». در این مسئله، همه متحد و متفق اند.

ضرورت اتحاد اجتماعی و عبرت از مؤمنان پیشین (رَبَّیُّون)

این آیه ۱۴۶ سوره آل عمران بسیار زیباست: ﴿وَكَايْنٍ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِثْيُونٌ كَثِيرٌ﴾. خدا می فرماید انبیای بزرگوار کسانی را داشتند که این ها دورشان حلقه زده بودند و در اطاعت پذیری شان از نبی، «رَبَّی» بودند؛ یعنی مطیع محض بودند، مجتمع بودند؛ فردی نبودند، ارتباطات داشتند. از این به بعد لازم است حلقه های اجتماعی مردم پیوسته تر باشد. لازم است گسست اجتماعی که گاهی در بین ما بود، تبدیل به پیوستگی بالاتر بشود. مردم در ارتباط با هم قوی تر باشند. اگر قرار باشد درگیری ها ادامه پیدا بکند، این اتحاد مردم، ارتباط مردم و کمک مردم به یکدیگر لازم است. هیچ کس فردی نباشد؛ بلکه دنبال این باشیم که اگر ضربه ای به کشور وارد می شود، این ضربه را هر کسی به خود ببیند، نه فقط به آن خانواده ای که ضربه وارد شده است. لذا همه ما خود را شریک ببینیم و به هر نحوی که می توانیم، نشان دهیم. تعبیری که در قرآن در دنباله ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾ آمده، خیلی زیباست: ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ﴾. خطاب به پیغمبر ﷺ و مردم مدینه می فرماید اگر شما (هفتاد) شهید در احد دادید، حواستان باشد که به آن ها نیز در بدر، که یک سال از آن گذشته، شما همین ضربه را عیناً زدید و هفتاد نفر از آن ها را به درک واصل کردید. قرآن می گوید نگاهتان را «فرایندی» کنید، «نه مقطعی»، که بگوییم چون در این لحظه چند فرمانده ما شهید شدند، ما در حقیقت از دست رفته ایم! نه! اسرائیل احساس می کند



از چند سال قبل تا کنون واقعاً در محاصره مقاومت قرار گرفته و رو به تزلزل رفته است! اولین نشانه اش همان اختلافات بسیار شدید داخلی خودشان است! دائم با هم نزاع دارند. کم ببینید! «یک» کشته می دادند، برایشان خیلی سنگین بود. آن ها در این جنگ، با سلاح هایی که ایران توسط شهید سلیمانی رحمه الله به محور مقاومت تزریق کرد، کشته ها دادند و بسیار تضعیف شدند! این را یک روند و یک فرایند از ابتدا تا امروزش ببینید. ده سال قبل رژیم صهیونیستی را ببینید که چقدر قدرتمندانه و مستکبرانه حرف می زد! امروزش را هم ببینید که از روی ذلت، حتی به ظاهر باید آمریکا با آن مخالفت کند، به ظاهر باید بعضی کشورها با آن مخالفت کنند؛ یعنی آن اتحاد و قدرت و قوت سابق را ندارند. گاهی این ها دست و پا زدن های فرد در حال احتضار است. اگر روند را ببینیم، به وعده های رهبران باور داشته باشیم، اگر نگاهمان الهی باشد، اگر آیات قرآن را سرلوحه کارمان قرار دهیم، هرچه از ما را به شهادت برسانند، ما آماده تر می شویم و خون ما بیشتر به جوش می آید. این ها «ثار الله» هستند.

سنت های الهی در نبرد حق و باطل: آزمون، شهادت، تمحیص

در زیارت عاشورا می گوئیم: «الَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ». خونی که در راه خدا ریخته شود، «ثار» خداست، خون خداست که می جوشد. از این رو منتقمش خداست و مؤمنان عاملان این انتقام اند. خودمان را در دست باد اوامر الهی قرار دهیم که هر طرف که این باد اوامر الهی وزید، ما همان طور حرکت کنیم. این امر امروز در وجود رهبر معظم انقلاب رحمته الله، نائب امام زمانمان، تجلی پیدا کرده است. بنابراین نگاهمان به رهبری رحمته الله باشد، گوشمان به دهان رهبری رحمته الله باشد. هر چقدر اسرائیل جنایتکار و آمریکای مستکبر و غرب ملعون به ما ضربه بزنند، خودشان هم ضربه می خورند: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ». قرآن می گوید تک تک نبینید که ناامید شوید؛ بلکه همه را با هم ببینید. دنبالش می فرماید: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ»؛ یعنی ما گاهی غلبه را با آن ها قرار می دهیم، گاهی با شما. اما غرضی از این کار داریم: «وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ تا اهل ایمان در اینجا آشکار شوند و مرز بین مؤمنان و کافران و منافقان آشکار شود. منافقانی که تا به

حال دم می‌زدند، ببینند آیا اینجا هم باز دنبال توجیه کار دشمنان مستکبر هستند یا نه. منافقین برملا می‌شوند. خون می‌خواهد تا سنت افشای منافقین تحقق یابد. از این رو خونی که ریخته می‌شود، آثاری دارد. برخی از آثارش این است که منافقین آشکار می‌شوند: ﴿وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾؛ تا اهل ایمان از منافقین جدا شوند. دنبالش می‌فرماید: ﴿وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾؛ از بین شما، خدا بعضی را به عنوان شهید انتخاب و اتخاذ می‌کند و پرچم شهادت را بالا می‌برد. چقدر تعبیر قرآن زیباست! پرچم شهادت را بالا می‌برد تا وقتی که ما می‌خواهیم حرکت کنیم، نگاهمان به پرچم باشد. این‌ها در حقیقت جلودار ما هستند. در جریان درگیری‌ها، خدا عده‌ای را «معیار و میزان» قرار می‌دهد. نگاه ما این است: شهید سلیمانی ما پرچم برافراشته! شهید رئیسی ما پرچم برافراشته! شهید نصرالله ما پرچم برافراشته! امروز شهید سلامی ما، شهید باقری ما پرچم برافراشته‌اند. اگر شهدای دیگری از این مقامات باشند، پرچم‌هایی برافراشته‌اند که این‌ها جلودارند. در فرهنگ قرآنی این‌گونه نیست که شهید از دست رفته باشد! از بین شما در این درگیری‌ها عده‌ای به شهادت می‌رسند و پرچم می‌شوند: ﴿وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾.

بعد می‌فرماید خدای سبحان صابران را دوست دارد. بعد می‌فرماید: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾؛ یعنی دنبال این، تازه دوران «تمحیص» است. چهار دوره را خدا معرفی می‌کند:

دوره اول در درگیری‌ها، دوره جدا شدن منافقان از مؤمنان است؛

دوره دوم، شهادتی که پرچم‌دار و جلودار می‌شوند؛

دوره سوم «تمحیص» است: ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ و تازه آغاز حرکت. تمحیص یعنی با جهاد و در مسیر حرکت، ناخالصی‌های هر کسی ریخته شود. چقدر ما مشغول دنیا بوده‌ایم؟ چقدر ما غافل از این بوده‌ایم که حرکتیمان به سوی خدا باید با جدا شدن از تعلقات باشد؟ چقدر جریان غزه، صدایی برای بیداری بود؟ چقدر جریان لبنان، صدایی برای بیداری بود؟ لحظاتی ما را تکان می‌دادند؛ اما دوباره به خواب رفتیم. شهدا صدای بیداری هستند. ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾.



سنت تمحیص یعنی خالص شدن، که دنبالۀ این جریان، خالص شدن است. خالص شدن هم خیلی سخت است و هم تدریجی است. در عربی، تمحیص یعنی تدریجی خالص شدن و ذره ذره ناخالصی ها را ریختن. لذا باید آماده باشید برای حرکت های سخت تر و جدی تر. خودمان را آماده کنیم. فقط گریه کردن کافی نیست، فقط ناراحتی در دل کافی نیست. اگر می خواهیم این حرکت به نهایت و به ثمر برسد، باید سنت تمحیص، یعنی خالص سازی اجتماعی، صورت بگیرد.

دوره چهارم، یعنی «وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»، دنبال «وَلِيَمْخَصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» است. اینجاست که هر چقدر مؤمنان به خلوص و آن خالص شدن برسند، دشمن زودتر نابود می شود. نابودی دشمن به دنبال خالص شدن مؤمنان است و خالص شدن مؤمنان در گرو درگیری ها و شهادت ها و از دست دادن ها!

جایگاه شهیدان؛ زندگان ناظر و بشارت دهنده

تعبیر قرآن این است که شهدا از دنیا نرفته اند؛ بلکه زنده هستند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱. آن ها خوشحال اند. ما آن ها را از دست دادیم؛ اما آن ها به دست آوردند. تعبیر

بسیار بلندی است: «يَسْتَبْشِرُونَ». می فرماید شهید زنده است. زنده بودن یعنی فعال بودن. همچنان که این ها وقتی حیات داشتند، در جامعه فعال بودند، در دنیا فعال بودند، بی تفاوت نبودند، به فکر دیگران بودند، وقتی هم به شهادت می رسید، «يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ»؛ یعنی بشارت می دهند به کسانی که پشت سرشان در حال حرکت هستند؛ یعنی اگر شما دنبال خط شهید را گرفتیم، دنبال حرکت آن ها گرفتیم، بی تفاوت عبور نکردیم، حواسمان پرت نشد، پرچم شهدا را بلند دیدیم و به دنبالش حرکت کردیم، آن ها هم بشارت می دهند، امداد می کنند، کمک می کنند و ما را هم به آن سمت غلبه و پیروزی هدایت می کنند.

مصارف صلح‌آمیز صنعت هسته‌ای



حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود نبویان

مقدمه

صنعت هسته‌ای یکی از صنایع پاک و پرسود برای ملت‌هاست. نقشی که صنعت هسته‌ای در تولید الکتریسیته، پزشکی، دام‌پزشکی، صنایع مختلف، شیرین کردن آب و رشد و توسعه ده‌ها صنعت دیگر دارد، تقریباً بی‌بدیل است. به همین جهت، کشورهای توسعه‌یافته از یک سو به دنبال دستیابی به این صنعت به صورت کامل هستند و از سوی دیگر درصدد انحصاری کردن این صنعت پرسود برای خود هستند و هر ملتی را که به دنبال دستیابی به آن باشد، تحت فشارهای گوناگون قرار می‌دهند.

ملت مستقل و بزرگ ایران توانست با عنایات الهی و اعتماد به دانشمندان و متخصصان خود، به این صنعت به‌ویژه به چرخه کامل سوخت دست یابد و در این مسیر به پیشرفت ایران کمک کند. در مقابل، کشورهای مستکبر نیز در دشمنی با ملت مستقل ایران، از هر گونه فشار علیه ملت ایران کوتاهی نکردند.

این نوشتار کوتاه به صورت اجمالی به مصارف صلح‌آمیز صنعت هسته‌ای پرداخته است و به نوعی پاسخ به سؤال عده‌ای است که می‌پرسند واقعاً صنعت هسته‌ای را برای چه می‌خواهیم! آیا این همه دعوا و جنگ و خون‌ریزی برایش ارزش دارد؟

مصارف صلح‌آمیز صنعت هسته‌ای، بسیار گسترده است که در اینجا صرفاً به برخی اشاره می‌شود:

با عنایت به محدود بودن منابع فسیلی در جهان، افزایش مصرف انرژی در جهان و وابستگی تقریباً همه چیز به برق، مشکلات زیست محیطی پدید آمده نسبت به استفاده از منابع فسیلی بسیار زیاد است. براساس گزارش مجمع جهانی تغییر آب و هوا، تقریباً ۶۹ درصد از کل انتشار گاز دی اکسید کربن و ۶۰ درصد از کل انتشارات گازهای گلخانه‌ای، ناشی از فرایندهای تولید و مصرف انرژی است. مجمع جهانی تغییر آب و هوا هشدار داده است که در صورت ادامه روند کنونی انتشار گاز دی اکسید کربن، متوسط دمای جهانی ۶ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت. نتایج چنین امری می‌تواند موجب باران‌های اسیدی و نیز تغییرات شدید و غیر قابل برگشتی را در تمام جنبه‌های زندگی و محیط زیست طبیعی ایجاد کند.

امروزه تولید برق از صنعت هسته‌ای یکی از پاک‌ترین و پرسودترین روش در کشورهای مختلف است. برای نمونه، برای راه‌اندازی نیروگاه هزارمگاواتی بوشهر در طول سال، معادل ۷ میلیون بشکه نفت باید مصرف شود که با قیمت ۸۰ دلار برای هر بشکه، ۵۶۰ میلیون دلار هزینه می‌شود؛ درحالی‌که هزینه سوخت هسته‌ای برای یک سال نیروگاه بوشهر، ۶۰ میلیون دلار است. بنابراین صنعت هسته‌ای یک سوخت ارزان و نیز پاک است.

ازاین‌رو کشورهای مختلف توسعه یافته دنیا به سمت تولید برق هسته‌ای حرکت کرده‌اند. برای نمونه، درحالی‌که ایران صرفاً یک رآکتور هزارمگاواتی در بوشهر دارد، و تقریباً ۱/۸ درصد برق ایران از طریق هسته‌ای تأمین می‌شود، اما:

- اوکراین ۱۵ رآکتور با ظرفیت ۱۳۱۰۷ مگاوات دارد؛
- آلمان ۱۷ رآکتور با ظرفیت ۱۲۰۷۴ مگاوات دارد؛
- کانادا ۱۹ رآکتور با ظرفیت ۱۳۵۰۰ مگاوات دارد؛
- هند ۲۲ رآکتور با ظرفیت ۶۷۹۵ مگاوات دارد؛
- انگلیس ۲۳ رآکتور با ظرفیت ۱۱۸۵۲ مگاوات دارد؛

• کره جنوبی ۲۵ راکتور با ظرفیت ۲۴۴۳۱ مگاوات دارد؛

• ژاپن ۳۳ راکتور با ظرفیت ۳۱۶۷۹ مگاوات دارد؛

• روسیه ۳۷ راکتور با ظرفیت ۲۷۷۲۷ مگاوات دارد؛

• فرانسه بیش از ۵۶ راکتور هسته‌ای با ظرفیت ۶۳۱۳۰ مگاوات دارد؛

• آمریکا بیش از ۹۲ راکتور هسته‌ای با ظرفیت ۹۹۲۴۴ مگاوات دارد.

کشور اوکراین با تولید ۴۶٫۲ درصد از کل برق خود در سال ۲۰۱۲ از انرژی هسته‌ای، در رده چهارمین کشور در زمینه تأمین برق ملی از انرژی هسته‌ای در جهان قرار دارد. بلژیک در سال ۲۰۱۲ معادل ۳۸٫۵ میلیون مگاوات ساعت، یعنی ۵۱ درصد از برق مورد نیاز خود را از انرژی هسته‌ای تأمین کرد.

اسلوواکی در سال ۲۰۱۲ معادل ۵۳٫۸ درصد از برق مورد نیاز خود را از انرژی هسته‌ای تأمین کرده است.

فرانسه به عنوان اولین کشور در استفاده از انرژی هسته‌ای در جهان، تقریباً ۸۰ درصد برق مورد نیاز خود را از طریق فرایند هسته‌ای در نیروگاه‌های خود تأمین می‌کند.

ب) کاربرد صنعت هسته‌ای در پزشکی

موارد زیر از مهم‌ترین کاربردهای انرژی هسته‌ای در علم پزشکی است:

✓ رادیوگرافی

✓ گامااسکن

✓ رادیوبیولوژی

✓ تهیه و تولید رادیوداروهای مختلف؛

✓ تشخیص بیماری‌های تیروئید و درمان آن‌ها؛

✓ تهیه و تولید کیت‌های رادیودارویی برای مراکز پزشکی هسته‌ای؛



✓ کنترل کیفی رادیوداروهای خوراکی و تزریقی برای تشخیص و درمان بیماری ها؛

✓ تهیه و تولید کیت های هورمونی؛

✓ تشخیص و پیگیری درمان سرطان پروستات؛

✓ بررسی و تشخیص مراکز عفونی در بدن؛

✓ تشخیص سرطان های کولون، پانکراس، روده کوچک و برخی سرطان های سینه؛

✓ شناخت محل تومورهای سرطانی و بررسی تومورهای مغزی، سینه و ناراحتی های ریوی؛

✓ تصویرگیری بیماری های قلبی، تشخیص عفونت ها و التهاب مفصلی، آمبولی و لخته های وریدی؛

✓ تشخیص کم خونی ها یا سندرم اختلال در جذب ویتامین ب ۱۲؛

✓ تولید دزیمترهای جیبی و محیطی؛

✓ استریلیزاسیون لوازم پزشکی یک بار مصرف.

ج) کاربرد صنعت هسته ای در کشاورزی

• بهبود خصوصیات ژنتیکی گیاهان

یکی از موفق ترین کاربردها، تغییرات ژنتیکی موروثی گیاهان است که به «موتاسیون» یا «جهش های ژنتیکی» موسوم است. در هندوستان از میان چنین جهش هایی نمونه هایی انتخاب و برای اولین بار در مرکز تحقیقات اتم هندوستان ارزیابی شدند. پس از تقریباً یک دهه، شانزده گونه شامل پنج نوع بادام زمینی، دو نوع لوبیا چشم بلبلی، یک نوع برنج و لوبیاچیتی به عنوان یک نوع کشت تجاری اعلام شد.

در ایران نیز تلاش های زیادی در زمینه تحقیقات کاربردی کشاورزی هسته ای صورت گرفته است. تاکنون تحقیقات وسیعی روی گندم، برنج، پنبه، جو، سویا،



نارنگی و زعفران با به‌کارگیری روش‌های موتاسیون و بیوتکنولوژی برای ایجاد و تغییرات ژنتیکی لازم و مطلوب صورت گرفته یا در دست انجام است.

• کاهش خسارات بعد از برداشت در محصولات کشاورزی، در طی مدت نگهداری و جلوگیری از صدمات ناشی از حشرات و آلودگی میکروبیولوژی

کاربرد دیگر انرژی هسته‌ای، طولانی کردن عمر نگهداری مواد غذایی فسادپذیر و جلوگیری از آلوده شدن آن‌ها در اثر حشرات و آلودگی میکروبیولوژی است. تابش دهی با پرتوفاوری فرایندی است که به‌طور گسترده، به عنوان یک تکنولوژی بدیع و بی‌بدیل می‌توان مورد استفاده قرار گیرد. اهمیت اقتصادی استفاده از تابش پرتوهای یونیزه‌کننده با توجه به این نکته روشن می‌شود که در بسیاری از کشورها، ۲۰ درصد مواد غذایی به علت نگهداری نامناسب و کمبود امکانات نگهداری از بین می‌رود. تابش همچنین قادر است حشرات، انگل‌ها و عوامل بیماری‌زا را نابود کند و مدت نگهداری مواد غذایی مانند مرغ و ماهی و میوه‌های تازه را افزایش دهد درعین حال که خواص غذایی آن‌ها نیز بدون تغییر باقی بماند. نگهداری مواد غذایی به وسیله پرتو سبب می‌شود که از ضد عفونی‌کننده‌ها استفاده نشود؛ زیرا این مواد نه تنها سمی هستند، بلکه در درازمدت سبب سرطان‌زایی نیز می‌شوند.

• بهبود کودها با نیتروژن جهت مطالعه بازدهی و اثرات بیولوژیکی؛

• مونیتور کردن یا دیده‌بانی سرنوشت آفت‌کش‌ها در خاک، آب زیرزمینی و محیط زیست؛

• استفاده از رادیوایزوتوپ‌ها و ایزوتوپ‌های پایدار در بررسی روابط آب و خاک و گیاه به منظور افزایش بهره‌وری نهاده‌ها در کشاورزی.

د) کاربرد انرژی هسته‌ای در صنعت دام‌پزشکی و دام‌پروری

مهم‌ترین نقش تکنیک‌های هسته‌ای در حوزه دام‌پزشکی و دام‌پروری به قرار زیر است:

✓ تشخیص، کنترل، پیشگیری و درمان بیماری‌های مهم باکتریایی، ویروسی،

انگلی و قارچی دام و طیور و خوراک مورد استفاده؛



✓ استفاده از رادیوایزوتوپ‌ها و نیز پرتودهی برای بهبود و اصلاح نژاد دام و طیور؛

✓ تعیین ارزش غذایی و بررسی کیفی خوراک مصرف دام و طیور با بهره‌گیری از رادیوایزوتوپ‌ها.

کشورهای پیشرفته با استفاده از تکنیک‌های هسته‌ای، به دستاوردهای زیادی در صنعت دام دست یافته‌اند. کشور ایران نیز در حال انجام فعالیت‌های زیر با استفاده از تکنیک‌های هسته‌ای است:

• بررسی کاهش آلودگی‌های میکروبی میگو با استفاده از پرتو گاما و اندازه‌گیری باقی‌مانده کلرامفنیکل در آن محصول با استفاده از روش واکنش‌های اتمی به واسطه آنزیم یا الایزا؛

• بررسی تأثیر اشعه گاما کبالت-۶۰ بر روی افزایش باروری اسپرم خروس؛

• طراحی کیت تشخیصی بیماری بروسلوز با استفاده از تکنیک رادیوایمنواسی؛

• کاهش آلودگی سالمونلایی خوراک طیور توسط پرتو گاما؛

• بررسی انتقال و جذب گالیم-۶۷ در بافت‌های توموری؛

• بررسی اثر اشعه گاما در افزایش تولید جوجه‌های گوشتی و تهیه واکسن سالمونلا؛

• تحقیقات جهت طراحی کیت الایزا برای تشخیص بیماری تب برفکی.

ه) کاربرد تکنیک هسته‌ای در مدیریت منابع آب

آب یکی از اساسی‌ترین نیاز بشر است. متأسفانه بخش زیادی از انسان‌ها دسترسی درست به آب سالم و کافی در زندگی خود ندارند. کشف منابع جدید آب و دستیابی به آب سالم از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر امروز است. بحران کمبود آب در جهان در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات بسیار مهم بین‌المللی تبدیل شده است. ۸۰ درصد جمعیت جهان به حدود ۲۰ درصد ذخیره آب آشامیدنی سالم دسترسی دارند. ایران نیز یکی از کشورهایی است که در منطقه گرم و خشک واقع شده و مشکل آب برای آن به صورت جدی مطرح است.



برخورداری از تکنیک هسته‌ای کمک زیادی در حل مشکل آب خواهد کرد. برخی از مهم‌ترین منافع کاربرد تکنیک‌های هسته‌ای در مدیریت منابع آب عبارت‌اند از:

- شناسایی حوزه‌های آب خیز زیرزمینی با استفاده از آب‌های تریتم دار؛
- هدایت آب‌های سطحی و زیرزمینی؛
- کشف و کنترل آلودگی آب‌ها؛
- کشف و کنترل نشت و ایمنی سدها؛
- شیرین کردن آب شور و آب دریا؛
- با کشف رادیو ایزوتوپ‌های طبیعی و تولید رادیو ایزوتوپ‌های صنعتی، تحقیق و توسعه و ارتقای بهره‌وری در کشاورزی میسر شده است. برای نمونه، کلر-۳۶ برای اندازه‌گیری منابع کلر عمر آب‌ها تا دومیلیون سال، کربن-۱۴ برای اندازه‌گیری عمر آب، چوب و نمونه‌های بیولوژیکی تا ۵۰ میلیون سال، تریتم (هیدروژن-۳) برای اندازه‌گیری آب زیرزمینی جوان تا ۳۰ سال، سرب-۲۱۰ جهت استفاده در اندازه‌گیری لایه‌های ماسه و خاک تا ۸۰ سال، سزیم-۱۳۷ جهت استفاده به عنوان ردیاب رادیواکتیو در شناسایی کاهش و افزایش خاک و همچنین در تعیین چگالی و بررسی تغییرات ارتفاع بالا و... به کار می‌روند.

و) کاربرد انرژی هسته‌ای در بخش صنایع

برخی از کاربردهای مهم انرژی هسته‌ای در صنایع عبارت‌اند از:

- ✓ کنترل فرایندهای صنعتی؛
- ✓ مطالعه فلزات در صنایع: رادیونوکلوئیدها ممکن است برای مطالعات دیفیوژن و تشکیل آلیاژها در صنعت فلزات مورد استفاده قرار گیرند. کاربرد رادیونوکلوئیدها در مطالعه خوردگی و ساییدگی فلزات هم سبب دقت نتایج می‌شود، برای نمونه، تحقیق در ساییدگی حلقه‌های پیستون موتورهای



پس از اکتیو کردن حلقه‌ها، محل‌هایی که بیشترین ساییدگی را دارند در مرحله برگشت پیستون از بالا شناسایی می‌شوند.

✓ نشت‌یابی در خطوط انتقال نفت با استفاده از ردیابی برم-۸۲ به عنوان ماده پرتوزا؛

✓ ساخت و تولید انواع چشمه‌های نورانی (بتالایت) در اشکال و ابعاد مختلف؛

✓ طراحی و ساخت سیستم‌های سطح‌سنجی پیوسته، ضخامت‌سنجی و چگالی‌سنجی؛

✓ بررسی کوره‌های ذوب شیشه با استفاده از تکنیک کاربرد ردیاب پرتوزا، لانتانیم-۱۴۰؛

✓ تهیه و تولید چشمه‌های پرتوزایی کبالت برای مصارف صنعتی؛

✓ تولید چشمه‌های ایریدیوم برای کاربردهای صنعتی و بررسی جوشکاری در لوله‌های نفت و گاز.

ز) صنعت هسته‌ای، صنعت مادر

صنایع مادر به صنایعی گفته می‌شود که حجم زیادی از فناوری‌های صنایع دیگر را در بر می‌گیرد و بدین جهت، ارتباط بسیار گسترده‌ای با سایر بخش‌های صنعت دارد. پیشرفت صنعت مادر موجب پیشرفت آن صنایع خواهد شد. صنایعی نظیر تولید فلزات، مواد، شیمی و پتروشیمی و الکترونیک از صنایع مادر به حساب می‌آیند.

صنعت هسته‌ای نیز از آن جهت که مرتبط با بسیاری از صنایع دیگر است صنعت مادر تلقی می‌شود. به چند نمونه از این ارتباط اشاره می‌شود:

فیزیک هسته‌ای: مسئله اتم و هسته، ربط وثیقی با فیزیک ذرات بنیادی دارد. این علم به مطالعه ذرات اصلی و تشکیل‌دهنده مواد و نیروهای بین آن‌ها می‌پردازد. مطالعه علم شیمی تنها با شیوه و چگونگی فعل و انفعالات الکترون‌ها با یکدیگر و تشکیل مواد حاصل از آن سروکار دارد. کوچک‌ترین مقیاسی که علم شیمی به آن توجه



دارد، در حد اتم است، در صورتی که فیزیک ذرات بنیادی اساساً با هر ذره بنیادی تراز اتم که مواد پایدار را تشکیل می دهند و می توانیم آن ها را ببینیم و همچنین موادی که در انرژی های بالا یا در پیدایش جهان اولیه وجود داشته اند، سروکار دارد.

شتاب دهنده ها: یکی از نکات بسیار مهم در صنعت هسته ای، نیاز به دستگاه های بسیار دقیق در آن است. این امر موجب شد که در تولید این دستگاه ها، صنایع مختلف به پیشرفت بالایی دست یابند. یکی از آن دستگاه های بسیار مهم، شتاب دهنده ها است. این دستگاه برای شتاب دادن ذرات جهت تحقیق در بخش های مختلف علم مواد و حالت جامد (ترکیبات، خواص ساختاری، آنالیز و مطالعه عناصر کم مقدار و...) استفاده می شود. امروزه این روش ها در صنعت کاربردهای فراوانی دارد.

راکتور هسته ای و پیشرفت های علمی: یک راکتور هسته ای، جدا از موارد آزمایشگاهی و بخش های جانبی آن، از یک ساختمان ویژه ای تشکیل شده است که خصوصیت آن نه فقط به دلیل جا دادن وسایل خاص راکتور، بلکه به لحاظ استحکام، ویژگی مصالح ساختمانی، ایزوله یا منزوی بودن از محیط زیست، مقاومت در مقابل زلزله، خوردگی و دسترسی به سرویس های مخصوص، کاملاً استثنایی است. همین موارد به سهم خود مطالعات امکان سنجی، مهندسی، محاسبات چند بعدی ساختمانی و اجرای سازه ها را در زمان توسعه تکنولوژی هسته ای دچار تحول شگرفی کرد.^۱

چرخه کامل سوخت هسته ای و علوم مربوط: در چرخه کامل سوخت هسته ای مراحل گوناگونی وجود دارد که هر یک با علوم مختلف مربوط است و سبب پیشرفت آن ها شده است. اکتشاف و استخراج اورانیوم، تغلیظ اورانیوم، تبدیل آن به گاز هگزافلوراید اورانیوم، غنی سازی، تکنولوژی بسیار بالای به کار رفته در ماشین سانتریفیوژها، آماده سازی مواد غنی شده به صورت قرص و قرار دادن آن ها در میله های سوخت، تولید میله های سوخت که توانایی تحمل حرارت بالا و قرار گرفتن در قلب راکتور را داشته باشد، تولید صفحه های سوخت، تولید راکتورهای

قدرت و تحقیقاتی با عنایت به اجزای بسیار پیشرفته آن‌ها در ابعاد گوناگون، در نظر گرفتن نکات ایمنی کار با رآکتور با توجه به رادیواکتیو بودن مواد به کاررفته در آن و آثار آن بر انسان‌ها و محیط زیست، تولید برق و نیز انواع ایزوتوپ‌ها که در صنایع مختلف پزشکی و غیرپزشکی به کار می‌روند، پسمان‌داری و کیفیت نگهداری بدون آسیب آن‌ها، فرآوری سوخت مصرف شده و... از اموری هستند که با ده‌ها دانش دیگر مرتبط است و سبب ارتقای و پیشرفت آن‌ها شده است.

پژوهشکده‌های مرتبط: به سبب ارتباط وسیع تکنولوژی هسته‌ای با سایر تکنولوژی‌ها، پژوهشکده‌های مختلف مرتبط به همراه آزمایشگاه‌های گسترده نیز تأسیس شده و نخبگان و متخصصان مربوط به علوم مختلف مشغول پژوهش‌های بنیادی و دقیق هستند. برای نمونه، سازمان انرژی اتمی ایران، پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای را با هدف اجرای طرح‌های بنیادی و اساسی و انجام پروژه‌های هدف‌دار با نگاه دقیق به نیازهای فنی و تخصصی کشور در حوزه علوم و فنون هسته‌ای تأسیس کرده است که شامل پژوهشکده‌های زیر است:

✓ پژوهشکده فیزیک پلاسما و گداخت هسته‌ای؛

✓ پژوهشکده لیزر و اپتیک؛

✓ پژوهشکده تحقیقات و توسعه راکتورها و شتاب دهنده‌ها؛

✓ پژوهشکده تحقیقاتی کشاورزی، پزشکی و صنعتی؛

✓ پژوهشکده کاربرد پرتوها؛

✓ پژوهشکده چرخه سوخت هسته‌ای؛

✓ پژوهشکده علوم هسته‌ای.

با عنایت به فواید گسترده صنعت هسته‌ای در زندگی مردم و نیز با توجه به اینکه صنعت هسته‌ای موجب پیشرفت در علوم و صنایع مختلف دیگر می‌شود، چشم‌پوشی از آن، خیانت به منافع ملت ایران است.

سرخط جامع عملیات روانی

برای بهره‌برداری مبلغان و استادان و جهادگران
فعالیت‌های تبیینی

مرکز آموزش‌های کاربردی و مهارتی حوزه‌های علمیه

مقدمه

در دنیای امروز، نبرد بر سر افکار عمومی و قلب‌ها و ذهن‌ها، اهمیتش کمتر از نبردهای نظامی نیست. عملیات روانی، ابزاری قدرتمند در دست دشمنان است که با هدف تضعیف روحیه ملی، ایجاد تفرقه و از بین بردن اعتماد عمومی به کار گرفته می‌شود. در این میان، «جهاد تبیین» و «بصیرت‌افزایی» نه تنها یک وظیفه شرعی بلکه یک ضرورت ملی برای حفظ انسجام و اقتدار کشور محسوب می‌شود. این نوشتار، سرخطی جامع برای مبلغان و استادان و جهادگران تبیین و تمام دل‌سوزان ایران اسلامی است تا با قلم و قدم خویش، در مسیر تقویت اعتماد عمومی و حفظ یکپارچگی ملی گام بردارند.

۱. استحکام پایه‌های اعتماد عمومی؛ سدی در برابر تیرهای مسموم بدخواهان

یکی از حیاتی‌ترین مؤلفه‌ها در حفظ انسجام ملی، «اعتماد عمومی» به نهادهای حکومتی و حاکمیت است. دشمن به خوبی به این نقطه قوت واقف است و با سیاه‌نمایی و وارونه‌نمایی واقعیت‌ها، به دنبال خدشه‌دار کردن این اعتماد است. تبیین دقیق و عمیق وضعیت، تأکید بر مسئولیت تک‌تک آحاد جامعه و پرهیز از افتادن در

دام تفرقه‌افکنی‌های داخلی و خارجی می‌تواند تا حد زیادی چالش‌های رسانه‌ای را کم‌رنگ‌تر کند. سربازان گمنام این مرزوبوم، با رهبری فقیهی عادل، سال‌هاست که رنج جنگ در عرصه‌های گوناگون نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را به جان خریده‌اند و جان داده‌اند؛ اما یک وجب از خاک میهن را به دشمنان دیرینه ایران نبخشیده‌اند. از این رو حمایت همه‌جانبه از اقدامات دفاعی کشور، به هر شکل و با هر ابزاری که متخصصان امر صلاح می‌دانند، یک وظیفه ملی است. باید با قلم و افکارمان، با افزایش اعتقاد و ایمان و خداباوری مردم، جامعه را واکسینه کنیم و از جان‌ودل از کشور و میهن اسلامی مان دفاع کنیم.

۲. جنگ ترکیبی دشمن؛ از فشار اقتصادی تا جنگ روانی

دشمن ما با طرحی چندلایه و پیچیده به جنگ ملت ایران آمده است. درک این لایه‌ها نخستین گام در مقابله مؤثر با توطئه‌های آنان است:

لایه اول: فشار حداکثری اقتصادی برای تولید نارضایتی عمومی: این لایه با هدف ایجاد مشکلات معیشتی و دل‌سردی در جامعه آغاز می‌شود؛

لایه دوم: افزایش نارضایتی تا نقطه جوش مردمی: در این مرحله تلاش می‌شود نارضایتی‌ها به سمت اعتراضات و شورش‌های داخلی سوق داده شود؛

لایه سوم: فقیرسازی دولت از طریق تحریم‌ها: هدف از این اقدام، تضعیف توان مالی و عملیاتی دولت است؛

لایه چهارم: شروع جنگ سخت برای هم‌زمان کردن شورش‌های داخلی و عملیات‌های خارجی: در این لایه، دشمن به دنبال ایجاد ناامنی‌های داخلی و خارجی به صورت هم‌زمان است؛

لایه پنجم: تخریب زیرساخت‌های حیاتی به منظور ایجاد فشار حداکثری روانی بر مردم: این اقدام با هدف ایجاد ترس و وحشت عمومی و مختل کردن زندگی عادی مردم صورت می‌گیرد؛



لایه ششم: تولید ترس از طریق بزرگ‌نمایی حمله دشمن و کوچک‌نمایی پاسخ کشور: در این مرحله، دشمن تلاش می‌کند تا با جنگ روانی، روحیه مقاومت را در جامعه تضعیف کند و توانمندی‌های کشور را ناچیز جلوه دهد.

۳. «وعدۀ صادق»؛ اوج اقتدار و پاسخ قاطع ایران

در واکنش به اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی، نیروهای مسلح ایران با انجام عملیاتی دقیق و حساب‌شده، اهداف راهبردی این رژیم را هدف قرار دادند. این اقدام در پاسخ به حملات قبلی دشمن به تأسیسات و مراکز حیاتی ایران صورت گرفت و نشانه‌ای از اقتدار و توانمندی بالای جمهوری اسلامی ایران در دفاع از منافع و امنیت ملی است. در مواجهه با شبهات و سؤالات مربوط به قدرت نقطه‌زنی موشک‌های ایرانی، باید با افتخار و با استناد به واقعیات پاسخ داد:

✓ اگر پالایشگاه ما را هدف گرفتند، ما پالایشگاه حیفا را زدیم؛

✓ اگر مرکز علمی ما را زدند، ما وایمن، مغز علمی اسرائیل، را زدیم؛

✓ اگر صالیان را زدند، رافائل را زدیم؛

✓ اگر لوله آب ما را زدند، لوله آب آن‌ها را زدیم؛

✓ اگر برق ما را هدف گرفتند، ما برقشان را قطع کردیم.

اما پاسخ کودک‌کشی را با حذف این فرقه ستمکار خواهیم داد.

نکته حائز اهمیت آن است که جنگی که با ریزپرنده‌ها دنبال می‌شود، بیش از هر چیز یک جنگ روانی است و باید با تدبیر و هوشمندی با آن مقابله کرد.

۴. راهبردهای عملیات روانی و جهاد تبیین؛ گامی به سوی پیروزی

برای مقابله مؤثر با عملیات روانی دشمن و تقویت جبهه خودی، باید به نکات زیر توجه ویژه داشت:

• تقویت خودآگاهی و مدیریت هوش شناختی و هیجانی جامعه: هدف رسانه‌ای ما باید تقویت امید، تعمیق باور، اندیشه و احساس مردم در راستای اعتماد به دستگاه‌های رسمی کشور باشد؛

• مقابله با احساس شکست و عملیات شناختی-ادراکی رژیم صهیونیستی: باید این باور غلط را که «صهیونیست‌ها فرماندهان کلیدی ایران رازده‌اند» در هم شکست. واقعیت این است که اکثر فرماندهان شجاع و مدیر ما در صحت و سلامت کامل هستند و شخصیت‌های تراز اول جایگزین فرماندهان شهید شده‌اند؛

• ترغیب مخاطبان به بهره‌برداری از اخبار و اطلاعات متقن و موثق: انتشار اخبار صحیح و معرفی منابع معتبر، در جهت مقابله با گفتمان ضعف نظام، غلبه بر جو شکست و مواجهه با شیوع حس بدبختی و استیصال و ناامیدی در جامعه ضروری است؛

• تقویت روحیه انسجام ملی و مذهبی با تأکیدات تاریخی: حوزویان و دانشگاهیان باید بر آیات، روایات، معارف و آموزه‌های علمی و معرفتی که جبهه حق را از لحاظ روحیه و قدرت ایمان قوی‌تر از جبهه باطل معرفی می‌کند، تأکید کنند. مقایسه شرایط جنگی کشور با جنگ احد در عملیات روایی و شناختی و تقویت یکپارچگی ایمانی جبهه خودی در برابر عملیات روانی گسترده دشمن، راهگشا خواهد بود؛

• پرهیز از هرگونه تخریب جبهه خودی و شناختن جهت اصلی مبارزه و جبهه استکبار: بیان اقتضائات تقابل حق و باطل و تبیین فرمایش‌های مقام معظم رهبری علیه السلام در خصوص مقایسه وضعیت کنونی با دهه شصت و ترور شخصیت‌ها و فرماندهان، و تطبیق شش مسئله راهبردی دهه شصت با شرایط فعلی کشور، بسیار مهم است؛

• انتشار نشریات و جزوات ترویجی، و تولید محتوای پاسخ به شبهات رایج: باید در گروه‌ها و کانال‌های اطلاع‌رسانی، به شبهات عمومی پاسخ داد و محتوای ترویجی منتشر کرد؛

• پرهیز از تخریب مسئولان و فرماندهان: خنثی سازی نقشه تفرقه افکنانه دشمن و ممانعت از القای دوگانگی میان نظام و دولت، از اهمیت بالایی برخوردار است؛

• تبیین راهکارهای مقابله با شگردهای رایج عملیات روانی دشمن: تبیین خطاهای عملیات روانی جبهه خودی در مواجهه با دشمن و تبیین کلیدواژه‌های رایج فعلی دشمن در رسانه‌های معاند، ضروری است؛

• تأکید بر ساختار مستحکم قدرت راهبردی نظامی کشور: باید مکرر بر «قائم بر شخص نبودن» نیروهای نظامی و امنیتی کشور و حضور جانشینان متعدد برای فرماندهان و مسئولان تأکید شود؛

• تأکید بر مطالبه‌گری صحیح و بدون افراط و تفریط: تأکید بر بیان مقام معظم رهبری حفظه الله که «فریاد انتقام ملت ایران سوخت حقیقی موشک‌هاست»، و از سوی دیگر مطالبه‌گری بدون تردید افکنی و بی‌اعتمادی به مسئولان و فرماندهان و تبیین ابعاد عملیات «وعده صادق ۳»، از نکات کلیدی است؛

• تمرکز رسانه‌ای بر جنایت در حق زنان و کودکان بی‌گناه: هم‌زمان با ترور سرداران و دانشمندان، مسئول شناختن رژیم و هم‌پیمانان غربی آن در عملیات‌های خبیثانه رژیم صهیونیستی در اهداف غیرنظامی و تبیین دروغ بزرگ «در جنگ با مردم کار ندارند»، حائز اهمیت است؛

• مقابله با شایعات کمبود اقلام ضروری و تأکید اطمینان بخش بر وجود ذخایر کافی: باید با ایجاد هراس عمومی و تجمع در پمپ بنزین‌ها و فروشگاه‌ها مقابله کرد و بر وجود ذخایر کافی آذوقه، سوخت و کالاهای اساسی و راهبردی تأکید کرد؛

• انذار و تذکر و در نهایت معرفی کانال‌های تخریب‌گر، تفرقه افکن و متخلف: صفحات و کانال‌های هراس افکن باید به سامانه‌های نظارتی و دادستانی گزارش شوند

و بر ضرورت حفظ آرامش در جنگ تأکید شود؛

• دعوت به اتخاذ آرایش جنگی در فعالان رسانه‌ای و مسئولان و عموم مردم: تبیین اقتضائات شرایط جنگ و پر کردن خلأ روانی شهادت فرماندهان، ضروری است؛

• انعکاس مشارکت اقشار مختلف مردم در دفاع از نظام و نیروهای مسلح: انتشار تصاویر شهادت عموم مردم، اعم از باحجاب و کم حجاب، انعکاس حمایت ورزشکاران و هنرمندان متعهد جهت تقویت انسجام ملی، وحدت و همبستگی ملی در میان مردم و تقویت حس وطن دوستی و حبّ وطن حتی در میان کسانی که علقه مذهبی به نظام اسلامی ندارند، بسیار مؤثر است؛

• تأکید بر زندگانی و سابقه مبارزاتی فرماندهان فعلی جایگزین شده: در کنار تبیین ویژگی‌های شخصیتی و مبارزاتی فرماندهان شهید، با رعایت ملاحظات حفاظتی و نظارتی، باید بر این موضوع نیز تمرکز شود؛

• انعکاس و ترویج گسترده بیانیه رهبر معظم انقلاب حفظه الله و دولت محترم، احزاب مختلف و مراجع تقلید، علما و... این اقدام برای مقابله با شایعات بی تفاوتی حوزه و علما، بسیار کارآمد است؛

• تولید محتوا برای محصولات رسانه‌ای و منبرهای تبلیغی دهه محرم: با پیوند میان نهضت عاشورا و مقابله با دشمن صهیونیستی و آمریکایی، می‌توان تأثیر بیشتری گذاشت؛

• انتشار خطوط عملیات روانی ذکر شده به صورت گسترده در فضای مجازی: مصداق‌یابی، گسترش و تعمیق راهکارهای ضروری جنگ شناختی و روایی، ضروری است؛

• تمرکز بر دست بالای جمهوری اسلامی ایران در جنگ با آمریکا و اسرائیل: شکار اف-۳۵ و قدرت بومی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باید مورد تمرکز قرار گیرد تا روحیه اقتدار و مقاومت تقویت شود.

✓ محرم امسال، با توجه به شرایط حساس کنونی، فرصتی بی نظیر برای مبلغان دینی است تا کوله بار رزم و جهاد تبلیغی و تبیینی خود را ببندند. در این ایام باید به موضوعاتی چون دشمن شناسی، شبهات مختلف پیرامون جنگ با اسرائیل، یهود شناسی، جنگ شناختی، و آینده یهود و اسلام (با پرهیز از تصور اشتباهی که اسرائیل با یک موشک با خاک یکسان می شود و ایجاد توقعات بی جا) پرداخته شود.

✓ تبلیغ خانواده محور: روی فعالیت های تبلیغی خانواده (با مشارکت همه اعضا) برنامه ریزی کنید.

✓ شبکه سازی معرفتی: برنامه ریزی برای ایجاد شبکه های معرفتی در مناطق تبلیغی برای فعالان فرهنگی منطقه تبلیغی ضروری است؛

✓ اتحاد و همدلی: برنامه ریزی برای ایجاد اتحاد و همدلی در میان همه جریان های سیاسی و اجتماعی؛ زیرا هم عاشورا ظرفیت اتحاد را دارد و هم جنگ با اسرائیل؛

✓ تنوع در روش های تبلیغ: علاوه بر منبر، روی تبلیغ چهره به چهره، گعده های معرفتی با نوجوانان و جوانان، فعالیت های تبلیغی خانواده و فضای مجازی برنامه ریزی کنید؛

✓ تولید محتوای چند رسانه ای: محتوای خود را در قالب چند رسانه ای (پاورپوینت، کلیپ، اینفوگرافی و...) آماده کنید تا جذابیت و تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

۶. آنچه در این روزها نباید انجام داد (خطوط قرمز جهاد تبیین)

در شرایط حساس کنونی، برخی اقدامات می‌تواند به ضرر اهداف جهاد تبیین باشد، که باید از آن‌ها پرهیز کرد:

• پرهیز از رسانه‌های ضدانقلاب: به سراغ رسانه‌های ضدانقلاب نرویم. هر فارسی‌زبانی ایرانی نیست. مزدور، مشغول کار است؛

• پرهیز از میچ‌گیری از گذشته: همدیگر را بابت مواضع گذشته نکوبیم. وقت انسجام است، نه میچ‌گیری؛

• تسکین بخش مردم باشیم: برای مردم، سکینه و مرهم باشیم. روان جامعه خط قرمز است؛

• هوشیاری در شبکه‌های اجتماعی: این روزها در شبکه‌های اجتماعی با هوشیاری کامل باشیم. هر چیزی را از هرکسی نپذیریم؛

• حمایت از نهادهای امنیتی: به نهادهای امنیتی طعنه نزنیم! وقت حمایت است، نه تضعیف؛

• پرهیز از موضع ضعف: به هیچ وجه در موضع ضعف نرویم. جنگ است و پیروزی قهراً از آن ماست؛

• پرهیز از احساسات زدگی: چنان احساساتی نشویم که دست از کار بکشیم. وقت روشنگری است؛

• پرهیز از تخریب دولت: منکوب کردن دولت هیچ آورده‌ای ندارد. این کار را نکنیم؛

• اعتماد به اوضاع اقتصادی: نگران نباشیم؛ هیچ کم و کسری در اقتصاد نیست؛

• پرهیز از بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی دشمن: درباره دشمن دچار بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی نشویم.

۷. هوشیاری در برابر توطئه‌های داخلی و دشمن‌شناسی

بعد از ناامیدی دشمن از حملات هوایی، احتمال خرابکاری توسط پیاده‌نظام داخلی دشمن هست. هوشیاری مردم و جدا کردن خط خودی از چنین مواردی، کمک بسیار مهمی است. در این باره با حافظان امنیت همکاری کنید. مواظب افراد مشکوک، ماشین‌های مشکوک و... باشید و هر مورد مشکوکی را به ۱۱۳ یا ۱۱۴ گزارش دهید. طرف‌داران پان‌ترکیسم، پان‌عرب‌یسم، فرقه‌های وهابیت، بهائیت و... مستعد درگیری هستند. موارد مشکوک مربوط به آن‌ها نیز باید گزارش شود.

۸. پیام‌های کلیدی جهاد تبیینی برای نوجوانان و دانش‌آموزان

- ✓ برای نسل جوان باید پیام‌هایی روشن و امیدبخش ارائه شود:
- ✓ آن‌هایی که دشمن دنبال ترورشان است، قهرمان‌های واقعی‌اند، نه سلبریتی‌ها؛
- ✓ وقتی یک فرمانده سپاه شهید می‌شود، یعنی دشمن از او می‌ترسیده، نه اینکه ما ضعیف شده‌ایم؛
- ✓ کسی که جان‌ش را داده تا موشک به مدرسه‌ات نخورد، قهرمان است، حتی اگر اسمش را ندانی؛
- ✓ نباید بگذاریم دشمن، قهرمان‌های ما را بزند و ما فقط نگاه کنیم؛
- ✓ جنگ فقط با گلوله نیست؛ الآن نوبت ماست تا در فضای مجازی بایستیم.

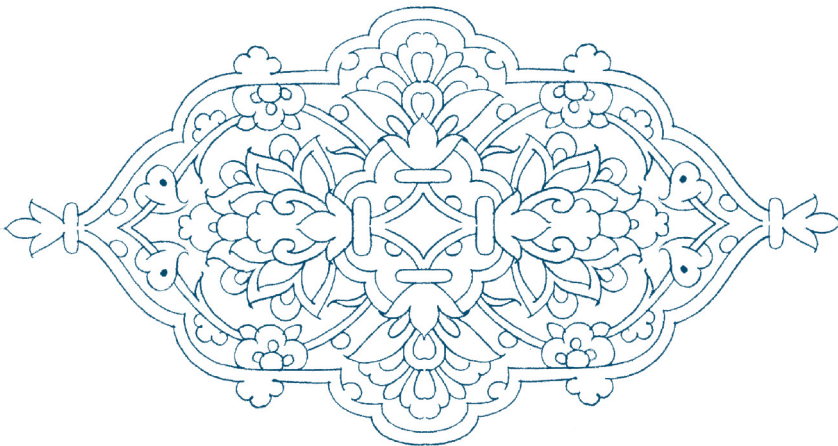
۹. احیای مساجد به عنوان سنگرهای جهاد تبیین

- مساجد‌ها باید سنگر شوند. طرح «مسجد طراز» را احیا کنید و ظرفیت جوانان بسیجی، کانون‌های فرهنگی تبلیغی، هیئت‌امنا و... را فعال کنید؛
- با هماهنگی بسیج، برنامه‌های حماسی برگزار کنید؛

- در تبیین‌ها، ذهن مخاطبان را آماده کنید که بیشتر ضربه‌ها به عوامل نفوذی داخلی خورده و برخورد با عوامل باید محکم و عبرت‌آموز باشد؛
- اذهان مخاطبان باید آماده باشد که ممکن است جنگ هفته‌ها طول بکشد و همه باید پشت هم باشیم؛
- توسل و برنامه‌های دسته‌جمعی توسل نباید تعطیل شود.

نتیجه‌گیری

بازی دشمن با افکار عمومی از طریق شعار مردم‌دوستی، تحریک فریب‌خوردگان برای ایجاد آشوب و تهدیدهای خصمانه برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای، فقط و فقط برای سلطه‌جویی آنان بر ایران عزیز و مقتدر است. فراموش نکنیم در برهه حساس کنونی، وظیفه هر ایرانی سخن‌هشیارانه و تبیین آگاهانه و موضع‌گیری خردمندانه است!



مرجفون؛

لرزه‌اندازان بر امنیت روانی جامعه

نگاهی به آیه ۶۰ سوره مبارک احزاب با موضوع «امنیت روانی»

بر اساس بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عجله الله

نشریه خط حزب‌الله، ش ۴۶۸

امنیت مهم‌ترین نیاز یک جامعه است. از میان انواع آن، امنیت روانی نقش بسزایی در پیشرفت جامعه دارد. «امنیت روانی جامعه یعنی دچار اضطراب نکردن مردم، دچار ترس و تردید نکردن مردم.»^۱ یکی از مهم‌ترین آیات قرآن کریم که به صراحت درباره این موضوع سخن می‌گوید، آیه ۶۰ سوره مبارکه احزاب است. خداوند در این آیه به سه جریان «منافقان» و «بیماردلان» و «شایعه‌افکنان» اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «اگر منافقان و بیماردلان و آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند، دست از کار خود برندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم. سپس جز مدت کوتاهی، نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند.»

از میان این سه گروه، جریان «مرجفون» ناشناخته‌تر است و کمتر مورد بحث قرار گرفته است. از آنجاکه شناخت این جریان ارتباط مستقیمی با امنیت روانی جامعه دارد، خصوصاً در این روزها که در آستانه جنگی تمام‌عیاری هستیم، در این یادداشت ابعاد مهم این آیه را با توجه به همین موضوع بررسی می‌کنیم. ماهیت جریان «مرجفون»

جریان «مرجفون»، از صدر اسلام و حکومت نبوی صلی الله علیه و آله تا کنون، دارای ماهیتی ضدانقلابی و ضددینی بوده است. در ادامه، این جریان را از ابعاد مختلف بررسی می‌کنیم.

۱. بیانات مقام معظم رهبری عجله الله، ۱۴۰۳/۰۸/۰۶.

الف) تشکیلات ترسوهای بیکاره

«مرجفون» از نظر شخصیتی افرادی هستند که «در هنگام سختی‌ها، وقتی با دشمن مواجه می‌شوند، بیکاره، ترسو، کناره‌گزین و عافیت‌طلب‌اند. وقتی که یک ملت در شداید و سختی‌ها قرار می‌گیرد، از این‌ها هیچ اثری نیست! ... اما وقتی که میدان، میدانی است که خطری - علی‌الظاهر - آن را تهدید نمی‌کند، می‌بینید که زبان‌شان بر روی مؤمنان دراز است.»^۱ این جریان «وقتی دشمن را می‌بینند، نشان مثل بید می‌لرزد، بنا می‌کنند به مؤمنین بالله و زحمت‌کشان در راه خدا عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: «آقا، چرا این جوری می‌کنید؟! چرا کوتاه نمی‌آیید؟! چرا سیاست‌تان را این جوری نمی‌کنید؟!» همان کاری که دشمن می‌خواهد، انجام می‌دهند.»^۲

ب) تحلیلگران ضد امنیت روانی

کارویژه این جریان، ضربه به امنیت روانی جامعه است. آن‌ها

✓ «در دل مردم اضطراب ایجاد می‌کنند، ترس ایجاد می‌کنند.»^۳

✓ «مرجف» یعنی آن‌کسی که با سخن خود، با شایعه‌پراکنی خود، با موضع‌گیری خود، با اظهارنظر خود، جو عمومی جامعه را به تشنج می‌کشانند.»^۴

✓ این‌گونه افراد «کسانی هستند که می‌خواهند محیط را متشنج و فضا را مغشوش کنند. می‌خواهند این کارها نشود. می‌خواهند کشور ساخته نشود. می‌خواهند برنامه‌ریزان و مدیران کشور موفق نشوند.»^۵

۱. همان، ۱۳۷۷/۳/۲۱.

۲. همان، ۱۳۹۱/۷/۱۹.

۳. همان، ۱۴۰۳/۸/۶.

۴. همان، ۱۳۶۶/۲/۱۸.

۵. همان، ۱۳۸۲/۶/۲۲.

✓ این جریان «همان کسانی هستند که امنیت روانی جامعه را به هم می‌زنند، شایعه‌سازی می‌کنند، بعضی‌ها از روی غرض، از مسائل گوناگون تحلیل‌های غلط ارائه می‌دهند».^۱

✓ آن‌ها دائماً با تحلیل‌های خود «مردم را می‌ترسانند: «آقا، بترسید! مقابله با آمریکا مگر شوخی است؟! پدرتان را درمی‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان، این تحریم‌شان، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان...» ... مرجفون همین‌ها هستند».^۲

ج) ستون پنجم دشمن بیگانه

دشمنان بیگانه و «دشمنان ملت‌ها و کشورها که طمع می‌ورزند به منافع کشورهایی که می‌توانند طمع بورزند، فقط با سلاح گرم، با جنگ گرم و سخت وارد نمی‌شوند؛ با جنگ نرم وارد می‌شوند. یکی از بخش‌های جنگ نرم، همین ناایمن‌سازی روانی جامعه است».^۳

✓ اساساً «تلاش جریان‌های سیاسی ضد جمهوری اسلامی و ضد این حرکت عظیم اسلامی ملت ایران و ملت‌های منطقه... در جهت ایجاد تلاطم، هم تلاطم‌های اجتماعی و هم تلاطم روحی است؛ یعنی دل‌ها را مضطرب کردن، نگران و ترسان کردن، که امروز سیاست کلی امپراتوری خبری در دنیا این است».^۴

✓ جریان «مرجفون» به خاطر ویژگی‌های شخصیتی خاص خود، به راحتی در دام این سیاست دشمن گرفتار می‌شوند و به این اهداف دشمن کمک می‌کنند. لذا «هر کس فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور آمریکاست و برای آمریکا کار کرده است؛ چه از آمریکا پول بگیرد، چه نوکر بی‌مزد و مواجب آمریکا باشد».^۵

۱. همان، ۱۴۰۳/۸/۶.

۲. همان، ۱۳۹۱/۰۷/۱۹.

۳. همان، ۱۴۰۳/۰۸/۰۶.

۴. همان، ۱۳۸۲/۳/۷.

۵. همان، ۱۳۸۲/۳/۲۲.

✓ به عنوان نمونه، در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، گزارش‌های متعددی وجود داشت که «عوامل مزدور دست‌نشاندهٔ خائن بی‌وطن، آن کسانی که حتی یک لحظه دلشان با اسلام و جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و امام و عناصر فداکار و روحانیت نرم نشده است، مشغول تضعیف روحیه و پراکندن خبرهای دروغ هستند».^۱

✓ بر همین اساس، قرآن کریم هشدار می‌دهد که «اگر ستون پنجم دشمن و مزدور و عامل جاسوس دشمن از خرابکاری و بدکاری و ضربه زدن خود در این موقع ویژه و حساس زمانی دست برندارد، باید بداند که فرمان و دستور نمی‌خواهد؛ مردم با شدت، چنین عوامل و عناصری را سرکوب خواهند کرد».^۲

د) آشوبگران شهر

جریان «مرجفون»، در کنار جریان «نفاق» و «بیماردلان»، به دنبال آشوب در جامعه هستند. قرآن کریم در این آیه به پیامبر ﷺ می‌فرماید که «اگر منافقان و کسانی که در دل مرض دارند و کسانی که شهر را به آشوب می‌کشانند، دست برندارند، ما تو را علیه آنان تحریک خواهیم کرد. خدای متعال منافقان و مریض‌دلان، این دو گروه خطرناک را می‌گذارد در کنار «مرجفون فی المدینه»؛ یعنی آشوب و بلوا ایجادکنندگان در جامعهٔ اسلامی».^۳

✓ حکم این جریان در زمان کنونی نیز مشخص است: «در زمان ما، آن‌هایی که آشوب و بلوا ایجاد می‌کنند یا زمینهٔ آن را به وجود می‌آورند، محکوم حکم این آیه هستند».^۴

۱. همان، ۱۳۵۹/۷/۱۸.

۲. همان.

۳. همان، ۱۳۵۹/۱۲/۲۲.

۴. همان.

شایان ذکر است که گاهی افراد عادی، ناخواسته به اهداف جریان «مرجفون» کمک می‌کنند. متأسفانه برخی افراد جامعه، بدون تفکر و توجه، هر آنچه به ذهن می‌رسد، در فضای مجازی منتشر می‌کنند؛ درحالی‌که «همه چیز را - هر چه به ذهن انسان می‌رسد - در فضای مجازی نبایستی منتشر کرد. ملاحظه کنید اثرش چیست. ببینید روی مردم، روی فکر مردم، روی روحیه مردم چه تأثیری می‌گذارد»^۱.

✓ این افراد مطالب و تحلیل‌های دیگران را بدون آگاهی از اثرات آن بازنشر می‌کنند و به امنیت روانی جامعه ضربه می‌زنند.

✓ از طرف دیگر، تحلیلگران و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جامعه نیز باید «توجه کنند که چطور ممکن است در فضای مجازی، یک تحلیل غلط، یک خبر غلط، یک برداشت غلط از یک مسئله، مردم را دچار اضطراب کند، دچار تردید کند، دچار ترس کند. این‌ها چیزهایی است که امنیت روانی جامعه را از بین می‌برد»^۲.

✓ درنتیجه، این آیه به یک اصل مهم در روش تحلیل سیاسی اشاره دارد و آن اینکه هر تحلیلی که نتیجه‌اش ترس و اضطراب و ناامیدی جامعه باشد، قطعاً تحلیل نادرستی است. «بعضی‌ها با خبری که می‌دهند، با تحلیلی که می‌کنند، با تفسیری که از وقایع می‌کنند، در مردم تردید ایجاد می‌کنند، ترس ایجاد می‌کنند. این از نظر خدای متعال مردود است»^۳.

۱. همان، ۱۴۰۳/۸/۶.

۲. همان.

۳. همان.

✓ جریان «مرجفون» برای پیشبرد اهداف خود به دو مغالطه مهم دست می‌زند: «آزادی بیان» و «عقلانیت»؛ این در حالی است که

✓ «اساساً آزادی برای هدایت افکار است، برای رشد افکار است، برای پیشرفت جامعه است.»^۱

✓ «آزادی بیان» مرز دارد. «یکی از مرزها تشنج عمومی در جامعه است. در قرآن... برای آزاد نبودن بیان در موارد تشنج عمومی، دلیل واضحی است.»^۲

✓ از طرف دیگر، اساساً «عقلانیت» با روحیه ترس و ناامیدی که شاخصه جریان «مرجفون» است، سازگاری ندارد. از این رو «ترسوها حق ندارند اسم عقلانیت را بیاورند. ترسیدن و فرار کردن و میدان را خالی کردن، اسمش عقلانیت نیست؛ اسمش همان ترس و فرار و مانند این‌هاست. عقلانیت یعنی محاسبه درست.»^۳

✓ این در حالی است که قرآن کریم به پیامبر ﷺ می‌فرماید که «اگر دست بزدارند این شایعه پراکن‌ها، این تشنج‌آفرین‌ها، این کسانی که جامعه را از سلامت و از سکون و آرامش خودش می‌خواهند خارج کنند، ما تو را «اغراء» خواهیم کرد به آن‌ها؛ یعنی تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت تا انتقام مردم را بگیری.»^۴

✓ «تو را مأمور می‌کنیم که به سراغ این‌ها بروی و مجازاتشان کنی. این قدر این مسئله امنیت روانی مهم است.»^۵

✓ لذا «باید در زمان خود و با شیوه لازم، «مرجفون فی المدینه» ادب بشوند تا این امنیت دشوار به دست آمده و این وحدت کلمه از بین نرود.»^۶

۱. همان، ۱۳۶۶/۲/۱۸.

۲. همان.

۳. همان، ۱۳۹۹/۷/۲۱.

۴. همان، ۱۳۶۶/۲/۱۸.

۵. همان، ۱۴۰۳/۸/۶.

۶. همان، ۱۳۵۹/۱۲/۲۲.

نقش خطابه و شعر در جنگ



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نیکوکلام

مقدمه

جنگ پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که صرفاً به میدان نبرد و تاکتیک‌های نظامی محدود نمی‌شود. در کنار ابزارهای مادی و قدرت سخت، ابزارهای نرم و فرهنگی نیز نقشی حیاتی در تعیین سرنوشت نبردها و افکار عمومی ایفا می‌کنند. در طول تاریخ اسلام، دو هنر کلامی «شعر» و «خطابه» (سخنرانی) همواره در بحبوحه جنگ‌ها به عنوان قدرتمندترین ابزارهای تهییج و تبیین عمل کرده‌اند. این دو نه تنها در تقویت روحیه رزمندگان و مردم مؤثر بوده‌اند، بلکه مسیر جنگ را از بُعد روانی و اجتماعی نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف جایگاه شعر و خطابه در جنگ می‌پردازد و نقش محوری آن دو را در مدیریت بحران، و نیز بسیج عمومی تبیین می‌کند.

نقش شعر در شرایط جنگی

شعر، کلامی موزون و مُقَفّا و تأثیرگذار است و از روزگار بسیار دور وجود داشته است. شعر در اسلام از گذشته تا کنون دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است.



شاعران در عصر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در مواقف گوناگون از استعداد و ذوق خود برای دفاع و روشنگری در برابر دشمنان استفاده می‌کردند.

شعر با طبیعت خیال‌انگیز و وزن و قافیه‌ای که به کلمات می‌بخشد، توانایی ویژه‌ای در نفوذ به اعماق روح و جان انسان‌ها دارد.

در ایام کنونی که در نبرد با صهیونیسم قرار داریم و در شرایط جنگی به سر می‌بریم، شعر کارکردهای گوناگونی پیدا می‌کند:

• **نقش تهییجی و روحیه‌بخش:** اشعار حماسی و رزمی، با وصف شجاعت‌ها، فداکاری‌ها و آرمان‌ها، خون غیرت را در رگ‌ها به جریان می‌اندازند و حس میهن‌پرستی و شهادت‌طلبی را تقویت می‌کنند. این اشعار، مردم مخصوصاً افرادی را که در میدان قرار دارند، به ایستادگی و مقاومت فرامی‌خوانند و امید به پیروزی را در دل‌ها زنده نگه می‌دارند.

• **ثبت وقایع و تاریخ‌نگاری:** شاعران، اغلب شاهدان عینی یا راویان دغدغه‌مند رویدادهای جنگ بوده‌اند. از این رو اشعارشان به مثابه اسنادی تاریخی عمل می‌کنند که جزئیات نبردها، قهرمانی‌ها و حتی آلام و مصائب جنگ را برای نسل‌های آینده ثبت می‌کنند. دیوان‌های شعر فارسی و عربی مملو از نمونه‌هایی هستند که جنبه‌های مختلف جنگ را بازتاب داده‌اند.

• **بازتاب درد و رنج:** جنگ، جدای از پیروزی‌ها و شکست‌ها، همواره با درد و رنج بی‌شمار همراه بوده است. شعر به محفلی برای بیان آلام فراق، دل‌تنگی‌ها، مظلومیت‌ها و اعتراض به خشونت جنگ تبدیل می‌شود. این اشعار، بُعد انسانی فاجعه جنگ را به تصویر می‌کشند و وجدان بشری را بیدار می‌کنند.

خطابه یا سخنرانی، برخلاف شعر که ممکن است برای بیان احساسات درونی تر نیز به کار رود، همواره جنبه ای عمومی و هدفمند دارد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در جنگ ها نیز تا جایی که امکان داشت، به تبیین و روشنگری می پرداختند. در جنگ جمل می بینیم که امام آغازگر جنگ نیستند و چند نفر از افراد مقبول قوم را می فرستند تا قرآن را در دست بگیرند و مردم را به آرامش دعوت کنند و نیت کسانی را که آغازگر این جنگ هستند بیان کنند. دشمن نیز با به شهادت رساندن این افراد، پاسخ تبیین امام علیه السلام را داد. وقتی امام علیه السلام می بینند که تبیین و روشنگری اثر ندارد و این افراد پذیرای این سخنان نیستند، دستور جنگ را صادر می کنند. در شرایط جنگ، خطابه ابزاری قدرتمند در دست رهبران و فرماندهان و مبلغان است:

• **نقش فرماندهی و مدیریت روحیه:** رهبران و فرماندهان از طریق خطابه، اهداف جنگ را تبیین می کنند و به رزمندگان انگیزه می بخشند و روحیه مقاومت را در آنان شعله ور می سازند. سخنرانی های مقتدرانه، شک و تردید را از بین می برد و وحدت صفوف را تضمین می کند.

• **خطابه برای بسیج عمومی:** در مواقع لزوم، سخنوران با شور و حرارت کلامی خود، مردم را به مشارکت در دفاع از میهن یا آرمان ها فرامی خوانند. این سخنرانی ها می توانند در جذب نیرو، جمع آوری کمک های مردمی و ایجاد یک جبهه واحد در پشت خطوط نبرد، بسیار مؤثر باشند.

• **تبیین ارزش ها و آرمان ها:** خطابه ابزاری است برای توجیه اخلاقی و ایدئولوژیک جنگ. از طریق سخنرانی ها، ارزش های والا، آرمان های مقدس و ضرورت دفاع از آن ها تبیین می شود و جنگ مشروعیت می یابد.

شعر و خطابه نه تنها به صورت مجزا بلکه در تعامل و تکمیل یکدیگر، تأثیر مضاعفی در دوران جنگ از خود نشان می دهند. این دو هنر کلامی، در مجموع، بخشی از پازل «جنگ روانی» یا «عملیات روانی» را تشکیل می دهند و هدفشان مدیریت افکار عمومی، چه در جبهه خودی و چه در جبهه دشمن است.

نمونه ای از این تعامل هوشمندانه، در بحبوحه جنگ صفین میان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و معاویه رخ داد. در این جنگ، عمرو عاص، سردار زیرک معاویه، نامه ای خطاب به عبدالله بن عباس نوشت که در انتهای آن شعری نیز سروده بود.

ابن عباس پس از دریافت نامه، آن را نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام آورد. حضرت پس از مطالعه نامه و شعر، با لبخند فرمودند: «قَاتَلَ اللَّهُ ابْنَ الْعَاصِ مَا أُغْزَاهُ بِكَ يَا ابْنَ الْعَبَّاسِ أَجِبْهُ وَلِيَرَدَّ عَلَيْهِ شِعْرُهُ الْفُضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ فَإِنَّهُ شَاعِرٌ»^۱

این دستور حضرت علی علیه السلام که در ظاهر ساده بود، حاوی نکات راهبردی عمیقی بود. در آن دوران، نامه ها حکم رسانه های عمومی را داشتند و محتوای آن ها به سرعت پخش می شد و به گوش همگان می رسید. اگر پاسخ نامه عمرو عاص، به ویژه بخش شعری آن، به درستی و توسط فردی مطلع و توانمند در شعر (چون فضل بن عباس) داده نمی شد، ممکن بود مقدمه ای برای فروپاشی روحی و جدایی مردم از حاکمیت شود.

حضرت با این اقدام نشان دادند که پاسخ به موقع، کوتاه، کوبنده و درعین حال هنرمندانه، چقدر می تواند در سرنوشت جنگ تعیین کننده باشد.

این رویداد شاهدهی است بر این مدعا که سرنوشت نبرد را صرفاً قدرت میدان رقم نمی زند؛ بلکه قدرت کلام و مدیریت هوشمندانه پیام نیز نقش اساسی در آن ایفا می کند.

در ادامه چند نمونه از شخصیت هایی که در تبیین به وسیله شعر یا خطابه در دفاع از مکتب در برابر دشمنان موفق بوده اند و نام آن ها تاکنون ماندگار شده، معرفی می شوند.

۱. ابن أعثم كوفي، الفتوح، ج ۳، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

الف) عمار یاسر

عمار بن یاسر یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلام و از بزرگان و سرشناس‌ترین اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است. عمار در مناسبت‌های مختلف از حق امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع کرده و خلافت را حق آن حضرت و ایشان را شایسته‌ترین فرد برای جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و آن را بارها اظهار کرده است.

شیخ طوسی می‌گوید: در ماجرای جنگ جمل، علی علیه السلام حسن، فرزند خود، را با عمار بن یاسر به طرف کوفه فرستاد تا آن‌ها را برای رفتن به بصره آماده کنند.^۱

هنگامی که امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه تصمیم گرفتند که برای سرکوبی معاویه و سپاه او به سوی صفین حرکت کنند، مهاجران و انصار را که با آن حضرت بودند، طلبیدند و با آن‌ها درباره جنگ با معاویه به مشورت پرداختند و از آن‌ها نظر خواستند. آن‌ها هر کدام جداگانه برخاستند و نظر خود را بیان کردند. عمار یاسر نیز در میان آن جمع بود. برخاست و پس از حمد و ثنای الهی چنین گفت: ای امیر مؤمنان! اگر می‌توانی حتی یک روز به دشمن مهلت ندهی، این کار را انجام بده. ما را قبل از آنکه آتش دشمنان بدکار شعله‌ور شود و برای دوری و جدایی از ما هم‌رأی شوند، همراه خود روانه جبهه کن. آنگاه مخالفان را به سوی راه هدایت و رشد فراخوان. اگر پذیرفتند، که سعادت‌مند شده‌اند؛ وگرنه ناگزیر با آن‌ها می‌جنگیم. سوگند به خدا! قطعاً ریختن خون آن‌ها و تلاش برای جهاد و نبرد با آن‌ها، موجب تقرب و کرامت در پیشگاه الهی است.

زید بن وهب جهنی گوید: عمار بن یاسر یک روز قبل از شهادت خود در جنگ صفین، در میان مردم فریاد می‌زد: کجا هستند کسانی که طالب رضای خدا هستند و دنبال مال و فرزند نیستند؟! در این هنگام گروهی نزد او آمدند. عمار گفت: با ما همراهی کنید و بر این قوم که خون عثمان را بهانه کرده‌اند و گمان می‌کنند او مظلومانه کشته شده، حمله کنید. به خدا سوگند، او به خود ظلم کرد و برخلاف دستورهای خداوند عمل کرد.^۲

۱. شیخ طوسی، أمالی، ص ۷.

۲. ثقفی کوفی، الغارات، ترجمه عطاردی، ص ۵۰۶.

صَعَصَعَةُ فرزند صُوحَانَ بن حجر و کنیه اش «ابوطلحه» یا «ابوعمر» بود. او از اصحاب پیامبر ﷺ و از یاران باوفای امیرالمؤمنین علی (ع) بود. او را به فصاحت و بلاغت و استادی در فنِّ سخن ستوده‌اند و به او عنوان «خطیب» داده‌اند. علی (ع) نیز در نهج البلاغه دربارهٔ او می‌فرماید: «هذا الخطيب الشَّحْشَح...! این خطیبِ ماهر و توانا...»

قدرت سخنوری صَعَصَعَةُ سبب شد امام علی (ع) او را «خطیب شحشح» بخواند و در جنگ نهروان او را برای گفت‌وگو با خوارج بفرستد. بسیاری از نامه‌های حضرت نیز به قلم این خطیب توانا نوشته شده است. در جنگ جمل، بعد از آنکه زید و سیحان (دو برادر صَعَصَعَةُ) به شهادت رسیدند، صَعَصَعَةُ خودش پرچم لشکر را به دست گرفت. در جنگ صفین نیز بعد از آنکه معاویه جلوی جریان آب را بست، علی (ع) صَعَصَعَةَ را برای گفت‌وگو نزد معاویه فرستاد و فرمود: «به او بگو ما مسیر خود را طی می‌کنیم و دوست نداریم قبل از آنکه حجت را تمام کنیم، آغازگر جنگ باشیم.» صَعَصَعَةُ این پیام را رساند. آنگاه بحث سختی بین معاویه و طرفدارانش از یک سو و صَعَصَعَةُ از سوی دیگر درگرفت.

در جنگ نهروان نیز امیر مؤمنان علی (ع) صَعَصَعَةَ را برای گفت‌وگو با خوارج فرستاد. آن‌ها به صَعَصَعَةُ گفتند: «اگر علی موضع ما را می‌داشت، آیا تو با او همراه بودی؟» پاسخ داد آری. گفتند: «برگرد؛ زیرا تو بی‌دین و مقلد هستی.» صَعَصَعَةُ در پاسخ گفت: «وای بر شما! آیا پیروی نکنم از کسی که خدا دستور اطاعت از او را داده است؟! آیا رسول خدا ﷺ وقتی جنگ شدت می‌گرفت، علی (ع) را برای فرونشاندن آتش نبرد نمی‌فرستاد؟! کجا می‌روید و از چه کسی روی برمی‌گردانید؟! «عن القمر الباهر والسراج الزاهر و صراط الله المستقیم؟!»^۱ از ماه درخشان و چراغ روشن و راه مستقیم خداوند رو می‌گردانید؟! خدا شما را نابود کند. عقل‌های شما فاسد شده است.

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۶۰.

۲. محمدی ری‌شهری، محمد، موسوعهٔ امام علی بن ابی‌طالب (ع)، در کتاب و سنت و تاریخ، ج ۸، ص ۳۶۸.

در روزهای اخیر و حمله وحشیانه به صداوسیما جمهوری اسلامی، رشادت بانوی ایرانی که مجری برنامه خبری بود، بازتاب جهانی داشت و حماسه زنان و دختران مسلمان در مقابل دشمنان تکرار شد. برای نمونه یک مورد تاریخی اشاره می شود.

ام سنان

ام سنان دختر خثیمه بن حرشه از یاران امام علی علیه السلام و از زنان نامور شیعه و از شجاعان عصر امام بود. او به عنوان یکی از زنان شاعر شیعه در قرن اول هجری قمری شناخته می شود.^۱

او به همراه مردمان قبیله اش از امام علیه السلام، به خصوص در جنگ صفین، حمایت کرد. حمایت او از امام در جنگ سبب شد تا در جرئت و شجاعت زبانزد شود. وی با حرکت در میان سپاه امام، قبیله مذحج و یاران امام را به جنگ با معاویه بن ابی سفیان و شامیان تشویق می کرد و آنان را شجاع و دلیر می خواند و به لشکریان معاویه دشنام می داد، که این امر سبب ناراحتی شدید معاویه شد؛ به گونه ای که طبق اعتراف معاویه، در آن روز هیچ چیزی برای او به اندازه سخنان ام سنان دردناک تر نبود.^۲

شعر ام سنان در میانه جنگ برای تهییج قبیله اش، مذحج، در منابع بازتاب داشته است. گفته شده او با سلاح شعر و عبارات مُتَقَن، به دفاع از اعتقادات خود، به خصوص حمایت از مقام ولایت و امامت امام علی علیه السلام اقدام می کرد. وی در اشعار حماسی اش به مدح اهل بیت علیهم السلام می پرداخت و از قبیله خود می خواست تا در جنگ با دشمنان خدا و پایداری در میدان جنگ، از امام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت کنند. به باور برخی محققان، اشعار ام سنان در صفین نشانه عمق

۱. امین، سید محسن، أعیان الشیعة، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۸۰؛ حسون، محمد، أعلام النساء المؤمنات، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹۶.

۲. ابن أعثم کوفی، الفتوح، ج ۳، ص ۶۵.



شناخت او از امامت و ولایت امام علی علیه السلام بود. او به درستی به بازشناسی چهره معاویه پرداخت و او را با وجود شایسته نبودنش برای خلافت، دشمن خاندان رسول خدا معرفی کرد و امام را با تعبیری چون «ماه»، «بهترین خلیفه‌ها»، «پسرعموی رسول خدا صلی الله علیه و آله» و «عامل شناخت راه راست» توصیف کرد!

و اللیل یصدر بالأمر و یورد

عزب الرقاد فمقلتی لا ترقد

سال‌ها گذشته؛ اما سخن من فروکش نمی‌کند. و شب غم‌ها را می‌آورد و می‌برد.

إِنَّ الْعَدُوَّ لَأَلْ أَحْمَدُ يَقْصِدُ

يَا آلَ مَذْحَجٍ لَا مَقَامَ فَشَمِّرُوا

ای آل مذحج! جای درنگ نیست؛ آماده شوید؛ زیرا دشمن قصد خاندان محمد صلی الله علیه و آله را کرده است.

وسط السماء من الكواكب أسعد

هذا علی كالهلal تحفه

این علی علیه السلام است که چون ماه تابان، ستارگانِ سعد بر دُورش گرد آمده‌اند

إِنْ يَهْدِكُم بِالنُّورِ مِنْهُ تَهْتَدُوا

خیر الخلائق و ابن عمّ محمّد

بهترین مردمان و پسرعموی محمد صلی الله علیه و آله است که اگر به نور هدایت نبوی صلی الله علیه و آله شما را فرابخواند، به هدایت می‌رسید.

۱. همان، ص ۶۶؛ عباس بن بکار ضبی، اخبار الوافدات، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۲۴۷؛ امین، سید محسن، أعیان الشیعة، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۸۰.

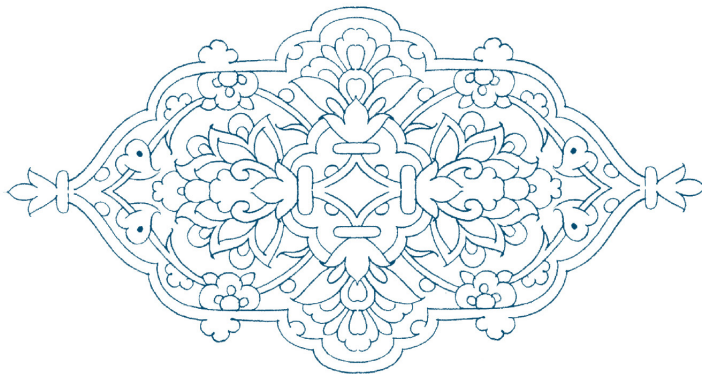
شعر و خطابه به‌عنوان دو رکن اساسی ارتباطات کلامی، همواره در طول تاریخ بشر و به‌ویژه در دوران جنگ، جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. شعر با قدرت تهییج، و خطابه با توانایی رهبری و بسیج عمومی، مکمل یکدیگر عمل کرده‌اند و در کنار ابزارهای نظامی، به‌عنوان ابزارهای نرم قدرتمندی، در شکل‌دهی به افکار عمومی و حفظ پویایی جامعه در شرایط بحرانی جنگ ایفای نقش کرده‌اند. درک صحیح از کارکردهای این دو هنر و بهره‌گیری هوشمندانه از آن‌ها می‌تواند مسیر یک نبرد را تغییر دهد و حتی به پیروزی در سخت‌ترین شرایط منجر شود.

پیشنهاد می‌شود در تجمعات و دوره‌های، علاوه بر اقناع اندیشه به وسیله خطابه و سخنوری، از قدرت شعر برای تحریک احساس و دادن حس خوب استفاده شود.

طلابی که ذوق شعری دارند، با سرودن اشعار و کسانی که بیان و صوت دل‌نشین دارند، با خوانش حماسی و رجزگونه اشعار در جلسات و دوره‌های حس‌وحال مثبت را به مردم منتقل کنند.

نمونه‌ای از اشعار شاعران معاصر:

<https://eitaa.com/mobaleghan/10391>



پاسخ به شبهات

مسئولان سپاه و دانشمندان هسته‌ای بالاشهر زندگی می‌کنند و

می‌گویند مردمی هستند (ردگم‌کنی)!

اول) حضور فرماندهان نظامی و برخی دانشمندان هسته‌ای در مناطقی خاص از شهر تهران به علت رعایت برخی از ملاحظات امنیتی، حفاظتی و سازمانی است. بالاخره برخی از افراد مؤثر و مهم در ساختار سیاسی، نظامی و علمی هر کشوری باید در شرایط ویژه‌ای محافظت شوند؛ چراکه از بین رفتن این افراد معمولاً جایگزین‌ناپذیر است و برای یک ملت خسارت بزرگی محسوب می‌شود.

دوم) صرف سکونت در مناطق خاصی از شهر به معنای مردمی بودن یا نبودن نیست. مردمی بودن یک شخصیت سیاسی یا نظامی، نوعی سبک زندگی است که لزوماً به محل سکونت افراد ارتباطی ندارد. بنابراین هرچند به علت برخی از ملاحظات امنیتی و حفاظتی، محدودیت‌هایی در ارتباطات عمومی فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای کشورمان با عموم مردم وجود داشت، اما فرماندهان نظامی شهید همواره روحیه مردمی خود را حفظ می‌کردند و خود را سرباز نظام، رهبری و ملت می‌دانستند و در جلسات و مراسمات مختلف، راهپیمایی‌ها و هر فرصتی با عموم مردم ارتباط می‌گرفتند. محبوبیت سرداران شهیدمان در میان عموم مردم و حس احترام و افتخار توصیف‌ناشدنی مردم نسبت به آنان، نشانه روشنی از مردمی بودن آن دلاورمردان شهید است.

اگر زیرساخت‌های کشورمان را بخواهند بزنند، تکلیف چیست؟

اول) این نگرانی و پیش‌بینی همواره وجود داشته که به سبب ماهیت جنایتکار و شرور رژیم صهیونیستی، در حملات خود به تأسیسات هسته‌ای و مراکز نظامی بسنده نکند؛ همان‌گونه که در این روزها شاهدیم برخی مناطق مسکونی و غیرنظامی نیز از همان حملات اولیه اسرائیل، هدف قرار گرفت. همچنین برخی از پالایشگاه‌ها، فرودگاه‌ها و دیگر تأسیسات زیربنایی کشور نیز از حملات ددمن‌شانه و تجاوزگرانه رژیم صهیونی در امان نبوده است. لیکن رژیم جنایتکار به خوبی



می‌داند که ایران از قدرت بسیار بالای تهاجمی برخوردار است و می‌تواند در برابر هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور، زیرساخت‌های حیاتی آن رژیم را هدف قرار دهد تا هیچ منطقه امنی برای آنان وجود نداشته باشد، البته آنان باید بدانند که هزینه حمله به ملت ایران، هزینه زیادی به دنبال خواهد داشت.

دوم) نکته اساسی این است که کشور ما شروع‌کننده این جنگ نبوده است و مسئولین کشور ما همواره تلاش کرده‌اند تا جایی که می‌توانند، کشور را از آن دور کنند. افزایش توان و قدرت تسلیحاتی و موشکی کشور ما هم به همین دلیل است تا بتواند قدرت بازدارندگی داشته باشد. اکنون نیز همین کارکرد دفاعی را دارد و تاکنون به خوبی توانسته طرف متجاوز را تنبیه کند و امیدواریم با همین قدرت مانوری که نیروهای مسلح نشان داده‌اند، درس خوبی به طرف متجاوز و دیگر دولت‌های متخاصم داده باشند.

سوم) با توجه به آسیب‌پذیری زیاد رژیم صهیونی، به ویژه از لحاظ تاب‌آوری اجتماعی و نیز محدودیت‌های جغرافیایی خاصی که در تأمین انرژی و مبادلات اقتصادی دارد، ادامه حمله به تأسیسات زیربنایی ایران موجب خواهد شد که ایران نیز تأسیسات زیربنایی آن رژیم را هدف قرار دهد که در این عرصه آنان بسیار خسارت خواهند دید و به مراتب بیشتر متضرر خواهند شد.

چرا پایگاه‌های نظامی در مناطق مسکونی قرار دارد که موقع حمله به آن‌ها

مردم آسیب ببینند؟

اول) بیشتر پایگاه‌های نظامی کشور خارج از محدوده شهرها قرار دارد و بخشی از آن‌ها نیز که پیش‌تر در محدوده شهرها قرار داشت، به خارج از آن انتقال داده شده است؛ اما برخی از پایگاه‌های نظامی و انتظامی به علت برخی محدودیت‌ها و ملاحظات امنیتی و متناسب با کاربردها، در محدوده شهرها حفظ شده و این امر در همه جای دنیا به همین صورت است.



برخی از خام‌اندیشان تصور می‌کنند که رژیم صهیونیستی تنها با نظامیان و مقامات سیاسی جمهوری اسلامی دشمنی دارد و نمی‌خواهد به مردم غیرنظامی آسیبی برساند؛ لیکن سابقه سیاه و تبهکارانه آن رژیم در هشتاد سال گذشته، به ویژه در قریب بیست ماه اخیر در فلسطین اشغالی، آشکارا نشانگر این است که رژیم سفاک صهیونی به هیچ کدام از اصول اخلاقی و انسانی پایبند نیست. در همان حملات تجاوزکارانه نخست به کشورمان هم شاهد بودیم که علاوه بر مراکز، مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی را هم هدف قرار داد.

دوم) ما اکنون از سوی رژیم تبهکاری مورد هجوم قرار گرفته‌ایم که در دو سال گذشته بیش از شصت هزار انسان بی‌گناه غیرنظامی از پیر و جوان و زن و کودک را در غزه به خاک و خون کشیده است! رژیم سفاکی که به مناطق مسکونی، زیرساخت‌های حیاتی، بیمارستان‌ها، مدارس، چادرهای آوارگان و حتی مراکزی که خودش آن را امن اعلام کرده، حمله می‌کند و مردم غیرنظامی را با بمب‌های سنگرشکن تکه‌تکه می‌کند، برایش فرقی نمی‌کند که مراکز نظامی کشور، خارج از شهر باشد یا در دل شهر. آن رژیم کودک‌کش به دنبال انتقام از مردم شجاع و نوع‌دوست ایران است که در بیش از شصت سال گذشته همواره از مردم فلسطین دفاع کرده و خواهان نابودی آن رژیم غاصب و ضدانسانی بوده است.

طرف‌داران اسرائیل و نیز رسانه‌های غربی می‌گویند اگر مردم ایران

راه خود را از سپاهیان و مسئولین کشور جدا کنند، در امان می‌مانند.

چه پاسخی به آنان بدهیم؟

اول) باید از این افراد خام‌اندیش و نادان پرسید که مگر سپاهیان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی غیر از همین مردم ایران‌اند؟! مسئولان سیاسی و نظامی کشور برادران و خواهران خود ما هستند. مگر مسئولان بلندپایه سیاسی و نظامی کشور جز حفظ استقلال و عزت کشور و منافع مردم هدف دیگری دارند؟! چرا مردم ایران باید خود را از رهبران و مدیران کشور جدا بدانند و با متجاوزانی که کشور آنان را





هدف تجاوز قرار داده‌اند، همراهی کنند و پشت سربازان کشور خود را خالی کنند؟! این تبلیغات مسموم، نوعی جنگ شناختی شدید و پیچیده است و هدفش ایجاد شکاف و دوگانگی میان مردم و رهبران کشور است تا خود مردم کشور علیه رهبران و سربازان وطن برخیزند و کشور خود را ضعیف و ذلیل و آسیب‌پذیر کنند.

دوم) در حملات روزهای گذشته تبهکاران صهیونی به کشور، زنان و کودکان زیادی به شهادت رسیدند که حتی با نظام سیاسی کشور همراهی نداشتند! مگر موشک‌ها و بمب‌ها و پهپادهای انتحاری دشمن می‌تواند میان موافقان و مخالفان نظام تفکیک قائل شود و هوشمندانه فقط موافقان را هدف قرار دهد؟! آیا اساساً دشمن متجاوز خواهان چنین چیزی است؟! دشمن صهیونی می‌خواهد کشور و ملت ایران را از هم فروپاشاند و در این میان البته به مخالفان نظام دل بسته است که آنان خودشان علیه کشور خویش عمل کنند؛ اما وقتی با جنگنده و موشک حمله می‌کند، هدفش تنها کشتار و جنایت است و برایش فرقی نمی‌کند چه کسانی کشته و مجروح می‌شوند. نکته دقیق‌تر آنکه، اگر در این حملات، مخالفان نظام کشته شوند، از لحاظ روانی مؤثرتر است تا موافقان نظام؛ زیرا کشته شدن مخالفان نظام، خانواده‌های آنان را برای تحت فشار قرار دادن نظام مصمم‌تر و خشمگین‌تر می‌کند!

سوم) اکنون تجربه لبنان و فلسطین پیش چشم ماست. آیا رژیم صهیونی تنها آن دسته از مردم فلسطین را کشت که طرف‌دار حزب‌الله و حماس بودند؟! یا اینکه حتی بسیاری از مردمی را که با مقاومت لبنان و فلسطین همراه نبودند نیز کشته و آواره کرده؟! به خوبی می‌دانیم که هم در لبنان و هم در فلسطین عده‌ای طرف‌دار مقاومت نیستند؛ با وجود این، همین مخالفان نیز همواره مورد تهاجم و جنایت صهیونیست‌ها بوده‌اند.

«ایگال مالکه»، از چهره‌های رسانه‌ای حامی نتانیا‌هو، در کانال شخصی‌اش صوتی از «مردخای کدار»، افسر سابق اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و تحلیل‌گر امنیتی وابسته به جناح راست‌گرای اسرائیل، را با عنوان «مردخای کدار در نشستی با کارشناسان رسانه» قرار داده است. کدار در این فایل صوتی از ناتوانی رژیم صهیونیستی در پیروزی نظامی بر ایران پرده برداشت و راه نجات اسرائیل را تحریک مردم ایران به

شورش خیابانی علیه جمهوری اسلامی عنوان کرده است. کدار که سال‌ها در بخش اطلاعات ارتش اسرائیل (امان) فعالیت داشته، در نشست با عنوان «چالش ایران» تصریح کرد: «سؤال می‌کنند که چرا من اصرار دارم مردم ایران را به خیابان بکشانیم! چون باید واقع‌بین بود. ما به تنهایی نمی‌توانیم بر ایران پیروز شویم. این کار غیرممکن است.» کدار اذعان می‌کند که ایران نه غزه است و نه حزب‌الله؛ بلکه یک حکومت مستقر با قدمتی پنجاه‌ساله، دارای وسعت و زیرساخت‌های گسترده است و از همین رو گزینه نظامی به تنهایی کارساز نخواهد بود.^۱

ما ملت ایران باید بدانیم که دشمنی رژیم جنایتکار صهیونی تنها با جمهوری اسلامی نیست و این رژیم دشمن ایران و ایرانی است و صرف نظر از وظیفه انسانی و اسلامی، از منظر منافع ملی نیز مقابله با آن رژیم تبه‌کار برای همه ایرانیان ضروری و واجب است.

چهارم) شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رژیم غاصب و خون‌خوار اسرائیل در سودای تسلط بر همه منطقه خاورمیانه است و نه مقابله با جمهوری اسلامی ایران.

الف) شعار اسرائیل بزرگ، از نیل تا فرات، یکی از شعارهای اساسی رژیم صهیونیستی است و بیانگر روحیه تجاوز و توسعه‌طلبی آن رژیم غاصب است. اگر جبهه مقاومت فلسطین و لبنان آن رژیم را در مرزهای خود خوانده و جعلی محصور نمی‌کرد، تاکنون بسیاری از کشورهای منطقه را اشغال کرده بود و ما باید برای حفظ امنیت و تمامیت سرزمینی خودمان با اسرائیل در مرزهای کشورمان و با هزینه‌هایی به مراتب بیشتر و سنگین‌تر مقابله می‌کردیم. هدف اساسی رژیم صهیونیستی ایجاد اسرائیل بزرگ از لحاظ اقتصادی و مالی است تا جایی که بتواند بر دیگر کشورهای منطقه حکمرانی کند. همین امروز این رژیم بخش‌هایی از کشور اردن و سوریه را در اشغال خود دارد. لبنان هم سالیانی در اشغال آن رژیم بود و با جهاد مقاومت حزب‌الله، مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد. رژیم متجاوز اسرائیل چونان حیوان درنده‌ای است که اگر رها شود، به تمام منطقه راهبردی غرب آسیا دست‌اندازی خواهد کرد.



ب) بیشتر رسانه‌های بزرگ جهان در اختیار رژیم صهیونی قرار دارد. این رسانه‌ها با حجم فراوانی از تبلیغات سیاسی، فکری، ضدفرهنگی و ترویج ابتذال به دنبال تخریب فرهنگ دینی و هویت ملی جوامع دیگر، به ویژه جامعه ایران هستند. فعالیت‌های شبانه‌روزی و پرهزینه شبکه‌های فارسی علیه کشور و مردم ایران، تنها گوشه‌ای از تلاش خبیثانه رژیم صهیونی در راستای دشمنی با ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی است. مسئله تنها جمهوری اسلامی و اسلام نیست؛ مسئله اصلی آن‌ها نابودی هویت اسلامی و ایرانی است.

ج) تلاش مستمر برای ایجاد ناامنی در کشور توسط گروهک‌های خودفروخته و همراهی و حمایت از گروهک‌های تجزیه طلب در شهرهای مرزی و خارج از مرزهای کشورمان، در کردستان عراق، آذربایجان و... همواره جزو برنامه‌های راهبردی رژیم غاصب بوده است که در بسیاری از موارد به کشته و زخمی شدن بسیاری از هم‌وطنانمان منجر شده است.

د) برگزاری هرساله جشن «پوریم» توسط صهیونیست‌ها، نمونه‌ای آشکار از دشمنی با ایران و ایرانی است. پوریم برگرفته از کلمه عبری «پور» به معنای قرعه، جشن موسوم به ایرانی‌کشی است. پایه داستانی این جشن در «تورات» است و در آن از «استر»، زنی یهودی، تحسین می‌شود که با خیانت به «خشایارشاه»، پادشاه ایرانی، سبب خشونت مرگ بار علیه مردم ایران می‌شود. در آن فاجعه خون بار هفتاد هزار نفر از ایرانیان، اعم از زنان و کودکان، با بی‌رحمی کشته می‌شوند و اموالشان به غارت می‌رود.

درحالی‌که بر اساس این روایت، ۲۶ قرن از قتل عام ایرانیان می‌گذرد، یهودیان همچنان نسل‌کشی ایرانیان را با پوشیدن لباس‌هایی مانند شخصیت‌های داستان و بازی کردن نقش جنایتکاران، جشن می‌گیرند.^۱



اکنون به وضوح روشن است که اسرائیل جنایتکار با همراهی و همکاری منافقان داخلی، در حال ضربه زدن به ایران است. در مقابل این منافقین داخلی باید چه کاری انجام دهیم؟

- ✓ شناسایی افراد خائن و خرابکار و معرفی آنان به دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی؛
- ✓ حساسیت و دقت نسبت به رفتارها و فعالیت‌های مشکوک در محیط اطراف خودمان و گزارش آن به نهادهای مربوط (مثلاً به شماره ۱۱۴)؛
- ✓ بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به شایعاتی که پیوسته در فضای مجازی، رسانه‌ها و شبکه‌های معاند و مزدوران داخلی منتشر می‌شود؛
- ✓ پیگیری اخبار از منابع معتبر داخلی مانند صداوسیما و خبرگزاری‌های رسمی و شناخته شده داخلی؛
- ✓ پرهیز از انتشار اخبار غیرموثق؛
- ✓ پرهیز از انتشار فیلم و عکس از مراکز نظامی و مراکز هدف قرار گرفته شده توسط دشمن؛
- ✓ حفظ وحدت و انسجام؛
- ✓ حفظ آرامش و خون سردی در برابر رویدادهای نگران‌کننده و تنش‌زا؛
- ✓ اعتماد به فرماندهان نظامی؛
- ✓ پرهیز از رفتارهای هیجانی مانند هجوم به مغازه‌ها، پمپ‌بنزین‌ها و ذخیره مواد غذایی و مانند آن بیش از نیاز معمول.

اکنون که کشور ما درگیر تجاوز اسرائیل و آمریکاست، کشورهای دوست

ما چه موضعی خواهند داشت؟

- همه کشورهای نزدیک به کشور ما اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در حمله به کشورمان را محکوم کرده‌اند و پاسخ دفاعی کشورمان را بر اساس قوانین بین‌المللی مشروع دانسته‌اند؛
- در برخی از کشورها، مانند یمن و پاکستان، مردم برای اعلام همبستگی با ایران و محکومیت رژیم صهیونیستی راهپیمایی کرده‌اند و نیز دولت یمن حمایت‌های عملی خود را تاکنون داشته است؛
- کشور عراق درباره نقض حریم هوایی خود توسط اسرائیل به سازمان ملل شکایت کرده است؛
- کتائب حزب‌الله عراق با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که در صورت ورود ایالات متحده به جنگ، نیروهای مقاومت به طور مستقیم منافع و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه را هدف قرار خواهند داد؛
- برخی از کشورها مانند روسیه و چین و... در تلاش‌اند از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی به ریزنی پردازند تا به تجاوزات اسرائیل پایان دهند؛
- دور از انتظار است که کشورهای نزدیک به ایران به صورت عملی وارد میدان شوند و در کنار ما با اسرائیل بجنگند؛ چراکه در این باره امکان گسترده شدن دامنه و ابعاد جنگ بسیار خواهد بود؛
- حداقل تلاش مورد انتظار از کشورهای نزدیک به ایران، همان ریزنی و تلاش در عرصه‌های بین‌المللی برای وادار کردن رژیم صهیونیستی به توقف تجاوزات و پایان دادن به جنگ و احقاق حقوق مردم ایران است.

حمله اسرائیل به کشور عزیزمان، ایران، آن هم در این مقطع زمانی، نه از روی جرئت و قدرت بلکه از روی خطای محاسباتی است. رژیم صهیونیستی در غزه به اهداف خود دست نیافت و در برابر حملات شجاعانه مبارزان یمنی و جلوگیری آنان از عبور کشتی‌هایی که به مقصد اسرائیل در حرکت بودند، درمانده شد. علاوه بر این، اختلافات و اعتراضات داخلی و فشار افکار عمومی جهان، رژیم غاصب را زیر فشار قرار داده است.

اسرائیل، به خیال خام خود، تصور می‌کند که می‌تواند به ایران ضربه اساسی وارد کند و جلوی پیشرفت کشور ما را بگیرد. همین موجب شد تا رژیم غاصب با بهانه تهدید آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران به ما حمله کند. نتانیاهو امید دارد که آمریکا و اروپا هم در این جنگ وارد شوند و نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند؛ غافل از آنکه رژیم با تجاوز به کشور ایران دچار اشتباه محاسباتی شده است؛ زیرا ایران، غزه و لبنان و سوریه نیست؛ کشوری مقتدر و پیشرفته و برخوردار از ملتی شجاع و سلحشور است که رژیم غاصب را به نابودی نزدیک خواهد کرد. مقام معظم رهبری حفظه الله در پیامشان خطاب به ملت ایران تصریح فرمودند: «رژیم خبیث و رذل صهیونی دچار خطا و غلطی بزرگ شد که عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح، به پشتیبانی آن‌ها، با قدرت عمل خواهند کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهند زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت... ملت و مسئولان ایران پشتیبان نیروهای مسلح هستند و جمهوری اسلامی به اذن الهی بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد آمد.»^۱

وقتی ایران توانش را داشت، چرا در «وعدۀ صادق ۲» اسرائیل را با خاک یکسان نکرد؟

جمهوری اسلامی ایران در عملیات «وعدۀ صادق ۲» مطابق قوانین بین‌المللی و متناسب با شرارت رژیم صهیونی پاسخ داد. اگر کشور ما در عملیات «وعدۀ صادق ۲» به صورت گسترده عمل می‌کرد، افکار عمومی جهان که در آن مقطع، ایران را برای پاسخ تلافی‌جویانه به اسرائیل مُحق می‌دانست، به دلیل نادیده گرفتن سطح تقابل و افزایش دامنۀ تنش و درگیری، ایران را مقصر تلقی می‌کرد و چهرۀ اخلاقی و قانونی ایران در عرصۀ بین‌المللی خدشه‌دار می‌شد. علاوه بر این، در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ممکن بود ذهنیتی شکل بگیرد که ما از ابزار دیپلماسی و مذاکره استفاده نکردیم و به دنبال تنش در جهان هستیم! بنابراین عملیات محدود و درخور «وعدۀ صادق ۲» در پاسخ به تعرض محدود اسرائیل به خاک ایران و به شهادت رساندن اسماعیل هنیه، به عنوان مهمان رسمی جمهوری اسلامی بود؛ اما این تجاوزی که رژیم صهیونی انجام داده است، یک تجاوز گسترده و ددمشانه‌ای است و پاسخ ایران هم متناسب با تجاوز دشمن، گسترده خواهد بود.

این جنگ به خاطر رفتارهای تنش‌زای جمهوری اسلامی افتاد!

اگر جمهوری اسلامی از در سازش و صلح وارد شده بود، اسرائیل

به ما حمله نمی‌کرد!

این سخن یکی از مهم‌ترین سرخط‌های جنگ شناختی و تبلیغاتی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی است. آن‌ها می‌خواهند خود را بر حق و ایران را عامل تنش و ناامنی معرفی کنند تا اولاً هرگونه اقدام غیرقانونی و غیراخلاقی خود را توجیه کنند، و ثانیاً مردم ایران را علیه حاکمیت بشورانند، و ثالثاً هرگونه فعالیت دفاعی جمهوری اسلامی را غیرقانونی و نامعتبر کنند. درحالی‌که اولین پرسش در نقد این مغالطۀ آن‌ها این است که مگر جمهوری اسلامی تاکنون چه کرده است!

آیا جمهوری اسلامی به کشور دیگری حمله کرده است؟! آیا قوانین بین‌المللی را نقض کرده است؟! جز اینکه نمی‌خواهد نوکر و برده آمریکا باشد. جمهوری اسلامی می‌خواهد طبق همین قوانین نا‌عادلانه بین‌المللی، از حق داشتن انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار باشد. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد ظلم تاریخی اسرائیل به مردم مظلوم فلسطین را تأیید کند. ملت ایران در راستای وظیفه انسانی و اسلامی خود، از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در برابر رژیم متجاوز و غاصب صهیونی حمایت می‌کند. با کدام منطق انسانی می‌توان پذیرفت که در مقابل جنایات رژیم صهیونیستی سکوت کنیم؟!

جمهوری اسلامی می‌خواهد با عزت و با اقتدار باشد و با دیگر کشورها رابطه عادلانه متقابل داشته باشد. حرف جمهوری اسلامی این است که همه مردم دنیا باید در صلح و آرامش و عدالت زندگی کنند و هرگونه زورگویی، سلطه‌طلبی، ظلم، تجاوز و غصب سرزمینی، ممنوع و محکوم است. کجای این منطق اشکال دارد؟!

البته آمریکایی‌ها خود را کدخدای جهان می‌دانند و می‌خواهند همه ملت‌های جهان برده و بنده آنان باشند. به همین علت با جمهوری اسلامی دشمنی دارند و تا جمهوری اسلامی بر مواضع حق طلبانه خود استوار ایستاده، هرگز از دشمنی خود با ملت ایران دست بر نخواهند داشت.

بسیار عجیب است که معلولان و مجروحان جنگ شناختی دشمن، به جای محکوم کردن جنایات آمریکا و اسرائیل علیه ملت‌های دیگر و عیله ملت خودشان، همواره جمهوری اسلامی را به خاطر کوتاه نیامدن در برابر استکبار آمریکایی سرزنش می‌کنند. چقدر این نگاه نادرست و ناحقی است!

ما از لحاظ اقتصادی و معیشتی و شغلی، امنیتی نداریم؛ پس امنیت
جانی هم نداشته باشیم، مهم نیست. وقتی حکومت امنیت من را در این
زمینه‌ها فراهم نکرده، حافظان امنیت جانی هم برای من اهمیتی ندارند!

اول) متأسفانه این‌گونه افکار منفی و مسموم، ناشی از تأثیرپذیری از جنگ شناختی دشمن است. دشمن سال‌هاست که با تبلیغات پرحجم و سنگین خود به دنبال بدبینی، بی‌اعتمادی و ناامیدی مردم ایران از کشور و نظام و آینده است. اینکه در کشور ما مشکلات زیادی وجود دارد، قابل انکار نیست؛ اما در کنار کاستی‌ها و مشکلات، پیشرفت‌ها و موفقیت‌های بزرگی هم داشته‌ایم و باید با تکیه بر اراده و تلاش و خلاقیت خودمان، کشور را بسازیم و مشکلات را حل کنیم.

رسانه‌های دشمن پیوسته در حال تصویرسازی منفی و ناامیدکننده از ایران و جمهوری اسلامی و تصویرسازی مثبت و رؤیایی از کشورهای غربی و کشورهای برده آمریکا هستند تا مردم ایران را از ایران و ایرانی بودن متنفر کنند و حس تحقیرشدگی را در اعماق شخصیت آنان پرورش دهند؛ درحالی‌که نه ایران آن‌گونه که این رسانه‌های پلید به تصویر می‌کشند، عقب مانده و ویران است و نه کشورهای غربی آن‌گونه آباد و آزاد است.

دوم) امنیت جانی مهم‌ترین زمینه و عامل ایجاد دیگر امنیت‌هاست. اگر امنیت جانی نباشد، هیچ امنیت دیگری وجود نخواهد داشت. حافظان امنیت جانی که با جان خود از امنیت جانی ما دفاع می‌کنند، بهترین دوستان و خیرخواهان ما هستند. دشمنان می‌خواهند ما را به سربازان میهن بدبین کنند تا ملت پشت سربازان خود را خالی کند؛ آنگاه آنان با خیال راحت، میهن ما را نابود کنند و همه زیرساخت‌های پیشرفت و آبادانی کشور را از بین ببرند. اگر خدای ناکرده دشمن به اهداف خود برسد، ایران تا چندصد سال از جا برنمی‌خیزد و نسل‌های آینده ما در بدبختی مطلق به سر خواهند برد.



جمهوری اسلامی ناکارآمد شده و مردم هم ناراضی هستند. بخشی از مردم حاضرند کشور را به اسرائیل بدهند. می‌گویند اگر آن‌ها ما را رهبری کنند، در رفاه بیشتری خواهیم بود!

الف) هیچ ایرانی باغیرت و باوجدانی حاضر نیست به خاطر برخی مشکلات، کشورش را در اختیار دشمنانش، آن هم رژیم پلیدی چون اسرائیل قرار دهد. ملت ایران چندصد سال است که برای رسیدن به استقلال و آزادی و عزت مبارزه کرده و در این راه خون‌های بسیاری ریخته شده است. بر فرض که بیگانه بخواهد و بتواند رفاه بیشتری برای ما بیاورد، کدام انسان باشرافی حاضر می‌شود برای رفاه بیشتر، عزت و استقلال و آزادی و آقایی خود را به اجنبی بفروشد؟! کدام کشوری را سراغ داریم که استقلالش را به بیگانگان فروخته و آباد شده است؟!

ب) اگر آمریکا و اسرائیل می‌توانستند رفاهی برای ما بیاورند، برای مردم کشور خودشان فراهم می‌کردند و هر سال با این همه بی‌خانمان و بیکار و فقیر مواجه نبودند! رژیم اسرائیل اگر می‌توانست رفاه ایجاد کند، خودش با مشکلات اقتصادی فراوان و اعتراضات عمومی مواجه نبود!

ج) جمهوری اسلامی ایران یک نظام دینی و مردمی است. ماهیت نظام جمهوری اسلامی، حکومت دین و ارزش‌های اسلامی است، نه یک حکومت تحمیلی. آنچه در جمهوری اسلامی ملاک و معیار اساسی برای حکمرانی است، حاکمیت دین و اصول ارزش‌های اسلامی است که خواست مردم این سرزمین است. از ابتدای شکل‌گیری جمهوری اسلامی تا کنون، اکثر مسئولان کشور، از رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرفته تا نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای اسلامی شهر و روستا، منتخب مردم هستند و مردم در انتخاب مدیریت کلان اجرایی کشور، بی‌واسطه یا باواسطه، نقش اساسی دارند و اداره امور مطابق آرای عمومی مردم انجام می‌گیرد.

د) کارآمدی و ناکارآمدی دارای ابعاد و درجه‌بندی است. در تاریخ حکومت‌های بشری، هیچ حکومتی کارآمدی کامل و مطلق و همه‌جانبه نداشته است. اکنون نیز



حکومت‌ها دارای درجاتی از کارآمدی هستند. جمهوری اسلامی در برخی حوزه‌ها دارای کارآمدی مطلوب و در برخی حوزه‌ها، درجاتی از ناکارآمدی را دارد. آنچه مهم است شناخت ریشه‌ها و عوامل ناکارآمدی است. بخشی از ناکارآمدی‌ها ناشی از تحریم و فشار خارجی است. وقتی دشمنان ما اجازه نمی‌دهند به سهولت تجارت کنیم و فناوری‌ها و مواد مورد نیاز خود را وارد کنیم، طبیعی است که با برخی کمبودها و محدودیت‌ها مواجه می‌شویم.

عامل دیگر، عقب‌ماندگی تاریخی کشور است. کشور ما قرن‌ها تحت حکومت حاکمان خودکامه و عیاش یا تحت سلطه اشغالگران مغولی، تیموری، اسکندر مقدونی و دیگر اشغالگران بوده است. از اواسط دوره قاجار به این سو، اگرچه حکومت‌ها ایرانی بودند، اما معمولاً دست‌نشانده و نوکر اجنبی بودند و برای پیشرفت کشور تلاش نمی‌کردند.

عامل سوم فرهنگ عمومی است. پیشرفت علمی و فنی و مانند آن در هر کشوری متوقف بر تلاش ملی و همکاری جمعی است. در جامعه‌ای که فرهنگ عمومی بر محور کار و تلاش خستگی‌ناپذیر نگردد، پیشرفت و آبادانی هم اتفاق نمی‌افتد. هرچه مردم به کار و تلاش، کسب علم و مهارت، روحیه همکاری، خلاقیت، پرهیز از اسراف منابع و... اهتمام بیشتری بورزند، به صورت طبیعی، از رشد و شکوفایی بیشتری برخوردار خواهند بود.



عامل مهم دیگر که در رفاه و آبادانی نقش دارد، انتخاب سیاستمداران شایسته است. متأسفانه بخشی از مردم در انتخاب خود به شایستگی‌های علمی و عملی افرادِ داوطلب برای تصدی امور توجه نمی‌کنند. به همین سبب گاهی افرادی از سوی مردم برای برخی مسئولیت‌ها انتخاب می‌شوند که از صلاحیت‌های کافی برای انجام وظایف خود برخوردار نیستند. طبیعی است که انتخاب افراد فاقد صلاحیت کافی موجب توقف پیشرفت و حتی عقب‌افتادگی کشور خواهد شد. وجود مشکلات به ویژه مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور، قابل انکار نیست؛ اما در کنارش پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگی نیز در حوزه‌های مختلف علمی و

فنی، در پزشکی، سلول‌های بنیادی، نانو، هوافضا، هسته‌ای و نظامی داشته‌ایم. نمی‌توان به استناد به مشکلات و کمبودها، دستاوردهای کشور را نادیده گرفت و نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه داد. هیچ فکر کرده‌اید که اگر نظام اسلامی ناکارآمد است، چرا این همه هزینه‌های مادی و انسانی از سوی دشمنان برای مقابله و براندازی آن صورت می‌گیرد؟!

در زمان جنگ و خطر حملات دشمن، برای کنترل تشویش و ترس مردم چه باید کرد؟

در مواقع جنگ طبیعی است که سطح تنش و اضطراب عمومی بالا می‌رود و بسیاری از افراد در معرض آسیب‌های روانی قرار می‌گیرند. علاوه بر دستگاه‌ها و سازمان‌های حکومتی، همه شهروندان نیز باید برای مراقبت از سلامت جسمی و روانی خود اقداماتی را انجام دهند. در ادامه به برخی از توصیه‌های مفید و ضروری اشاره می‌شود:

- ✓ برای کسب اطلاعات لازم درباره حوادث، به منابع معتبر داخلی، مانند صداوسیما، جمهوری اسلامی مراجعه کنیم و از مراجعه به شبکه‌های خارجی یا پرسه زدن در برخی از شبکه‌های اجتماعی نامعتبر پرهیزیم؛
- ✓ تلاش کنیم روال عادی زندگی را حفظ کنیم و تغییرات زیادی در امور روزانه ایجاد نکنیم؛
- ✓ از تقویت آرامش و روحیه پایداری، صبر و استقامت در میان اعضای خانواده و اطرافیان غفلت نورزیم؛
- ✓ دعا و توجه به ذات باری تعالی و استمداد از پروردگار، بهترین وسیله برای آرامش و امنیت خاطر است. بنابراین تلاش کنیم در این ایام با خواندن نماز، تلاوت قرآن و دعا به خداوند نزدیک‌تر شویم و از او آرامش بگیریم؛
- ✓ از صحبت کردن با افراد بدبین و منفی‌نگر و شایعه‌پراکن خودداری کنیم.

برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها می‌گویند سیاست‌های ایران که برآمده از مبانی اسلامی است، باعث این جنگ شده است و اگر کاری به کار اسرائیل و آمریکا نداشتیم، این اتفاق نمی‌افتاد. پاسخ چیست؟

الف) دین اسلام همه انسان‌ها را به زندگی مسالمت‌آمیز بر پایه ارزش‌های الهی و اخلاقی دعوت کرده است. اسلام منادی تعامل اهل همه ادیان، بر پایه مشترکات دینی و اخلاقی است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۱ «بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است: جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتایش قرار ندهیم و بعضی از ما بعض دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد. و هرگاه از این دعوت سر باززنند، بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم.»

اسلام دین منطق و عقلانیت است و همه را به پیروی از سخنان شایسته و منطقی فرامی‌خواند: ﴿... فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۲ «پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترینش پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و آنان خردمندان‌اند.»

درعین حال، ارزش‌های اخلاقی اسلام به ما می‌آموزد که باید در برابر کسانی که حاضر به پذیرش منطق نیستند و به دنبال ظلم و تعدی به دیگران و تحمیل خواسته‌های ناحق خود هستند، ایستاد و اجازه نداد که حقوق ما را نادیده بگیرند.

منطق اسلام این است که نه ظلم کن و نه زیر بار ظلم برو: ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^۳ «نه ستم کنید و نه ستم ببینید.» امیرالمؤمنین به فرزندان خود علیه السلام فرمودند: «كُنَّا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ همواره خصم ظالم و یار و یاور مظلوم باشید.»

۱. آل عمران، ۶۴.

۲. زمر، ۱۸.

۳. بقره، ۲۷۹.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

اسلام منادی صلح و دوستی میان انسان‌هاست و الهام‌بخش تعلیمی است که روابط مسالمت‌آمیز انسان‌ها را تضمین می‌کند. اسلام به ما یاد داده که در برابر کسانی که به حریم انسان‌ها تعرض می‌کنند و صلح میان انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازند و در برابر تعلیم اسلامی و اخلاق انسانی به مقابله برمی‌خیزند، بایستیم و از حقوق خود دفاع کنیم. دفاع در برابر متجاوز، پیش از آنکه حکمی اسلامی باشد، اصلی فطری و عقلانی است.

حال پرسش این است که آیا دستور اسلام بر پایه عقل و فطرت در ایستادگی در برابر ستمگران و متجاوزان به حقوق انسان‌ها، باعث جنگ است یا تجاوزطلبی و سلطه‌جویی دشمنانی که همواره در حال تعدی و تجاوز به حقوق دیگران انسان‌ها هستند؟!

ب) معنای این سخن که کاری با آمریکا و اسرائیل نداشته باشیم، چیست؟ آیا معنایش آن است که از ظلم‌ها و جنایت‌ها و سلطه‌جویی‌های آنان چشم‌پوشی کنیم؟! آیا کشتن شصت هزار انسان بی‌گناه، از زن و کودک و پیر و جوان را نادیده بگیریم؟! آیا با نادیده گرفتن استقلال و عزت ملی خود به خواسته‌های سیری ناپذیر و تحقیرآمیز آنان تن دهیم؟! نه وجدان و شرافت انسانی ما و نه دین ما، به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد! ما پیرو مکتب امام حسینی هستیم که تن دادن به ظلم و ذلت را نمی‌پذیرد!

ج) برخی خام‌اندیشانه می‌پندارند که اگر ما با آمریکا و اسرائیل کاری نداشته باشیم، آن‌ها نیز کاری به کار ما نخواهند داشت! این تصور نادرست است؛ زیرا علاوه بر قرآن کریم،^۱ تجربه تاریخی به ما آموخته است که این قدرت‌های پلید شیطانی تا زمانی که از استقلال و عزت و دین خود چشم‌پوشی نکنیم و مطیع آنان نباشیم، ما را رها نخواهند کرد.

امام خمینی رحمته الله عمق کینه و دشمنی آمریکا نسبت به ملت ایران را این‌گونه تبیین فرمودند: «نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست

۱. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»؛ «آن‌ها هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه به طور کامل تسلیم خواسته‌های آن‌ها و پیرو آیینشان شوی!» (بقره، ۱۲۰).



خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟! به یقین آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفتهٔ قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند... آری، اگر ملت ایران از همهٔ اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانهٔ عزت و اعتبار پیامبر ﷺ و ائمهٔ معصومین (علیهم‌السلام) را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آن‌ها آقا باشند، ما نوکر؛ آن‌ها ابرقدرت باشند، ما ضعیف؛ آن‌ها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آن‌ها؛ نه یک ایران با هویت اسلامی.^۱

د) در جریان پروندهٔ هسته‌ای دیدیم که با وجود آنکه خودشان دارای سلاح هسته‌ای هستند و با وجود همهٔ تضمین‌ها و همکاری‌ها با آژانس انرژی هسته‌ای، اجازهٔ غنی‌سازی زیر ۳/۵ درصد برای مصارف کاملاً صلح‌آمیز هم به ما نمی‌دهند! حال با کدام منطق باید از حق طبیعی و قانونی خود چشم‌پوشیم؟!

آمریکایی‌ها حتی روزگاری که حکومت وابسته به آنان در ایران بر سر کار بود، با تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون، زیاده‌خواهی و خوی سلطه‌جویانهٔ خود را آشکار کردند و نشان دادند که برای عزت و استقلال مردم ایران ارزشی قائل نیستند. کوپلر یانگ، استاد دانشگاه پرینستون آمریکا، معتقد است: «کاپیتولاسیون اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین به عنوان نشانهٔ فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد. با این همه، ما برای اجرای آن پافشاری کردیم.»^۲

گناه جمهوری اسلامی از نظر آمریکا، قرار گرفتن در منطقهٔ پراهمیت و راهبردی خاورمیانه (عمده‌ترین مرکز انرژی جهان) و برخورداری از منابع سرشاری است که همواره عامل اصلی دست‌اندازی به حقوق و ثروت ملت ایران بوده است. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکایی‌ها حاکمان بدون رقیب منطقهٔ خاورمیانه

۱. صحیفهٔ نور، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. بیل، جیمز، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمهٔ مهوش غلامی، تهران، کوبه، ۱۳۷۱، ص ۲۵۸.

بودند و ایران به عنوان مهم‌ترین و قوی‌ترین متحد استراتژیک آمریکا و در واقع، حافظ منافع آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌شد. پیروزی انقلاب اسلامی منافع نامشروع غرب، به ویژه آمریکا، را در منطقه استراتژیک خاورمیانه با خطر جدی روبه‌رو کرد و دست پلیدشان را برای همیشه از این منابع کوتاه کرد و همین واقعیت مهم یکی از عوامل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی و ملت ایران شد. برژینسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، می‌گوید: «تجدید حیات اسلام بنیادگرا در سراسر منطقه با سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران [امام] خمینی علیه السلام یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرد...»^۱

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره علت اصلی دشمنی آمریکا با ملت ایران فرمودند: «بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم، ما دائماً انگشت در چشم این‌ها کرده‌ایم؛ این‌ها از این جهت با ما دشمنی می‌کنند! نه! این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است. ما شروع‌کننده نبوده‌ایم... آن‌ها شروع کردند. آن‌ها از همان اول شروع کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران. شروع‌کننده آن‌ها بودند... بحث این نیست که ما با آن‌ها دشمنی و ستیزه‌گری کردیم! مثلاً فرض بفرمایید کانادا روابطش را با ما قطع کرد. ما با کانادا دشمنی کرده بودیم؟! ستیزه‌گری کرده بودیم؟! قضیه این نیست؛ قضیه چیز دیگری است. ما خودمان را نباید فریب بدهیم و بگوییم «آقا، ما دشمنی نکنیم تا آن‌ها دشمنی نکنند!» نه! انگیزه‌های دیگری وجود دارد، مسائل دیگری پشت پرده است.»^۲

۱. داودی، محسن، ستیز غرب با آنچه بنیادگرایی اسلامی می‌نامد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۸۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۳/۲۵.

به علت گرانی و مشکلات معیشتی، این بار ممکن است مردم پشت نظام نایستند. تحلیل شما چیست؟

برخلاف تصویری که رسانه‌های دشمن ایجاد کرده‌اند، مردم شجاع و وفادار ایران همواره نشان داده‌اند که هر قدر هم از مشکلات ناراحت باشند و گلایه داشته باشند، هرگز پشت نظامی را که حافظ ایران است، خالی نخواهند کرد. ما در برهه‌های مختلف و با وجود تلاش‌های خبیثانه دشمنان و بدخواهان و جنگ رسانه‌ای و عملیات روانی دشمن، شاهد پشتیبانی مردم از نظام بوده‌ایم. گرانی و مشکلات اقتصادی و معیشتی یک مسئله داخلی است و ملت ایران این را به خوبی درک می‌کند که نباید مسائل داخلی را با تجاوز دشمن خارجی به کشور مخلوط کند. تجربه تاریخی نشان داده که مردم ایران همواره در برابر تجاوز خارجی، متحد بوده‌اند و یک صدا و یک دست در برابر متجاوز ایستاده‌اند. مردم ایران به خوبی می‌دانند که حمایت از جمهوری اسلامی در برابر تجاوز اسرائیل پلید، در حقیقت حمایت از استقلال و تمامیت سرزمینی و منافع و امنیت ایران است، نه صرفاً حمایت از یک نظام سیاسی.

اینکه مردم ایران دست از حمایت جمهوری اسلامی بردارند، رؤیای بی‌تعبیری است که عده‌ای خوش خیال و مزدور در ذهن برخی از مردم ما وارد کرده‌اند؛ غافل از آنکه مردم ایران پیرو مکتب امامی هستند که تمام هستی خود را در راه دین خدا فدا کرد و تن به ذلت نداد. ملت ما عاشورایی و ملت امام حسین (علیه السلام) است و اهل کوفه نیست و رهبر خود را در برابر دشمنان تنها نخواهد گذاشت.

ملت غیور ایران نسبت به سرزمین خود غیرت و تعصب دارد و هرگز به خاطر مسائل داخلی، آن را به دست اجنبی نمی‌دهد. ملت ایران در طول تاریخ خود، از دشمن اجنبی زخم‌های فراوان خورده و به یقین می‌داند که هیچ دشمن متجاوزی برای ملت مورد تجاوز، صلح، آبادانی، عزت، رفاه و آزادی نیاورده است! ملت ایران به خوبی می‌داند که حتی بی‌تفاوتی در برابر تجاوز دشمن، جز ذلت و بدبختی و ویرانی و بردگی و نابودی عزت و شرف و ناموس کشور، نتیجه‌ای نخواهد داشت!



چرا در دفاع از کشور و دفع هجوم اسرائیل آن قدر صبر کردیم تا فرماندهان و دانشمندانمان را شهید کنند؟

اول) به نظر می‌رسد این تحلیل که اگر ما عملیات وعده صادق ۲ و ۳ را زودتر انجام می‌دادیم، رژیم صهیونیستی به کشور ما حمله نمی‌کرد یا فلان اتفاق نمی‌افتاد یا فرماندهان ما به شهادت نمی‌رسیدند، تحلیلی کامل نیست. چنین تحلیل‌هایی بیش از هر چیز ناشی از توجه نکردن به ماهیت پلید و جنایتکار رژیم صهیونیستی و شرایطی است که اکنون در آن قرار داریم. همان‌گونه که برخی از مقامات رژیم غاصب به آن اذعان کرده‌اند، رژیم صهیونیستی اکنون در میانه جنگی «وجودی» و به عبارت دیگر در میانه «مرگ و زندگی» قرار گرفته و به همین سبب خطر درگیری با ایران را پذیرفته است. یقیناً رژیم صهیونی از توان نظامی و دفاعی ایران خبر دارد و از پیامدهای حمله خود آگاه است؛ اما با هدف کشاندن آمریکا و دیگر کشورهای غربی و عربی به جنگ با ایران و به خیال خام خود، یک سره کردن کار جمهوری اسلامی، به این قمار بزرگ و نافرجام و حماقت آمیز دست زده است.

دوم) تا پیش از حمله اخیر رژیم صهیونیستی به کشور، به سبب اینکه حملات اسرائیل غالباً محدود و موقت بود، ما هم نمی‌توانستیم به صورت گسترده علیه آن رژیم، اقدامی تلافی جویانه انجام دهیم؛ چراکه حمله گسترده ما در مقاطع پیشین می‌توانست توسط کشورهای دیگر محکوم و به جنگ طلبی ما تفسیر شود؛ اما در شرایط حاضر اکثر کشورهای جهان و افکار عمومی دنیا به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران اکنون طبق قوانین بین‌المللی و در پاسخ به جنایت‌های پی‌درپی رژیم غاصب در حال دفاع از خود است و هرگونه هجوم و حمله علیه اهداف اسرائیلی، از مشروعیت حقوقی و اخلاقی بین‌المللی برخوردار است. اکنون بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهای منطقه، حمله اسرائیل به کشورمان را محکوم و بر لزوم توقف جنگ از طرف اسرائیل تأکید کرده‌اند. با آنکه به خوبی می‌دانیم اکثر دولت‌های سیاسی جهان تحت فشار و سلطه آمریکا هستند، اما تاکنون به جز چند کشور خائن و منافق اروپایی، بسیاری از کشورها، دست‌کم در برابر این موضوع سکوت کرده و از رژیم صهیونیستی دفاع نکرده‌اند.



سوم) اگرچه رژیم صهیونیستی همواره دشمن جنگی امت اسلامی بوده و از این رو به لحاظ شرعی و اخلاقی، هرگونه ضربه زدن به آن رژیم نه تنها مشروع بلکه بر همه مسلمانان واجب است، اما از لحاظ تدابیر سیاسی و حقوقی، دست کشورها برای حمله به آن باز نیست. با توجه به نفوذ گسترده و نیرومند آمریکا و لابی صهیونیسم در نهادهای بین المللی و تسلط اقتصادی و سیاسی و نظامی بر دیگر کشورها، حمله پیش دستانه ما به اسرائیل می توانست اجماع جهانی گسترده ای علیه کشورمان ایجاد کند و هرگونه هجوم و جنگ علیه ما را موجه سازد. یکی از راهبردهای اصلی رژیم صهیونیستی برای تداوم جنایات و ظلم های خود علیه ملت فلسطین و دیگر ملت های منطقه، مظلوم نمایی بوده است. جنایات خون بار و ددمنشانه آن رژیم پس از «طوفان الأقصى» تا حد زیادی این راهبرد را خنثی و بی اثر کرد و افکار عمومی جهان و حتی نهادهای حقوقی بین المللی را به واکنش سران جنایتکار آن رژیم واداشت. در چنین شرایطی، حمله پیش دستانه یا هجوم گسترده نظامی جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل می توانست بهانه را به دست آن رژیم و حامیانش بدهد تا همچنان خود را در موقعیت مظلوم نمایی قرار دهند و جنایات خود را موجه سازند.

چهارم) بدون شک، از دست دادن فرماندهان دلاور و سرافرازی مانند حاجی زاده، سلامی، رشید، زاهدی و... و دانشمندان بزرگی مانند طهرانچی، فقیهی، عباسی و... خسارتی بزرگ برای کشور ماست و از این بابت غرق در خشم و اندوهیم؛ اما باید بپذیریم که در میانه یک جنگ نابرابر قرار داریم و هر جنگی خسارت های مادی و انسانی قابل توجهی دارد. لیکن باید توجه کنیم که اولاً آن فرماندهان شجاع و دلاور و آن دانشمندان بزرگ و گران قدر صدها فرمانده غیور و دلاور و دانشمند بزرگ و ارجمند مانند خودشان پرورش داده و برای دفاع از کشور آماده کرده اند و شهادت آن عزیزان هرگز موجب تضعیف جبهه؛ حق نخواهد شد؛ ثانیاً شهادت آنان دلیل و نمادی از مظلومیت و حقانیت ماست. امروز همه مردم دنیا به خاطر جنایات رژیم صهیونیستی در ترور دانشمندان هسته ای، باور دارند که جمهوری اسلامی در موضع مظلومیت قرار دارد و رژیم غاصب صهیونی جز شرارت و جنایت اقدام دیگری انجام نمی دهد؛ ثالثاً ترور آن عزیزان در خاک میهن، بهترین دلیل و مستند



ما برای حمله تلافی جویانه به اسرائیل و تنبیه آن رژیم خون خوار است. ان شاء الله با پامردی و استقامت ملت رشید ایران، مقدمات محو کامل باند تبهکار صهیونی از صفحه روزگار فراهم خواهد شد و به زودی انتقام فرماندهان غیور و دانشمندان مخلصمان را از جنایت پیشگان صهیونیست خواهیم گرفت.

با وجود جنایت اسرائیل در حمله به خاک کشورمان در اواخر سال ۱۴۰۳ چرا مقام معظم رهبری رحمته الله اجازه اجرای «وعده صادق ۳» را ندادند، تا رژیم اسرائیل تنبیه شود و از حمله مجدد به ایران منصرف شود؟

این گونه تحلیل ها و تردیدها معمولاً ناشی از بی اطلاعی از فرایند تصمیم سازی ها و تصمیم گیری های کلان در کشور است. نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی مردم سالار و مبتنی بر تصمیم گیری خرد جمعی است. درست است که فرمان نهایی جنگ یا صلح را رهبری صادر می کنند، اما تصمیم سازی و تصمیم گیری ها باید ابتدا در شورای عالی امنیت ملی و دیگر شوراها انجام شود. از این رو تصمیم گیری درباره اجرا یا عدم اجرای عملیات «وعده صادق ۳» بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و رهبری تنها می تواند تصمیم آن شورا را تأیید یا رد کند. بر طبق قانون اساسی، رهبری نمی تواند مستقیم در تصمیم گیری های مسئولان ورود کنند. به همین سبب، مسئولان کشور در شورای عالی امنیت ملی با محاسبه شرایط و مسائل مختلف تصمیم گرفتند عملیات «وعده صادق ۲» انجام شود ولی «وعده صادق ۳» به تأخیر بیفتد. اکنون روشن است که انجام عملیات «وعده صادق ۳» که طبیعتاً می بایست محدود و موقت انجام می شد، نمی توانست موجب تأذیب و تنبیه رژیم غاصب شود. به نظر می رسد تأخیر در انجام عملیات «وعده صادق ۳» چند دستاورد داشته است:



اولاً موجب شد جمهوری اسلامی خود را برای حملات بزرگ‌تر آماده و نقاط ضعف دفاعی خود را اصلاح کند؛

ثانیاً به رژیم صهیونی جرئتی احمقانه داد تا لقمه‌ای بزرگ‌تر از دهانش بردارد و خود را وارد جنگی بزرگ‌تر کند که یقیناً برنده آن نخواهد بود؛

ثالثاً موضع صلح طلبانه جمهوری اسلامی را در دنیا پررنگ‌تر کرد. امروز همه دنیا اذعان دارند که جمهوری اسلامی جنگ طلب نیست و این رژیم صهیونی است که به دنبال توسعه طلبی و جنگ و خون‌ریزی است.

مقام معظم رهبری علیه السلام با اشاره به برخی تحلیل‌ها و انتقادهای درباره زمان اجرای عملیات «وعده صادق ۲» فرمودند: «اینکه گفته شود چرا عملیات در فلان وقت انجام نشد و اگر می‌شد از فلان حادثه جلوگیری می‌کرد، صحیح نیست؛ چراکه عشق و دل‌بستگی متصدیان این امور به انقلاب، کمتر از من و شما نیست و نمی‌توان آن‌ها را متهم کرد. آن‌ها با محاسبه عمل می‌کنند و اگر شما هم جای آن‌ها بودید، همین کار را می‌کردید. بنابراین با پرهیز از متهم کردن دیگران، احتمال بدهید که در تصمیم‌گیری‌ها محاسبه درستی در جریان است. نقد اشکالی ندارد؛ اما نقد متفاوت از تهمت است. مطرح کردن سؤال و ابهام اشکالی ندارد؛ به نحوی که فرصت جواب دادن نیز ایجاد شود. البته گاهی پاسخ به برخی سؤالات ممکن نیست، که در این موارد، حتی ابهام را نیز مطرح نکنید و فرضیات احتمالی را مسلّم نپندارید.»^۱

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار هزاران نفر از دانشجویان سراسر کشور، ۱۴۰۳/۱۲/۲۲.



طبق تصریح مقامات نظامی و سیاسی، ایران از لحاظ کمیت و کیفیت تجهیزات نظامی در شرایطی است که می‌تواند برای سال‌ها مقاومت کند! پس چرا با یک حمله ضربتی و شلیک هزاران موشک، کار رژیم صهیونی را یک‌سره نمی‌کنیم؟

امروز بحمدالله با تلاش و مجاهدت و خلاقیت دانشمندان دفاعی کشور و حمایت همه جانبه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله یکی از قدرت‌های نظامی و دفاعی برتر منطقه هستیم و از لحاظ کمیت و کیفیت تجهیزات نظامی در وضعیت مطلوبی قرار داریم؛ اما این واقعیت دلیلی کافی برای ورود بدون محاسبه و تدبیر در جنگ نیست. جنگ و دفاع، همچون دیگر امور زندگی، اقتضائات و الزاماتی دارد که توجه به آن برای کاستن از خسارت‌های مادی و انسانی و معنوی، و رسیدن به پیروزی ضروری است. در ادامه به برخی از ملاحظات ضروری برای مدیریت جنگ و تبدیل آن به جنگ فرسایشی، که نقطه ضعف دشمن صهیونیستی است، اشاره می‌شود:

الف) با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی در حملات اولیه، بیشتر بر ترورهای هدفمند و حمله به تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی کشور متمرکز بود، اگر نیروهای نظامی ما از همان ابتدا در سطح گسترده‌ای به مناطق غیرنظامی و زیرساخت‌های رژیم مانند پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های برق و آب حمله می‌کردند، اولاً رژیم صهیونیستی برای حمله گسترده به تأسیسات زیربنایی و افراد غیرنظامی بهانه پیدا می‌کرد، ثانیاً افکار عمومی جهان که از ابتدا به سود ایران و علیه رژیم صهیونیستی است و آن رژیم را به عنوان آغازگر حمله محکوم می‌کند، سریع کشور ما را به دلیل نادیده گرفتن سطح تقابل و افزایش دامنه تنش، مقصر معرفی می‌کرد و این فرصتی مناسب برای رژیم غاصب بود که از فشار افکار عمومی جهان به سود خود استفاده کند و همه کشورهای غربی را با خود همراه کند. بنابراین راهبرد نظامی کنونی جمهوری اسلامی، حفظ اصول اخلاقی و رعایت تناسب در حملات متقابل است.

ب) ممکن است جنگ تا هفته‌ها و ماه‌ها ادامه داشته باشد و از این رو نیروهای مسلح باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که با کمترین میزان از تسلیحات، بیشترین

و با کیفیت‌ترین ضربه‌ها را به دشمن وارد کنند و ذخیره تسلیحاتی کشور را برای ماه‌های آینده حفظ کنند. اکنون چون به روشنی مشخص نیست که سناریوهای بعدی دشمن چیست، هوشیاری و تدبیر لازم است.

ج) به نظر می‌رسد که اسرائیل تنها تا دوازده روز دیگر قادر به سرنگونی موشک‌های بالستیک ایران است و پس از آن مجبور به جیره‌بندی مهمات خواهد شد. این امر می‌تواند توضیح دهد که چرا ایران تصمیم گرفته تا حملات خود را پی در پی اما کوچک انجام دهد. ایران احتمالاً از برخی موشک‌های قدیمی یا کمتر پیشرفته خود برای تضعیف دفاع هوایی اسرائیل و هموار کردن راه برای کلاک‌های مدرن‌تر و مخرب‌تر استفاده می‌کند. این یک جنگ فرسایشی است و تجارب متعدد نشان داده که اسرائیل در جنگ فرسایشی برنده میدان نیست.

د) یکی از الزامات اساسی پیروزی در جنگ، اعتماد به فرماندهان نظامی و تبعیت از راهبردها و تاکتیک‌های تدبیرشده آنان است. پس باید به تصمیم‌گیری‌های فرماندهانمان اعتماد داشته باشیم. ادامه شرایط کنونی ان شاء الله به ضرر رژیم صهیونیستی است. اسرائیل اگرچه در برخورداری از کمیت و کیفیت تسلیحات نظامی، دست برتر را دارد، اما نقاط ضعف قابل توجهی هم دارد. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف اسرائیل، تاب نیاوردن اجتماعی است. اکثر قریب به تمام شهروندان اسرائیلی یا خودشان یا پدران و مادرانشان، از دیگر کشورهای جهان به اینجا آورده

شده‌اند تا در امنیت و رفاه و زیر سایه یک دولت یهودی زندگی کنند. بدیهی است که ناامنی پیوسته سم مهلکی برای آنان است. امنیتی که دولت پلید و غاصب صهیونیستی تلاش کرد در هشتاد سال گذشته با کشتن و آواره کردن فلسطینیان، برای مهاجران یهودی مهیا کند، از ۷ اکتبر به این سو از بین رفته است. خبرنگار بهایی خبرنگاری بی‌بی‌سی، کسری ناجی، با صراحت اعتراف کرد که «در اسرائیل هیچ‌کس به آینده امیدوار نیست و همه دوست دارند از اینجا بروند!» بنابراین ایجاد جو ناامنی مداوم، تأثیری عمیق‌تر و بیشتر در تخریب روحیه و افزایش فشار اجتماعی صهیونیست‌ها ایجاد می‌کند تا حمله سریع و گسترده که ممکن است به زودی ترمیم شود.



چرا جمهوری اسلامی در شهادت مظلومانه حاج قاسم انتقامی سخت نگرفت تا امروز جنگ نشود؟! چرا جمهوری اسلامی آن روز انتقام نگرفت تا سید حسن نصرالله و شهید رئیسی را از دست ندهیم؟!

شهادت سردار رشید اسلام و ایران، سپهبد حاج قاسم سلیمانی، خسارتی بزرگ برای امت اسلامی بود و با وارد کردن هیچ خسارتی به آمریکا و اسرائیل برابر نیست مگر نابودی آن‌ها؛ لیکن انتقام جمهوری اسلامی از آمریکا در هدف قرار دادن عین الأسد، با لحاظ برخی مسائل، انتقام سخت به شمار می‌رود:

یک: تقریباً از جنگ جهانی دوم به این سو که آمریکا ابرقدرت بدون رقیب جهان بوده، هیچ کشوری و هیچ دولتی حتی جرئت و جسارت تهدید کردن آمریکا را نداشته است، چه رسد به اینکه به برخی از منافع آمریکا حمله کند. حمله ایران به عین الأسد و ناتوانی آمریکا در پاسخ به آن، نوعی ضربه سخت راهبردی به تصویر ابرقدرتی آمریکا بود.

دو: در مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی، هیچ‌گاه با قطعیت نمی‌توان گفت که اگر فلان کار انجام شده بود، فلان اتفاق نمی‌افتاد. رویدادهای اجتماعی، در بستری از زمینه‌ها و با تأثیرپذیری از عوامل مختلفی اتفاق می‌افتند و چنین نیست که یک حرکت بتواند زمینه‌ساز یا مانع قطعی رویدادهای بعدی باشد. بنابراین نمی‌توان با قاطعیت مدعی شد که اگر ایران در مقطع شهادت حاج قاسم، ضربه‌ای بزرگ‌تر به آمریکایی‌ها وارد می‌کرد، اتفاقات تلخی مانند شهادت فرماندهان نظامی و شخصیت‌هایی مانند شهید سید حسن نصرالله در سوریه و لبنان رخ نمی‌داد.

سه: دشمنی آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، ذاتی و بسیار عمیق است. دولت‌های غربی به سرکردگی آمریکا، از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی همواره به هر صورت ممکن به مقابله و مبارزه با انقلاب اسلامی و ملت ایران برخاسته‌اند و تا نابودی جمهوری اسلامی، از تلاش نافرجام خود دست برنخواهند داشت. بنابراین آنان از هر فرصتی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی و شخصیت‌های



مؤثر نظام استفاده می‌کنند و چیزی جز روحیه و تفکر مقاومت، اتحاد و همکاری ملی و دینی ما نمی‌تواند آنان را در تصمیم‌های خود مردد کند.

چهار: اکنون که رژیم پلید صهیونیستی با محاسبه و تدبیر احمقانه خود، به خاک مقدس ایران حمله کرده، فرصت بسیار مناسبی برای تنبیه شدن و وارد ساختن ضربه‌هایی مهلک بر پیکره رובה زوال خود فراهم کرده است. امروز جمهوری اسلامی با اقتدار و اتکا به قدرت الهی و پشتیبانی ملت ایران و حمایت همه ملت‌های آزاده جهان، در حال گرفتن انتقامی سخت از آمریکا و سگ‌هار دست‌آموزش، یعنی باند تبهکار صهیونی است.

رژیم پلید صهیونیستی با گذشت بیش از یک سال و نیم از عملیات «طوفان الأقصى» و جنایات بی‌نظیری که در غزه و لبنان و یمن انجام داده، هنوز به هیچ‌کدام از اهداف خود در غزه دست نیافته است؛ لیکن شهادت سید حسن نصرالله، وادادگی دولت غرب‌گرای لبنان و سقوط دولت بشار اسد، این توهم را برای آن رژیم ایجاد کرد که محور مقاومت تضعیف شده و به آسانی می‌تواند ضربه نهایی را به ریشه و اساس مقاومت، یعنی جمهوری اسلامی، وارد کند؛ اما این محاسبات بسیار احمقانه و غیرواقعی فرصت مناسبی برای رویارویی مشروع و قانونی جمهوری اسلامی با آن رژیم سفاک فراهم کرد و ان شاء الله به لطف الهی شاهد نابودی کامل آن رژیم به دست رزمندگان دلیر ایرانی خواهیم بود. مقام معظم رهبری حفظه الله در پیام تلویزیونی خود خطاب به ملت ایران تصریح کردند: «رژیم خبیث و رذل صهیونی دچار خطا و غلطی بزرگ شد که عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح، به پشتیبانی آن‌ها، با قدرت عمل خواهد کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهد زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت.»^۱

۱. پیام تلویزیونی مقام معظم رهبری حفظه الله خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۴/۰۳/۲۳.



چرا از آمریکا و اسرائیل انتقام سختی نمی‌گیریم؟! ما قادریم تنگه هرمز را ببندیم و اقتصادشان را فلج کنیم.

بدون شک، راهبرد جمهوری اسلامی در مقابل تجاوزات دولت‌های متخاصم آمریکا و اسرائیل، گرفتن انتقام سخت از آنان است؛ لیکن انتقام سخت باید تعریف و تحدید شود. شاید برخی گمان کنند که انتقام سخت یعنی موشک باران مناطق مسکونی، از بین بردن زیرساخت‌های حیاتی آنان، مثل نیروگاه‌های برق، سدها و کارخانه‌های مواد غذایی و مانند آن؛ ولی این تعریفی صحیح از انتقام سخت نیست. انتقام سخت یعنی مجموعه اقداماتی که اولاً کشور متخاصم را از تجاوز خود پشیمان کند، ثانیاً بر قدرت و اقتدار کشور بیفزاید، ثالثاً حمایت و پشتیبانی ملت‌های جهان را به همراه داشته باشد. حال پرسش این است که چه اقداماتی می‌تواند این مؤلفه‌ها را محقق کند!

پاسخ به این پرسش دشوار است و به اطلاعات گسترده و تجارب فراوان نیاز دارد. خوشبختانه بحمدالله این توانمندی‌ها در اختیار فرمانده کل قوا و نیروهای مسلح کشور وجود دارد و تصمیم‌های لازم در مواقع مناسب گرفته خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران اکنون از شرایط مناسبی از لحاظ اقتدار سیاسی و قدرت نظامی و دفاعی برخوردار است و اهرم‌های فراوانی برای وارد ساختن ضربات سخت به دشمنان خود در اختیار دارد. قدرت موشکی و پهپادی، بستن تنگه هرمز، ناامن‌سازی مسیرهای هوایی و زمینی و دریایی برای دشمنان و حامیان آنان، تنها بخشی از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه کشور در دفاع از استقلال و امنیت و منافع ملی است؛ اما استفاده از هرکدام از این ظرفیت‌ها باید با ملاحظه سود و زیان آن و دستاوردهایی که در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌تواند برای کشور به دنبال داشته باشد، انجام شود. برای مثال، بستن تنگه هرمز یکی از ظرفیت‌های بالقوه دفاعی و تهاجمی ایران علیه کشورهای غربی است؛ اما با توجه به اینکه بستن تنگه هرمز اقتصاد کشورهای منطقه را نیز به مخاطره می‌اندازد، استفاده از آن باید تنها در شرایطی کاملاً اضطراری صورت گیرد. ما امروز به حمایت و هم‌گرایی کشورهای اسلامی نیاز داریم و باید تا حد امکان نشان دهیم که نمی‌خواهیم منافع آنان را به خطر بیندازیم. بدیهی است که اگر جمهوری



اسلامی در شرایطی قرار گیرد که برای ضربه زدن به دشمن و دفاع از امنیت خود، جز بستن تنگه هرمز چاره‌ای نداشته باشد، از این ظرفیت بی‌نظیر نیز استفاده خواهد کرد.

پایان این جنگ چه خواهد شد؟ آیا پیروز می‌شویم؟

پیروزی یا شکست یک ملت در برابر دشمنان خود، متوقف بر آن است که خود را با سنت‌های الهی در هستی و زندگی انسان همراه کند. سنت الهی بر این قرار گرفته که هر ملتی که از خود پامردی و استقامت و استواری نشان دهد و هدفی جز دفاع از حقیقت نداشته باشد، پیروز میدان است. خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان نوید می‌دهد که اگر صبر بورزید،^۱ بر خداوند توکل کنید،^۲ مطیع خدا و رسول و اولی‌الأمر باشید^۳ و در میان خود اتحاد و انسجام را حفظ کنید،^۴ پیروزی با شماست.

ان شاء الله به توفیق الهی، همان‌گونه که رهبر حکیم و فرزانه ما فرمودند، و با توجه به صلابت و اقتدار و شجاعت فرزندان ملت در نیروهای مسلح و پامردی و استقامت آحاد ملت ایران، پایان این جنگ نابودی یا تسلیم شدن رژیم متجاوز اسرائیل در برابر ملت ایران خواهد بود. مقام معظم رهبری حفظه الله در پیام خود خطاب به ملت ایران فرمودند: «رژیم خبیث و رذل صهیونی دچار خطا و غلطی بزرگ شد که عواقب آن او را بیچاره خواهد کرد. ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که نیروهای مسلح به پشتیبانی آن‌ها با قدرت عمل خواهد کرد و ضربه‌های سنگینی به این رژیم خواهد زد و این رژیم از این خباثت بزرگ، سالم خلاصی نخواهد یافت... آن‌ها فکر نکنند که زدند و تمام شد! کار را آن‌ها شروع کردند و جنگ به راه انداختند و به آن‌ها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگ خود را سالم خلاص کنند... جمهوری اسلامی به اذن الهی بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد آمد.»^۵

۱. آل عمران، ۱۲۵.

۲. یونس، ۸۴.

۳. نساء، ۵۹.

۴. انفال: ۴۶.

۵. پیام تلویزیونی مقام معظم رهبری حفظه الله خطاب به ملت ایران، ۱۴۰۴/۰۳/۲۳.



رژیم صهیونیستی تاکنون بسیاری از فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کرده است. چرا جمهوری اسلامی در مقابله به مثل، فرماندهان و دانشمندان آنان را ترور نمی‌کند؟

الف) بدون شک، رژیم پلید و جنایتکار صهیونیستی در اقداماتی غیرقانونی و غیراخلاقی و در عین حال بزدلانه و با استفاده از مزدوران داخلی خود، تاکنون شماری از فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای کشورمان را ترور کرده است. این اقدامات هرگز پیروزی نظامی محسوب نمی‌شوند. وجدان همه انسان‌های آزاده از چنین اقداماتی منزجر و متنفر است و نه تنها رژیم صهیونی را به خاطر آن قدرتمند به شمار نمی‌آورند، بلکه آن رژیم را برای انجام چنین اقداماتی محکوم می‌کنند.

ب) فرماندهان و دانشمندان ایرانی، مردمی هستند و در میان مردم و با مردم زندگی می‌کنند و از این رو دسترسی به آنان دشوار نیست؛ اما مقامات سیاسی، نظامی، امنیتی و فنی رژیم صهیونی در شرایط امنیتی ویژه‌ای به سر می‌برند و مردم عادی را سپر بالای خود می‌کنند. ضمن آنکه رژیم صهیونی از لحاظ تجهیزات امنیتی در شرایط برتری قرار دارد و در استخدام جاسوسان و آدم‌کشان حرفه‌ای، برای مقاصد پلید خود هیچ محدودیت و حذومرزی قائل نیست. فرماندهان ما اهل رزم جوان‌مردانه‌اند و برای دفاع از کشور و ملت به رفتارهای ناجوان‌مردانه دست نمی‌برند.

ج) با توجه به اینکه افکار عمومی جهان توسط رسانه‌های صهیونیستی مدیریت می‌شود و همه سازمان‌های حقوق بشری و مانند آن در جهان، در اطاعت و بردگی آمریکا قرار دارند، همواره اقدامات اسرائیل را توجیه و نوعی دفاع مشروع از خود معرفی می‌کنند؛ اما یقیناً اگر چنین اقداماتی از سوی ایران انجام شود، آن را با عنوان نقض حقوق بین‌الملل و اقدام علیه بشر محکوم می‌کنند و زمینه را برای فشار و تحریم و تهدید بیشتر علیه کشورمان فراهم می‌سازند.

د) رژیم پلید صهیونی کارنامه سیاهی در ترور هدفمند شخصیت‌های سیاسی و نظامی در سراسر جهان، حتی در آمریکا و اروپا و خود سرزمین‌های اشغالی دارد؛ چه رسد به فرماندهان و مقامات سیاسی و دانشمندان مسلمان که همواره جزو اهداف اصلی ترور آن رژیم سفاک قرار داشته‌اند.



ترور شخصیت‌های سیاسی و علمی و فرماندهان نظامی برای کشور ما خسارت سختی محسوب می‌شود؛ با وجود این، فرهنگ مقاومت، روحیه انقلابی و نگرش ظلم‌ستیزی یک اندیشه و سبک زندگی است که با ترور و حذف فیزیکی افراد از بین نخواهد رفت. امروز بحمدالله نیروهای ارزشمند و توانمند سیاسی و علمی و نظامی بسیاری از میان جوانان مستعد و انقلابی و مهین‌دوست تربیت شده‌اند که با سرعت جای شهیدانمان را پر می‌کنند و مسیر عزت و آزادی و پیشرفت کشور به سمت قله‌های علمی و فنی و معنوی و انسانی را هدایت و مدیریت خواهند کرد.

ه) با همه این احوال، اکنون به دست خود صهیونیست‌ها و با حماقت آنان، فرصتی بی‌نظیر برای جبهه حق و حقیقت به دست آمده تا سردمداران پلید و خون‌خوار آن رژیم شیطانی را به سزای اعمالشان برسانند. ان شاء الله در ادامه دفاع جانانه ملت ایران در برابر تجاوز رژیم صهیونیستی شاهد هلاکت بسیاری از مقامات سیاسی و نظامی آن رژیم و نابودی سیستم ظالمانه آنان خواهیم بود.

چرا اصلاً با اسرائیل مشکل داریم؟! چرا با او می‌جنگیم؟ چرا آمریکا و اسرائیل علیه ما اقدام می‌کنند؟ چرا با آن‌ها صلح نمی‌کنیم؟

الف) رژیم صهیونیستی به علت ماهیت جعلی و غاصبانه و جنایت‌کارانه و سلطه‌جویانه، بزرگ‌ترین تهدید برای صلح و امنیت جهانی، به‌ویژه صلح و امنیت در منطقه غرب آسیاست. دشمنی جمهوری اسلامی با آن رژیم جعلی و پلید، مبتنی بر مبانی و اصول ارزش‌های اسلامی و انسانی و از موضع حق‌طلبی و سلطه‌ستیزی است. جمهوری اسلامی با اسرائیل دشمن است چون با غصب سرزمین ملت‌ها، تجاوز به حقوق انسان‌ها، ظلم و جنایت علیه بشر و نادیده گرفتن حقوق انسان مخالف است.

ب) موجودیت اسرائیل بر پایه غصب جنایت‌کارانه سرزمین ملت فلسطین و نادیده گرفتن نسل‌های گذشته و حال آن مردم شکل گرفته است. موجودیت رژیم صهیونی سنگ بنای خطرناکی است که ادامه حیاتش صلح و امنیت جهانی و حقوق بشر



را برای همیشه بی معنا می کند. موجودیت نحس و نکبت رژیم صهیونیستی نه تنها برای مردم فلسطین و کشورهای منطقه بلکه برای همه بشر خسارت بار است.

ج) شعار اصلی صهیونیست ها، یعنی شعار «از نیل تا فرات»، بیانگر هدف اصلی آن رژیم برای توسعه طلبی بی حدود مرز موجودیت خود است. اگر با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جبهه مقاومت اسلامی در منطقه، رژیم غاصب در مرزهای خود خوانده و جعلی اش محصور نمی شد، یقیناً امروز کل منطقه غرب آسیا در تسخیر آن رژیم قرار داشت. هدف اصلی رژیم صهیونیستی ایجاد اسرائیل بزرگ از لحاظ اقتصادی و مالی است تا جایی که بتواند بر دیگر کشورهای منطقه حکمرانی کند. رژیم پلید صهیونی چونان گرگ درنده و سیری ناپذیری است که برای تجاوز به حقوق دیگران، حدود مرزی برای خودش قائل نیست.

مقام معظم رهبری حفظه الله در تبیین ماهیت تجاوزکارانه و توسعه طلبانه استکبار آمریکایی-اسرائیلی فرمودند: «مسئله غزه که شما مشاهده می کنید، این بخشی از ظاهر قضیه است. باطن قضیه عبارت است از اینکه دستگاه استکبار بی اعتقاد به همه اصول انسانی، مایل است این منطقه خاورمیانه، این منطقه حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیایی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد، در مشت بگیرد. وسیله اش هم اسرائیل غاصب است، صهیونیست های مسلط بر فلسطین اشغالی. مسئله این است. همه این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است، از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین، با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسئله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار - استکبار اعم از آمریکاست، البته مظهر عمده اش، شیطان بزرگ، دولت آمریکاست - قرار داشته باشد. استکبار می خواهد این منطقه را در اختیار داشته باشد، در مشت داشته باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است. همه این داستان ها و قضایای این چند سال، با این نگاه تحلیل می شود... این ها می خواهند هیچ عنصر مقاومتی در این منطقه وجود نداشته باشد... هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه غزه را یک قضیه منطقه ای و شخصی و محلی بداند، دچار همان خواب خرگوشی ای است که پدر ملت ها را تا



حالا درآورده است! نه! این قضیه غزه فقط قضیه غزه نیست؛ قضیه منطقه است. فعلاً آنجا نقطه ضعیف تر است، تهاجم را از آنجا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه برنمی دارند.»^۱

د) جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی دشمن است؛ زیرا آن رژیم همواره برای ضربه زدن به ایران تلاش کرده است. حمایت از گروهک های تجزیه طلب و مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران و انبوهی از اقدامات ضد انسانی برای ایجاد ناامنی در کشور، بخشی از فعالیت های خصمانه اسرائیل علیه ملت ایران بوده است.

رژیم صهیونیستی سال هاست که با به کار گرفتن انواع رسانه ها و با ترویج فحشا و فساد و پوچ گرایی به دنبال تخریب فرهنگ دینی و هویت ملی همه کشورها، به ویژه جامعه اسلامی ایران است. فعالیت های ویرانگر فرهنگی و سیاسی پیوسته شبکه های فارسی زبان علیه امنیت و منافع ملی ایرانیان، تنها گوشه ای از کوشش های خصمانه و جنایت کارانه رژیم صهیونیستی در مقابله و هجوم به ارزش های اسلامی و فرهنگ ایرانی است.

رژیم صهیونی مظهر ظلم و جنایت، کانون شرارت و تخریب و دشمن ارزش های انسانی و اسلامی و در یک کلام، دشمن انسانیت است. دشمنی با رژیم اسرائیل تبلور دفاع از ارزش های انسانی و اسلامی و مقابله با نهادینه شدن ظلم و بی عدالتی و نادیده گرفتن حقوق ملت هاست.

ه) امروز روشن تر از هر زمانی، همه انسان های آگاه و آزاده به خوبی باور دارند که آمریکا و اسرائیل به دنبال سلطه جویی جهانی هستند و هیچ مقاومتی را در برابر زیاده خواهی های خود برنمی تابند. در ۴۵ سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران با پایداری بر استقلال طلبی، نفی سلطه جویی و حمایت از محور مقاومت، بزرگ ترین مانع در برابر نظم ظالمانه آمریکایی-اسرائیلی برای تسلط بر همه جهان بوده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام) در دیدار جمعی از مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹.

و) در پاسخ به این پرسش که چرا با رژیم صهیونیستی و آمریکا صلح نمی‌کنیم، گفتنی است که رژیم صهیونیستی، رژیمی جعلی، غاصب و متجاوز به حقوق انسان‌هاست و صلح با آن رژیم و به رسمیت شناختن بزرگ‌ترین اهانت به انسانیت، عدالت و اخلاق و زدن تیشه به ریشه امنیت و منافع ملی است. صلح و رسمیت بخشیدن به رژیم صهیونیستی، کاری بی‌معنا و فاقد هرگونه مبنا و معیار قانونی و اخلاقی و مهر تأییدی بر همه جنایات آن رژیم خواهد بود. ازاین‌رو جمهوری اسلامی هرگز چنان رژیمی را به رسمیت نخواهد شناخت و با آن صلح نخواهد کرد.

درباره صلح با آمریکا نیز توجه به ماهیت سلطه‌جویانه و استکباری آن کشور و دشمنی تاریخی آن با استقلال، امنیت، آزادی و منافع کشور ما، در شرایط کنونی هرگونه صلحی را ناممکن و بی‌معنا می‌سازد. صلح در جایی معنا دارد که طرف مقابل حقوق شما را به رسمیت بشناسد، برای شما احترام قائل باشد، اهل دادن امتیاز باشد، اهل وفای به عهد باشد و هم‌زمان با مذاکره و مصالحه، در پی نابودی شما نباشد! حال با توجه به تجارب تاریخی ما از دولت‌های مستکبر و زورگوی آمریکا، در کشور خودمان و دیگر کشورهای جهان، می‌توان با آن کشور وارد یک مذاکره واقعی و مفید شد؟! پاسخ فعلاً منفی است. مگر آمریکایی‌ها به توافقات قبلی خود با کشورها پایبند بوده‌اند؟! آخرین تجربه ما در مذاکره با آمریکا، مذاکرات دو ماه گذشته است که اکنون روشن شد و خودشان اعتراف کردند که این مذاکرات، پوششی برای حمله غافلگیرانه به ایران توسط اسرائیل بوده است.

جمهوری اسلامی ایران نظامی مبتنی بر اصول و ارزش‌های انسانی و الهی است و خواهان صلح و آرامش و امنیت در همه جهان و برای همه انسان‌هاست و با هر کشوری که بخواهد با ما با عدالت و احترام و انصاف برخورد کند، از در دوستی و خیرخواهی ارتباط برقرار می‌کند؛ اما هرگز در برابر زیاده‌خواهی، مکر و حيله، تجاوز و نادیده گرفتن حقوق انسان‌ها تسلیم نخواهد شد.

به نظر می‌رسد که حملات ایران و اسرائیل به یک تناسب نسبی رسیده
و اکنون بهتر است از در مذاکره و مصالحه وارد شویم و برای یک راه حل
دیپلماتیک تلاش کنیم!

الف) مذاکره و مصالحه آداب و شرایطی دارد که اگر به آن توجه نشود، نه تنها به کاهش تنش و درگیری منتهی نمی‌شود، بلکه دشمن را جسورتر می‌کند و موجب تشدید تجاوز او می‌شود. اکنون با وجود تجاوز غافلگیرانه اسرائیل به کشور ما، در میدان رزم دست برتر با ماست و هرگونه پیامی از طرف ایران برای مذاکره و مصالحه به معنای ضعف و سستی تلقی خواهد شد و اسرائیل را در ادامه تجاوز و تشدید حملات خود گستاخ‌تر خواهد کرد. اکنون باید هیچ پیامی جز مقاومت و پایداری و صلابت و شجاعت و انتقام از متجاوز، از کشور ما به دنیا منتقل نشود. در صورتی رفتن به پای میز مذاکره و مصالحه منطقی است که دشمن صهیونیستی تسلیم شود و مذاکره و مصالحه را از ایران گدایی کند.

ب) مذاکره و مصالحه در موقع جنگ اولاً باید توسط یک کشور ثالث صورت گیرد، ثانیاً هر دو طرف خواهان صلح و اتمام درگیری باشند، ثالثاً طرف متجاوز در پی فریب و نیرنگ نباشد، رابعاً طرف مقابل از مشروعیت حداقلی برخوردار باشد، خامساً تجارب پیشین نشان دهد که مذاکره و مصالحه با طرف مقابل، عاقلانه و هوشمندانه است. حال وقتی به صحنه جنگ اسرائیل علیه ملت ایران می‌نگریم، هیچ‌کدام از موارد لازم و ضروری برای حصول مذاکره و مصالحه عاقلانه و هوشمندانه وجود ندارد.

ج) درست است که ایران ضرباتی دردناک به صهیونیست‌ها وارد کرده است، اما اسرائیل خود را برای شرایطی به مراتب بدتر آماده کرده و ممکن است از روی عمد این ضربات را بزرگ‌نمایی می‌کند تا ایران با استناد به این بزرگ‌نمایی، به همین سطح از حملات قانع شود. درخواست ترامپ برای پایان دادن به جنگ و متوقف کردن درگیری‌ها، نوعی استاندارد دوگانه است برای حفظ راه بازگشت و توقف جنگ، پس از آنکه اسرائیل به اهداف خود رسید. همین سیاست آمریکایی در لبنان، حزب الله را فریب داد و به ترور سید حسن نصرالله منجر شد؛ پس از آنکه



پیشنهاد آتش بس فرانسه-آمریکا مطرح شد؛ پیشنهادی فریب کارانه و تنها برای خرید زمان به منظور ترور سید حسن نصرالله.

به نظر می‌رسد تمام صحبت‌هایی که درباره کاهش تنش و بزرگ‌نمایی ضربات ایران می‌شود، فریب صهیونیست‌هاست برای خرید زمان و زمینه‌سازی برای حملات بیشتر به ایران. اسرائیل هرگز جرئت حمله مستقیم به ایران را ندارد مگر آنکه تدابیر بزرگی در داخل سرزمین‌های اشغالی اتخاذ کرده باشد تا جبهه داخلی‌اش را که نقطه ضعف اصلی اوست، حفظ کند. اکنون تنها راه عقب‌نشینی اسرائیل دریافت ضربات خردکننده‌ای است که خارج از محاسبات آن‌ها باشد؛ وگرنه حملات در این سطح را کاملاً انتظار داشته است. شکست ایران در این جنگ یعنی وارد شدن به دوران تاریکی دردناک برای صد سال آینده. این نبردی برای «بقا» است، نه فقط یک جنگ یا حمله نظامی.

چرا صداوسیما با سرعت اطلاع‌رسانی نمی‌کند و همیشه از شبکه‌های اجتماعی عقب می‌ماند؟!

الف) بدون تردید اطلاع‌رسانی بهنگام و سریع و دقیق، از مهم‌ترین عناصر موفقیت یک رسانه است. هرچه اطلاع‌رسانی یک رسانه با سرعت و شفافیت و دقت همراه باشد، مرجعیت خبری آن رسانه ارتقا پیدا می‌کند و اعتماد عمومی به آن بیشتر می‌شود. توقع عمومی از صداوسیما برای پوشش سریع و دقیق اخبار، به‌ویژه در شرایط بحرانی، مثل جنگ، توقعی بجا و منطقی است و صداوسیما باید دائم در این مسیر تلاش کند. البته پوشیده نیست که صداوسیمای جمهوری اسلامی با وجود انواع محدودیت‌های مالی و... همواره در حال ارتقای استانداردهای تخصصی خود در قامت یک رسانه معتبر بین‌المللی بوده است.

ب) با وجود این، نباید فراموش کنیم که صداوسیمای جمهوری اسلامی، رسانه ملی و رسمی کشور است. هرگز نمی‌توان صداوسیما را با شبکه‌های اجتماعی مقایسه کرد. شبکه‌های اجتماعی اگرچه در برخی از موارد با سرعت بیشتری اطلاع‌رسانی



می‌کنند و متأسفانه بسیاری از مردم به این شبکه‌ها اعتماد زیادی دارند، اما اولاً شبکه‌های اجتماعی در برابر اخبار دروغ و تحریف‌شده‌ای که منتشر می‌کنند، هیچ تعهد و مسئولیت رسمی و قانونی ندارند؛ درحالی‌که رسانه ملی در برابر اخباری که منتشر می‌کند، تعهد و مسئولیت قانونی دارد؛ ثانیاً رسانه ملی بلندگوی حاکمیت ملی است و نمی‌تواند هر خبری را بدون بررسی کامل منتشر کند؛ درحالی‌که شبکه‌های اجتماعی معمولاً دقتی به جوانب رویدادها ندارند و تنها به دنبال جذب دنبال‌کننده و دیده شدن هستند؛ ثالثاً ممکن است انتشار برخی از اخبار، خلاف مصالح و منافع ملی باشد و صداوسیما پس از بررسی جوانب امر، به این نتیجه برسد که نباید به آن خبرها پردازد؛ درحالی‌که شبکه‌های اجتماعی چنین حساسیتی درباره منافع و مصالح ملی ندارند.

چرا صداوسیما تعداد زخمی‌ها و شهدا را اعلام نمی‌کند؟

انتشار آمار شهدا و مجروحان در شرایط جنگی نباید به گونه‌ای باشد که امنیت و آرامش روانی جامعه را دچار اختلال کند و ناامنی روانی ایجاد سازد. برای همین، آمار شهدا و مجروحان به صورت تدریجی و به مرور منتشر می‌شود. ضمن آنکه آمار شهدا و زخمی‌ها با حملات جدید، تغییر می‌کند و اصلاً ضروری نیست که آمارها دائم به‌روزرسانی شود. در این راستا آمادگی کامل سازمان‌ها و دستگاه‌های کشور برای رسیدگی به مجروحان و خانواده شهدا بسیار مهم است. در شرایط کنونی همه مردم باید آرامش و خون‌سردی خود را حفظ کنند و در دام جنگ روانی دشمن قرار نگیرند. مهم‌ترین عنصری که می‌تواند به دشمن در پیشبرد اهداف خود کمک کند، به هم ریختگی اجتماعی و از دست رفتن آرامش و امنیت روانی مردم است.



با وجود تهدیدات مقامات آمریکایی و اسرائیلی، این نگرانی وجود دارد که
 جان رهبر انقلاب علیه السلام در خطر باشد. آیا ملاحظات امنیتی خاصی برای حفظ
 جان ایشان وجود دارد؟

نگرانی و حساسیت درباره حفظ جان و سلامت رهبری عزیز علیه السلام، دغدغه مردم انقلابی و دل سوزان نظام و علاقه مندان انقلاب در سرتاسر جهان و بلکه دغدغه هر ایرانی آزاده‌ای است که برای استقلال و اقتدار کشورش اهمیت قائل است.

یقیناً نیروهای امنیتی کشور با تمام وجود در تأمین امنیت رهبری عزیز کوشا هستند و تدابیر لازم را انجام خواهند داد. ان شاء الله با عنایت الهی و توجهات خاص ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همه توطئه‌های دشمنان بی اثر و خنثی خواهد شد. لیکن وظیفه همه مؤمنان و علاقه مندان ایشان، خواندن دعا، تلاوت قرآن، دادن صدقه و قربانی کردن برای سلامتی و طول عمر و موفقیت ایشان است.

خواندن آیت الکرسی و سوره‌های اخلاص و کافرون و فلق و ناس، دادن صدقه، هرچند مختصر، و اهدای قربانی برای سلامتی ایشان، در صورت امکان، ان شاء الله موجب محافظت ایشان از گزند دشمنان خواهد بود. کمترین دعا این است که در شبانه روز چندین بار بگوییم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَائِدَنَا الْإِمَامَ خَامِنَهُ فِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ.»

چرا ایران سیاستی مانند روسیه در قبال آمریکا و اسرائیل در پیش

نگرفت؟ جمهوری اسلامی می‌توانست مانند روسیه عمل کند و در عین

اینکه با آمریکا و صهیونیست‌ها دشمن است، با آن‌ها تعامل داشته باشد!

دشمنی آمریکا و رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی، دشمنی ایدئولوژیک بلکه دشمنی تمدنی است و با دشمنی با روسیه و چین که تنها به منافع سیاسی و اقتصادی مربوط می‌شود، متفاوت است. هویت اسلامی و فرهنگ ارزشی، استقلال‌طلبی، سلطه‌ستیزی و حمایت جمهوری اسلامی از مظلومان عالم، نظام سلطه و فرهنگ و تمدن منحط غرب را به چالش کشیده و برای آنان تهدیدی تمدنی محسوب می‌شود. بنابراین آمریکا و اسرائیل جز به نابودی یا تسلیم یا تغییر مسیر آن راضی نخواهند شد. سخنان و تحلیل‌های اندیشمندان و مقامات سیاسی غربی به خوبی نشان می‌دهد که جنگ ما با نظام سلطه، جنگی وجودی و اعتقادی است. هانتینگتون، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، می‌نویسد: «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.»^۱ ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، می‌نویسد: «جهان اسلام در قرن ۲۱ یکی از مهم‌ترین میدان‌های زورآزمایی سیاست خارجی آمریکاست.»^۲

ریچارد مورفی، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا، در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا می‌گوید: «اولویت‌های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزاد نفت از خلیج فارس، مهار کردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است. پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسئله استراتژیک متعارف نیست؛ مسئله‌امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.»^۳

۱. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه، نفوذ و استحاله، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۷.

۲. نیکسون، ریچارد، فرصت را دریابیم، ترجمه حسین وفسی‌نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، ص ۲۵۶.

۳. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران، سروش، ۱۳۷۹، ص ۳۱۴.

بنابراین نمی‌توان تصور کرد که اگر جمهوری اسلامی به صورتی که روسیه و چین عمل می‌کنند، عمل می‌کرد، دشمنی آمریکا و اسرائیل پایان می‌پذیرفت. ضمن آنکه پذیرش نظام سلطه و تن دادن به ذلت و زبونی در برابر دشمنان و چشم‌پوشی کردن از ظلم‌ها و جنایت‌های آمریکا و اسرائیل، با مبانی و ارزش‌های جمهوری اسلامی مغایر است و نظام اسلامی را از هویت اسلامی خود تهی می‌سازد.

هدف اسرائیل از حمله به ایران چیست؟

الف) رژیم صهیونیستی هدف خود از حمله به ایران را از بین بردن تأسیسات هسته‌ای کشور عنوان کرده است. لیکن هدف اصلی آنان نابودی جمهوری اسلامی یا به تسلیم واداشتن آن در برابر نظم ظالمانه غربی-عبری و تسلط کامل بر منابع حیاتی منطقه غرب آسیاست.

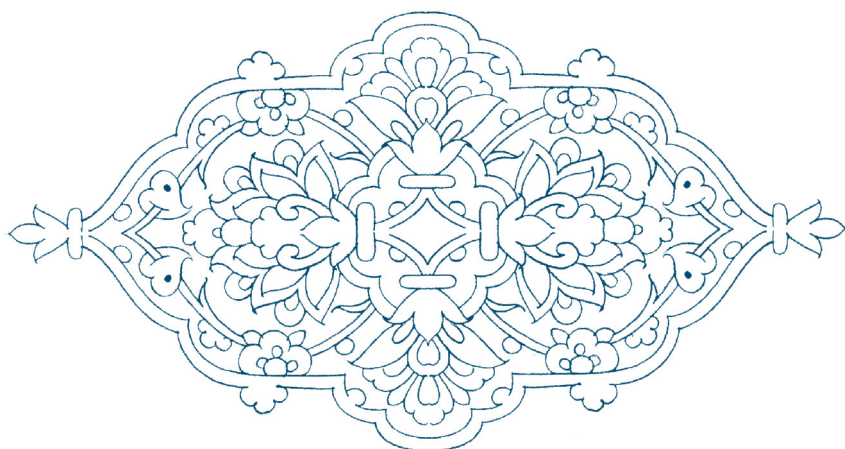
مهم‌ترین عامل دشمنی اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی، استقلال‌طلبی و ایستادن در برابر زورگویی‌های کشورهای غربی است. آنان می‌خواهند آقا و دیگر ملت‌ها برده و نوکر باشند، و جمهوری اسلامی، تنها کشوری است که می‌گوید من می‌خواهم مستقل و آزاد باشم و از شما فرمان نمی‌گیرم. جمهوری اسلامی ایران الگویی از حاکمیت سیاسی را پیش چشم ملت‌های منطقه قرار داده که برای آنان که قرن‌هاست طعم تلخ تحقیرشدگی توسط غرب وحشی و حاکمان مستبد و خودفروخته را چشیده‌اند، بسیار شیرین و دل‌رباست و غرب نمی‌خواهد چنین الگویی فراگیر شود و دیگر ملت‌های منطقه نیز به فکر استقلال و آزادی و عزتمندی بيفتند.

ب) عامل دومی که باعث دشمنی و جنگ‌افروزی اسرائیل شده، آن است که جمهوری اسلامی هیچ‌گاه رژیم اسرائیل را به رسمت نشناخته و همواره علیه ظلم‌ها و جنایت‌های آن رژیم خون‌خوار علیه ملت مظلوم فلسطین و دیگر ملت‌های منطقه، موضعی جدی و مقتدارانه گرفته و ملت‌های منطقه را نسبت به خوی تجاوزگری و توسعه‌طلبی آن رژیم حساس کرده و به آنان هشدار داده است.

موضع روشنگرانه و مقتدارنه ایران همواره یکی از موانع جدی شکست طرح‌های غرب برای عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی بوده است.

آیا می‌توان گفت که ایران در صحنه جهانی تنها مانده و در انزوا قرار گرفته است؟

تردیدی نیست که بسیاری از کشورهای جهان از روی ترس یا عدم اعتماد به نفس، آقای آمریکا و بردگی خود را پذیرفته‌اند و از این رو به خاطر ملاحظات سیاسی و اقتصادی نمی‌توانند آشکارا از کشور ما حمایت کنند؛ اما اولاً ایران در صحنه بین‌المللی تنها نیست و بسیاری از کشورها، جز چند کشور معدود، با ما ارتباطات سیاسی و اقتصادی دارند؛ ثانیاً امروز افکار عمومی دنیا و ذهن و قلب بسیاری از ملت‌ها با جمهوری اسلامی است. مردم دنیا ملت ایران را ملتی شجاع و غیور و آزاده می‌دانند. امروز ایرانیان الهام‌بخش آزادی، استقلال، ظلم‌ستیزی، عزت‌خواهی و شرافت در میان دیگر ملت‌ها به شمار می‌روند و این افتخاری بس بزرگ برای ملت ماست؛ ضمن آنکه امروز اسلام هم با نام ایران قرین است و کسانی که در پی شناخت اسلام و گرایش به اسلام هستند، اسلام را از دریچه تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام) جست‌وجو می‌کنند.



وظیفه طلاب در نبرد با اسرائیل چیست؟!

@varoshan

تهیه شده توسط
مؤسسه تبلیغی و زبان آئینده روشن

به صورت کلی باید قشری در جامعه باشند که عمار گونه مسئولیت روشنگری و تبیین را برعهده بگیرند. در این برهه از زمان، دشمنان بر روی موج های گمراه کننده داخلی و رسانه ای سرمایه گذاری کرده اند؛ لذا وظیفه صنف روحانیت، اعم از خواهر و برادر، امر مهم تبیین، آن هم به صورت کاربردی و عملیاتی است. ما طلاب به عنوان سربازان فرهنگی ایران اسلامی، نباید نقش خود را گم کرده و یا آن را بی اهمیت بشماریم. فراموش نکنیم که پیروز میدان نبرد کسانی هستند که افکار مردم را هدایت میکنند؛ نه جان و مالشان را... و اما بصورت جزئی در این موقعیت حساس زمانی وظیفه طلاب و روحانیت چیست؟

@varoshan

مقام معظم رهبری مدظله العالی در سخنان سال های گذشته خود سه مسئولیت عمده را برای روحانیت برشمرده اند:

هدایت دینی، هدایت سیاسی و خدمات اجتماعی. در حال حاضر، باید این سه مسئولیت را با این شرایط زمانی تطبیق داد که مواردی را در ادامه ذکر میکنیم.

@varoshan

از مصادیق هدایت دینی جامعه:

@varoshan

تبیین میثت همراهی نصرت
و امداد الهی با جبهه حق

توجه دادن مردم به دعا و نیایش
و استعانت از خداوند و اهل بیت

تبیین میثت پیروشناسی
از منظر دین مبین اسلام

توجه دادن مردم به میثت
معاد و شهادت

توجه دادن مردم به میثت
ظهور و آمدن منجی

از مصادیق هدایت سیاسی جامعه:

@varoshan

تبیین میثت صهیونیست
شناسی و چنایات آن ها

توجه دادن مردم به وضعیت
نظامی دشمن و دیدن واقعیت ها

تبیین قدرت نظامی خود
با وجود ۴۵ سال تحریم

ایجاد حس اعتماد به توان و
تخصص نیروهای مسلح کشور

پاسخ به شبهات به وجود
آمده در ذهن افکار مختلف

از مصادیق خدمات اجتماعی:

@varoshan

مشارکت آحاد جامعه در این فرگهری
با ترویج فرهنگ همدلی و اتفاق

ایجاد انسجام ملی و جلوگیری
از دوقطبی سازی جامعه

کمک رسانی و ارائه خدمات
در صورت بروز حوادث

ترویج امید و نشاط در جامعه با برپایی
برنامه های مختلف تفریحی و فرهنگی

استفاده از ظرفیت
تبلیغی مامان محرم

@varoshan

برخی راهکارهای عملی در جهت وظایف گفته شده:

@varoshan

برنامه ریزی دقیق
هدفمند و مکتوب

حضور فعالانه، نه منفعلانه

تیم سازی و کار تشکیلاتی

ارتباط حداکثری به صورت
حضور و مجازی با مردم

تبلیغی مامان محرم

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

باید با قدرت عمل کرد و ان شاء الله با قدرت عمل خواهد شد و با آنها مماشاتی نخواهیم کرد. زندگی برای آنها تلخ خواهد شد، بدون تردید. فکر نکنند که زدند و تمام شد؛ نه، کار را آنها شروع کردند و **جنگ** به راه انداختند.

ما به آنها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگی که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند؛

